

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۹

# پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۳۰ ریال

## خجسته باد اول ماه مه

### روز همبستگی جهانی کارگران!



## کمون پاریس جاودانه زنده است:

زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!

"نقلاب برفا فتنکار کارگری ۱۸ مارس، حاکمیت بلامنازع ویی جون وجرای خود را در پاریس مستقرما حت".  
(مارکس - داخلی در فرانسه)  
روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کارگران مسلح با ریس با درهم شکستن ارتش ارتجاعی حکومت "نتی میو" پاریس را فتح کرده و با برافراشتن پرچم سرخ بر بالای شهرداری پاریس، پرولتاری اولین حکومت کارگری را در جهان اعلام کردند صبح روز ۱۸ مارس کارگران قهرمان پاریس، بیورش لشکرهایان حکومت "نتی میو" را بیه "موت مارتو" با قیام مسلحانه قهرمانانه ای درهم شکستند و با تسخیر ۱۱ عده در صفحه



## سرمقاله

### شعار خلع ید از حزب انحصار طلب حاکم رفر میسم در پوشش "چپ"

در شرایط کنونی، کمتر کسی را میتوان یافت که براس باورنا شد که اوضاع و احوال محول ویرنظام فعلی، مسئله قدرت سیاسی را بحد مسئله کلمدی صحنه سیاست ایران تبدیل کرده است. حخته کلمدی و اساسی بودن این مسئله در این شرایط صرفاً بنا بر قاعده عمومی مبارزه طبقاتی در کلمه حواسع و انقلابات کشورها نیست که مورد ناکند قزار منکبرد، بلکه بویژه حطیت سیاسی دورانی که حامعه ایران از سرمکذرا اند، یعنی از یکسو بر رویه کسترش مبارزه طبقاتی و اعتدالی اعتدالی جنس، واژسوی دیگر عدم ثبات و فروپاشی درونی رژیم سیاسی تضادهای روبه گسترش درونی آن و عفا آرائی قطبهای سیاسی طبقاتی موجود در ایران بچرا ن چند جانبه حاکم بر جامعه این قاعده عمومی را به مسئله ای مشخص، مبرم و عاجل تبدیل میکنند بی جهت نیست که هم اکنون بتتید در صفحه ۲

سال ۱۳۶۰،  
سال بهره گیری از  
تجارب و تعمیق  
جنبش مقاومت  
خلق کرد

## هدف حزب جمهوری اسلامی از "احیاء" کاشانی چیست؟

صفحه ۲۳

## دستمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن

صفحه ۱۴

## تشدید رقابتهای امپریالیستی در منطقه و سیاست طبقه کارگر

صفحه ۲۱

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## نقشه از صفحه ۱ سر مقاله...

اغلب میا حنات، مشاجرات و اختلاف نظرهای میان نیروهای سیاسی مختلف، بحول ایمن مسئله کلیدی و اساسی متمرکز و متراکم شده است. بویژه اینکه، تحولات و دگرگونی های صورت گرفته در قدرت سیاسی پس از قیام مهمن ماه، و ترکیب و ماهیت نوین آن از این پس، مسائل بفرخ و پیچیدگی های بسیاری در برابر نیروهای سیاسی قرار داده که ضرورتی با بستن به فراخروتنان و نوسه خویش، به حل و فصل آنها هست می گماشتند. و دقیقاً به همین دلیل است که سرخوردن به قدرت سیاسی و سیاست نیروها در برابر آن را میتوان مهمترین ملاک و محک تمام سز دمکراتیک و سیم بیگرا زنا پیگیر در جنبش انقلابی و دموکراتیک سیم پرولتاریا می دانیم که سیم غیر پرولتری در جنبش کارگری و کمونیستی قرار داد و واقعیت نیز در این دوره نشان داد که چنین بوده است. از فردای تلنگیری قدرت سیاسی جدید، بر سر تیر خوردن به دولت، انحرافات متعددی ظهور یافته و با به پای تغییر و تحولات سیاسی جامعه بویژه زیگزاگهای بورژوازی حاکم و جناحهای مختلف آن، این انحرافات تحول و تکامل پیدا کرد، که با به خط صحیح نزدیک شده و با آن فاصله گرفته و تعمیق یافته و بسا در اشکال جدیدتری تجدید حیات کرده اند. همین مسئله، در راس کلیه مسائل تئوریک و عملی بر سر تریک گرایش ایدئولوژیک، منشاء بسیاری از تداومها و انشعابات متعدد و فرازونشیب های بسیار در درون جنبش انقلابی و کمونیستی گردیده است.

سازمان مجاهدین، بمناسبت یک نیروی دمکرات و ضد امپریالیست از همان فردای قیام، حرکت خویش را در برابر رژیم جدید، در ستریک خط مشی انحرافی آغاز نمود، و با زیگزاگهای بسیار ناشی از فرازونشیب های سیاسی جامعه و بویژه قدرت سیاسی، در سیاست و عملکرد خود، در برابر دولت، سرانجام و بتدریج بریک "تحلیل" و "تاکتیک" مشخص استقرار یافت و اکنون در تکامل این "تحلیل" و "تاکتیک"، شعار مرحله ای "خود را نیز، همین بر" "خلع ید" "انحنا رطلب" رژیم، تعیین نموده است.

سیر تحول و تکامل این سیاستها، در طول این دو سال، آن چیزی نیست که در اینجا مورد بحث و بررسی ما باشد. آن چیزی که در اینجا مورد نظر ماست، همین "شعار مرحله ای" جدید آنهاست که اکنون با به واسطه حرکت و سیاست این سازمان را تشکیل میدهد، چرا که فی الواقع مجاهدین برای اولین بار است که این چنین مریخ و روشن بدو از هرگونه ابهام و ابهام تا کتیک و شعارهای خویش را در برابر قدرت سیاسی، عربان مینمایند و مبنای حرکت خویش را در برابر همگان، توضیح میدهند، کاری که در طول این دو سال کمتر انجام

داده بودند و البته برای این مسئله توجیهیها هم دارند که از جمله "خصلت امنیتی تاکتیکها!" از دیدگاه آنهاست. "آب دیده آنها، یک نیروی انقلابی، گاه ممکن است بنا بر" "مما لحن" تاکتیک خویش را بر ملا نکند و در قیاس نیز مثال تاکتیکهای جنگی را در پیش روی ما میگذارد (۱)!

خوب این هم تنها بیرونفا سرخوردن از مقوله "تاکتیک" است که مجاهدین، در فرهنگ انقلابی، وارد کرده اند تا بر غنای آن بیافزایند! علاوه بر این، سرخوردن به این مسئله از آنرو اهمیت دارد، که این شعار، با ظاهر "جسب" خویش یک مضمون و درونما به فرمیستی - لیبرالی را با خود حمل میکند که صرف نظر از بدعت گذاری های نوین در فرهنگ انقلابی جامعه، با تمام بیرونفا سیر فرمیستی و انحرافی سیر حرکت جنبش را نیز به انحراف میکشاند و بر دیگر آن ضربات جبران ناپذیری وارد میآورد. بویژه آنکه این سیاست و تاکتیک انحرافی مجاهدین، بعنوان یک نیروی گسترده دمکرات، متاسفانه تعدادی از نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی را نیز بنوعی تحت تاثیر القاشات خود قرار داده است، که آثار روشنانه های آن راز هم اکنون شاهد هستیم.

سازمان مجاهدین پس از یک وقفه در انتشار نشریه "مجاهد" در تجدید انتشار این نشریه را با سیاست افشاگری وسیع بر علیه جناح "سبز جمهوری اسلامی" در هیئت حاکمه، آغاز نموده و با تمرکز تنها جم تلیفاتی و افشاگرانه خود به روی این جناح که دیگر مهمترین ابزارهای قدرت را در دست خویش متمرکز نموده بود، مبارزه بسا "انحنا رطلبی" را به وجه عمده تاکتیک خود تبدیل نمود. این سازمان در تکامل این تاکتیک، به "شعار مرحله ای" خود نیز دست یافت و در سر مقاله "مجاهد شماره ۱۱۲، آن را "تئوریزه و فورمول بندی نموده و تحت عنوان "خلع ید" از حزب "انحنا رطلب" حاکم، نخستین قدم اساسی در راه نجات، به سطح جنبش عرضه نمود. این سر مقاله، هر چند کوتاه، اما بنیانهای تئوریک و ثالوده نظری ایمن شعار انحرافی را، بدست میدهد. از این پس، بررسی مختصر آن، میتواند ما را به این بنیادها و نتایج عملی این شعار، راهنمون سازد. توضیح اینکه محدودیت ستونهای سر مقاله، به ما اجازه نمیدهد که این بررسی را از محدوده توضیحاتی مختصر و فشرده، بیرون مهم ترین نکات مورد بحث فراتر ببریم. و از این لحاظ از خوانندگان عزیز بپوش می طلسم.

سر مقاله نشریه "مجاهد شماره ۱۱۲، پس از توضیح ضرورت شناخت "علت اصلی" "وضع نامسا من و ناگوار اجتماعی و سیاسی، در هر مرحله از مبارزه بطور کلی و تا کید بر ضرورت "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" در بارشناسی این "علت اصلی" به تحلیل مشخص "درجا معاً" امروز ایران میپردازد.

برپایه این "تحلیل مشخص"، سر مقاله به ایس نتیجه میرسد که پس از گذشت دو سال از حیات حکومت فعلی، این حکومت نتوانسته است، به نیاهای انقلاب و خلق پاسخ گوید و اکنون در کشاکش این ناتوانی خود، "انقلاب" را به "بن بست" رسانده است. سر مقاله آنگاه معتقد میشود که مسئولیت اصلی این عدم پاسخگویی و ایجاد بن بست و وسیعاً رت دیگر مسئولیت اصلی این "وضع ناگوار و نا مطلوب" بر عهده "جناح انحنا رطلب" دولت قرار دارد که با عملکردهای خود باعث "وضع ناگوار" کنونی گردید و "بن بست" سیاسی فعلی را سبب شده است بنابراین این "در این مرحله" خارج شدن از این بن بست و برداشتن سد مانع، راه تکامل انقلاب، مستلزم "کنار زدن" آن از "سیر پیشرفت انقلاب" است. و از آنجا که انحنا رطلبان که "عقب ماندگی" "ماهیت" آنها را تشکیل میدهد، در "حزب جمهوری" ما دیت یافته اند، بنا بر این "راه نجات" در "مرحله کنونی انقلاب" ما، "در خلع ید از حزب حاکم و عوامل و ابادهای انحنا رطلب آن در کلیه قوا و نهادهای کشور" نهفته است و سپس موعظه میکند که کلیه نیروهای انقلابی با ید بسا درک این "ضرورت مرحله کنونی انقلاب" و درک این شعار "کلیه تلاشها و نیروهای خود را در جهت تحقق این ضرورت سمت و سازمان دهند". (۲)

این چکیده مطالبی است که مضمون سر مقاله "مجاهد" را تشکیل میدهد و در واقع خطوط اساسی سیاست و وظیفه مجاهدین را در مرحله فعلی در برابر رژیم سیاسی حاکم و اوضاع کنونی ترسیم میکند.

با اندکی دقت در مابین، مفا هم و خط و ط. ارائه شده در این سر مقاله و بطور کلی در سیاست عملی سازمان مجاهدین در برابر حکومت، بخوبی میتوان در پشت ظاهر "جیب" آن، جوهر درک فرمیستی و لیبرالی این سازمان را از دولت و ماهیت آن، مسئله سرکوب، نمودها و ماهیت آن، سرنگونی دولت و چگونگی شکستن بن بست کنونی و پیشبرد امر انقلاب، تشخیص داد.

اولین نکته ای که قبل از هر چیز در پاره های تئوریک سیاست مجاهدین خود را می نمایاند، درک غلط و انحرافی از مفهوم استراتژی و تاکتیک، مخدوش کردن مرزهای آن، و فدا کردن استراتژی در پیش انعطاف تاکتیک و تحلیل مشخص از شرایط مشخص "در هر مرحله تکامل اوضاع سیاسی" جامعه است. مجاهدین سرخوردن به دولت را تا حدیک مقوله تاکتیک تنزل میدهند و بخود این اجازه را میدهند که با مثله کردن دولت که بمناسبت یک مقوله طبقه ای و برای زلطفه طبقه ای یک طبقه بر طبقات دیگر است و جایگزینی یک جناح از هیئت حاکمه، بجای ماشین طبقه ای،

نقشه در صفحه ۲۶

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

# جنبش کارگری



## مجاهدین چگونه به مبارزات کارگران کفش ملی برخورد می کنند

نشریه مجاهدین شماره ۱۱۳ ضمن درج خبر مبارزه کارگران کفش ملی خواسته است با صلاح علت حمله و خشونت به ساداران را تحلیل کند مجاهدین با به طوری حرف زده است که گویی کل طبقه سرما به دادرشمن طبقه کارگر نیست و بلکه فقط جناحی از سرما به داری ایران یعنی حزب جمهوری اسلامی دشمن کارگران است که به آنها حمله میکند و بخش دیگر یعنی جناح بنی صدر که خودنما بنده سرما به داران لیبرال میباشد اینطور نیست! مگر ما به دمان رفته که بنی صدر ۱/۵ سال پیش به کارگران گفت: «شورای ما مالید!» و بدین ترتیب خواستار انحلال شورا های واقعی کارگری شد، مگر ما به دمان رفته که افساسی بنی صدر در پائین بسیاری از قوانین ضد کارگری قرار گرفته است؟ البته این اولین بار نیست که مجاهدین چنین برخوردی میکنند، آنها بارها از مدیران لیبرال کارخانه ها، در مقابل انجمن اسلامی با شورای فالانژی حمایت کرده اند! و گاه آشکارا برای مدیریت های ضد کارگری طومار جمع آوری میکنند، آری سیاست طرفداری مجاهد - بین از بنی صدر با یدهم زهمینجا ها سردر آورد! دفاع از جناحی از سرما به داران و نمایندگان آنها (بنی صدر... در مقابل جناحی دیگر (حزب جمهوری اسلامی... و نه دفاع از کارگران در مقابل تمام مالاشی های سرما به دار (یعنی هم حزب و هم بنی صدر). این شیوهی از نمونه های برخورد مجاهدین که نشان میدهد آنها بدلیل ماهیت خرده بورژوازی خود قادر نیستند معنی و مفهوم واقعی کلماتی را که هر روز به با رتکار می کنند درک کنند، آری اینست درک مجاهدین از «استثمار» و «جامعه بی طبقه...» حمایت از جناحی از سرما به داران در مقابل جناحی دیگر!

### تحصن کارگران شهرداری

حدود ۳۰۰ نفر از کارگران زحمتکش شهرداری تهران در روز ۲۴ اسفند برای دریافت ماهیانه تفاوت حقوق سال ۵۹ در ساختمان مرکزی شهرداری تحصن کرده و مانع خروج مدیرکل امور مالی شهرداری از ساختمان شدند. مقامات مرجع شهرداری کمبود بودجه را برای عدم پرداخت ماهیانه تفاوت حقوق این زحمتکشان بهانه کرده اند اما زحمتکشان شهرداری در پاسخ به مدیران مزدور

## نقنگران زندانی آزاد باید گردند!

اطلاعیه مذکور شورای سراسری را میخوانیم: «کارکنان زندانی بجرم مطالبه و پیگیری خواسته های برحق جنگزدگان در زندان بسر میبرند. در طول این مدت دهها با نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگزده به همراه خانواده های همکاران زندانی خود به ادارات مختلف شرکت نفت جهت مذاکره برای آزادی کارکنان زندانی مراجعه نموده اند. مسئولین جزوعه و عیدادین کار دیگری نکردند. جالب اینجاست که مسئولین مراختا حرفهای قبلی خود را پس گرفته و اقرار نمودند که قبیه در صفحه ۱۵

حدود سه ماه از دستگیری ۳ تن از نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت میگذرد. کارگران صنعت نفت در جریان مبارزه برای آزادی نمایندگان نشان بیش از پیش به ما هیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی وفیادو گنبدیگی ارگانهای آن پی بردند. «شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین - شهر» در اطلاعیه شماره ۱۱ خود طی گزارشی پوره از بنی صدر بهای مقامات دولتی و ضدیتشان با کارگران بر میدارد. که خود نشانگر شد آگاهی طبقاتی کارگران و بی رنگی حنای رژیم برای قریب کارگران میباشد. در زیر خلاصه ای از

## هیئت ۵ نفره وزرا و "شورا"، متحد بر علیه کارگران ذوب آهن

کارخانه نمیدود و دیگری این عمل را مقرون به - صرفه نمیدانست و در این میان زندگی هزاران کارگر با ختمانی با زبجه سودا بین آقا با ن قرار گرفته بود. یکی دیگر از "شا هکارهای" هیئت مذکور، متوقف کردن انتخابات نیمه کاره شورا بود. این مرتجعین از ترس ورود افراد انقلابی به درون شوراها، به بهانه تعیین ضوابط کار شوراها توسط مجلس، انتخاب شورا را به تاخیر انداختند. این خاشنین به طبقه کارگر حترستی حاضر نبودند طرحهای افزایش ضریب ۸۰ به ۱۰۰ حقوق، طبقه بندی مشاغل و... را بپذیرند و برای تمامی اینها مسئله جنگ را بهانه قرار میدادند.

شورای اسلامی کارکنان بهره برداری طی نامه ای از هیئت ۵ نفره وزرا (احمدزاده، نعمت - زاده موسی خیرود و تن دیگر) خواسته بود تا برای "رسدگی به مسائل و مشکلات تولید کارخانه و گرفتاریهای مردم و با سخگویی به سوالات و خواهشهای کارکنان" به کارخانه بیایند. شورا که ما هیئت ضد کارگری دارد، دست - نشانده دولت بوده و با طرح خواهشهایی چون "تعمین قانون شوراها توسط مجلس شورای اسلامی و جابجایی قانونی کارکنان"، بیش از پیش ما هیت خبیانت کارخانه خود را بنمایش گذارد. و اما هدف از دعوت هیئت ۵ نفره چه بود؟ مسئله اخراج کارگران ساختمانی مدتی است که فکرتما می کارگران را بخود مشغول کرده بعد از فاش شدن صحبتهای مخفی هیئت مذکور با مدیران ذوب آهن کارگران پی برده - اند که مدیران بدنبال فرصت مناسبی برای عملی کردن این هدف ضد کارگری خویش میباشد نقش شورا نیز در این میان برده پوشی این واقعیت و لجن پراکنی بر علیه کارگران مبارزی که به افشای این توطئه میپرداختند، بود. در جلسه مذکور اختلاف نظراتی بر سر گسترش یا عدم گسترش کارخانه بین احمدزاده و نعمت زاده وجود داشت که بکطرف کسب سود بیشتر در گسترش

شورای اسلامی کارکنان میخواهد دل کارگران را به "بالا" خوش کند، هیئت ۵ نفره و نظایران هدفی جز قریب کارگران ندارند. بنا بر این کارگران در مبارزه شان بر علیه سرما به داری میباشد نوکرانی چون انجمن ایلامی و شورا های فرما بیی را با تشکیل شورا - های واقعی خود در هم بکوبند. (به نقل از "پیکار فولادگر" شماره ۵، حوزه ذوب آهن سازمان)

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۵)

استعفا داده بود، بسرکار با زکشت و اعمال ضد کارگری خویش را ادامه داد. از جمله کارگران را همچون بسیاری از کارخانجات دیگر، وادار به قبول قطع نه‌به‌بهانه کمک به جبهه می‌کنند. از طرف دیگر با کم شدن ساعات کار تا یک بعد از ظهر، و ثابت ماندن تولید، شدت کار را افزایش می‌باید و فشار بیشتری بر دوش کارگران وارد می‌شود. این اعمال گرچه با اعتراضاتی از سوی کارگران مواجه می‌شوند ولی نتیجه‌ای برای کارگران به‌همراه نداشته است.

کارگران این کارخانه که در اشراف‌گرانی سرپا م‌آورده با محتاج شدن خواهان افزایش حقوق مسکن، حق اولاد، اضافه دستمزد و... می‌باشند و بدلیل عمده نتوانسته‌اند مبارزات خود را متعادلانه به پیش برند؛ نخست آنکه کارگران همانند بخش بزرگی از توده‌های خلق، با پی بردن به ماهیت اجتماعی دارودسته "حزب جمهوری اسلامی"، بعزت عدم آگاهی طبقاتی، نسبت به لیبرالها و بخصوص بنی صدر چاروهمانند، در صورتیکه گذشته از آنکه بنی صدر و لیبرالها در تمامی جنایات و سرکوبگریها بر رژیم، دوشا دوش حزبها عمل می‌کرده‌اند در رابطه با خواسته‌های کارگران کارخانه‌های امید نیز همین دفتر صنعتی بنی صدر بوده که با خواست دریافت یک‌هشتمان برای هر کارگر مخالفت کرد. همین بنی صدر عموماً مغرب بود که فریاد زد "شورا بی شورا" و بدین ترتیب کوشید تا کارگران را از تشکیل مبارزات تیشان محروم سازد. امروز کارگران نتوانستند به ماهیت ضدکارگری دو جناح رژیم پی برده و به افشای هر دو آنها بپردازند، مبارزاتشان سرانجامی جز شکست نخواهد داشت نکته دوم مسئله ضرورت تشکیل شورای واقعی کارگران است که میبایست با افشای سازشکاریهای "شورا" موجود پیش برده شود. با بدین طرز است که طبقه کارگر جز تشکیل و سازماندهی سلاخی ندارد و یکی از تشکلات اولیه کارگران در کارخانجات همین شوراها (در واقع سندیکاها) است. (سرخ) میبایستند که همکاران را در رسیدن به خواسته‌هایشان باری میکنند و هم‌زمینه را برای بسال رفتن آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد تشکلات عالی‌تر طبقه کارگر فراهم می‌سازند.

شود) اصل قضیه سودویژه ما ستامالی شد. البته جالب است بنیاد دستمغفین (بنیاد جدید پهلوی) با دادن همین هم‌مخالفت کردند و گفتند بجز دو ماه عیدی و پاداش هیچ وام دیگری داده نخواهد شد. بعد از آن مبارزه بصورت کم‌کاری و اعتصاب قسمتی ادامه داشته است و بنیاد دینیز در مورد وام عقب نشینی کرده و موافقت نمود.

### الف: رشته اتومبیل سازی

#### ۵- کارخانه زامیاد (ولنو)

کارکنان این کارخانه حدود ۲۰۰۰ نفرند که بتولید "نیسان"، کمپرسی، تریلر مشغولند. کارخانه توسط هیئت مدیریت ایاداره می‌شود که بجز یک نفر که اخیراً وارد شده و وابسته به حزب جمهوری است، بقیه مدیران لیبرال میباشند. کارگران غالباً تاکنون به ماهیت ضدکارگری مدیریت پی برده‌اند و با مشاهده سازشکاری و نتوانش شوری کارخانه، روز بروز بیشتر اعتماد خویش را نسبت به آن از دست می‌دهند.

از مدت‌ها قبل یکی از خواسته‌های کارگران دریافت یک وانت نیسان برای هر کارگر بود. این خواست کارگران با مخالفت مدیریت مواجه گردید و لذا کارگران با کم‌کاری خود تولید را به ۲ الی ۵ شیفت در روز کاهش دادند. این حرکت کارگران از طرف وزارت صنایع و معادن و "دادستان کل انقلاب" محکوم شد. آنها خواهان لغو این خواست کارگران و ادامه تولید بر اول عادی بودند. اما مبارزات کارگران ادامه داشت و در جریان آن کارگران پی می‌بردند که ماهیت مدیران، صنایع و معادن، وزارت کار، دادستان کل انقلاب و... یکی بوده و همگی در خدمت سیستم سرمایه‌داری وابسته و بر ضد کارگران میباشند. علیرغم مخالفت نماینده کمیسیون صنعتی بنی صدر با خواست کارگران، آنها قولتار ملاقات با خود بنی‌صدر بودند تا اینکه با روی کار آمدن دولت رجایی، تمامی مسئله بعنوان مسأله ای تازه از جانب نخست‌وزیری شناخته شد و مذاکرات قبلی باطل اعلام گردید. کارگران که از این پاسدادنه‌های مسئولین رژیم و با چه قراردادن مناقشان توسط آنها، به تنگ آمده بودند، شروع به اعتراض کرده بودند اما با شروع جنگ، تحت تاثیر جو شوونیستی بوجود آمده دنبال کردن خواست کارگران به بعد از جنگ موکول شد در طول جنگ کارگران مجبور شدند تولید کارخانه را به ۴۰۰ عدد اتومبیل در روز برسانند مدیریت که قبلاً برای فریب و تهدید کارگران

فرما و عدم طاعت شورا روحیه مبارزاتی را سرد میکرد. و از طرف دیگر مدیریت از این حرکت کارگران که قرار بود انجام شود ترسیده و خواستار مذاکره با شورا شده بود که به همین خاطر عکس‌العمل کارگران تا بعد از مذاکره به تعویق افتاد. در مجمع عمومی با قبول شدن ۴۰۰ تومان وام و یک تلویزیون (بصورت قسطی تا در بیرون فیکته



اعلام داشتند که: "اگر بودجه نیست چرا فقط برای ما نیست و برای بقیه هست" علیرغم تبلیغات ارتجاعی و سرکوبیکه مقامات رژیم جمهوری اسلامی و بویژه شهردار مرتجع در مورد کارگران شرکت وادیرا دارنداختند، کارگران زحمتکش شهرداری برای دریافت جزئی از حقوق خود دست به مبارزه می‌زنند.

## مبارزات کارگران فیلیپس برای کسب سود ویژه

روزی گذشته ۵۹/۱۲/۱۰ مجمع عمومی کارگران کارخانه فیلیپس برای سودویژه تشکیل شد. ابتدا شورای کارگری نتیجه مذاکرات خود را با مدیریت پیشین دادی را که به آنها کرده بودند با کارگران در میان گذاشتند. خواسته‌های شورا عبارت بود از: پرداخت ۲ ماه اضافه‌کاری ماه‌های بهمن و اسفند هر ماه ۱۱۰ ساعت، ۲ ماه سودویژه با حقوق و مزایا و یک تلویزیون ۱۴ اینچ که به تمام کارگران داده شود. اما هیئت مدیره تنها حاضر بود ۲ عدد تلویزیون با قیمت عمده فروشی به کارگران بدهد، فقط همین! و یکی از کارگران گفته بود ما دلال نیستیم و حاضر نیستیم سودویژه خود را از مصرف‌کننده بگیریم، شرکت نباید آنرا بدهد، کارگر دیگری پیشنهاد جلوگیری از خروج تلویزیون را داد و با استقبال کارگران مواجه شد، "جاویدان" مدیر عامل مزدور در کوشش خود برای جلوگیری از تحصن و اعتصاب و مانع فروش شدن کارگران را برعکس جری ترمیکرد کارگران می‌گفتند ما میدانیم کارما غیر قانونی است ولی ما میخواهیم نشان بدهیم قانون دولت را قبول نداریم یکی از کارگران نیز گفت "ما میخواهیم با اینکار رتوی دهن دولت بزنیم" کارگران با شور و شوق کارهای دولت و مدیران را افشا میکردند. در آن جلسه در مورد اینکه از خروج جنس جلوگیری شود قرار شد رای گیری شود ولی عوامل کارفرما جلسه را مختل کردند و قرار شد که روز بعد در این مورد تصمیم گیری شود. روز ۵۹/۱۲/۱۱ فداشان اکثریت این خاشنین به طبقه کارگر بر علیه مبارزات کارگران میباشی میکردند و میگفتند بنیاد در دوروی دولت قرار گرفت و اکنون با بدبیا آمریکا مبارزه می‌کند. کارگران نیز در جواب میگفتند مبارزه با آمریکا یعنی همین مبارزه علیه سرمایه داران. بهر حال کارکنی اکثریت آنها علاوه بر توطئه عوامل کار-

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

**اعلامیه سید عزالدین حسینی**

**در باره ۵: واقعه ناکوار روز**

۵۹/۱۲/۷ بوکان

بسم الله الرحمن الرحيم  
"واتقوا فتنة لا تصيبن الدين ظلموا منكم خاصة"  
(برخورد با شیدا زفتنه انگیزیهایی که عواقب  
آن تنها سنگرانتان را دربر نمی گیرد.)  
(قرآن کریم)

مردم مبارز بوکان! خلق رزمنده و مستعدیده کرد!

حمله مسلحانه به مقر پیشمرگان سازمان پیکار در بوکان در روز ۵۹/۱۲/۷ را که منجر به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از پیشمرگان جنبش مقاومت گردید، محکوم می‌کنیم. این عمل فدا ناسی، ضد اسلامی و ضد دمکراسی که تنها در خدمت ارتجاع و هیئت حاکمه سرکوبگر بوده است، ضربه‌ای به



**خلق ها و مسئله ملی**

**حادثه تأسف آور انفجار در مقر کومله و شهادت ۶ پیشمرگ انقلابی کومله**

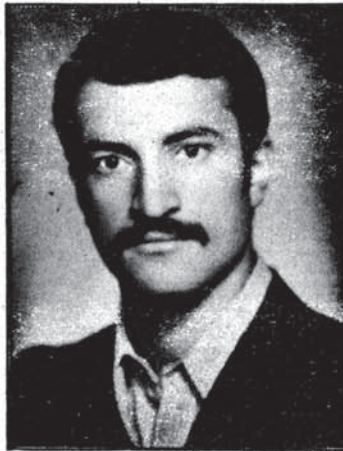
رسانده و به کمک پیشمرگان انقلابی شتافتند. مردم زحمتکش که پیشمرگان انقلابی را زفرزندان خود عزیزتر میداند دستهای پینه بسته خود خاک و سنگ و جویها را کنار میزدند تا پیشمرگان زخمی را از زیر آوار بیرون آورند. کمکهای بیدریغ و خستگی ناپذیر زحمتکشان آبادی بعد از حادثه، بهنگام تدفین شهدا و انتقال محرومین به آبادیهای اطراف را دیگر بیوند عمیق بقیه در صفحه ۶

کا مباران - روز ۲۷ اسفند - ۱۱/۵ صبح - در اثر انفجار یک جمعه دینامیت در مقر کومله ۶ تن از پیشمرگان قهرمان کومله شهید و ۵ نفر دیگر از آنها مجروح شدند. این فاجعه اسفناک تمام پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی عزیز با دونوا حی ترا بشدت اندوهگین نمود. بلافاصله بعد از انفجار، اهالی زحمتکش محل از زن و مرد و بیرو جوان خود را به محل حادثه

رفیق شهید طاهر ابراهیمی



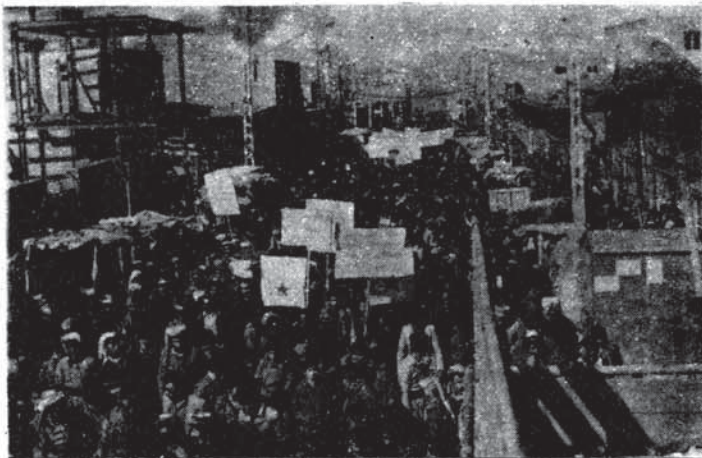
رفیق شهید محمود ابلاغیان



**گرامی باد خاطرۀ پرشکوه  
پیشمرگان کمونیست که  
بدست حزب دمکرات  
به شهادت رسیدند  
رفیق شهید باقی خیاطی**



گوشه‌ای از تشییع جنازه رفیق شهید پیکارگر کمونیست در بوکان در تاریخ ۵۹/۱۲/۹ در این تشییع جنازه هزار نفر از زحمتکشان شرکت نموده و با شرکت خود نفرت خود را نسبت به جنایت حزب دمکرات ابراز داشتند و یکبار دیگر اراده خود جهت ادامه راه سرخ شهدای کمونیست به نمایش گذاشتند.



**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**



جنبش مقاومت خلق کرد و فضای دمکراسی انقلابی کردستان، ولطمه‌ای بر پیوند جنبش عادلانه ما با مبارزات سراسری خلقهای ایران، بشمار می‌رود. مفت با رز جنبش عادلانه خلق کرد، وجود دمکراسی وسیع و انقلابی در کردستان است و افتخار بزرگ ما در این است که در شرایطی که خلفان فاشیستی هیات حاکمه جمهوری اسلامی سراسر ایران را افرا گرفته است، در کردستان، آزادیهای دمکراتیک، آزادی بیان و قلم و سازمانهای سیاسی، آزادی بیان و قلم و اجتماعات، تاکنون از تعرض و سرکوب محفوظ مانده است. به همین دلیل است که در سراسر ایران، کردستان را به نام مستکثران دکان نام می‌برند. آیا شعار "دمکراسی برای ایران و خود - مختاری برای کردستان" را میتوان غیر از این تعبیر کرد؟ از این پس نیز، تنها با حفظ این سنت انقلابی و دمکراتیک یعنی آزادی و تحمل بینش‌های متفاوت سیاسی - که خونبهای شهدای پیشما در کردستان و ایران، و دستسازورد گرانبهای قیام ۲۲ بهمن و جنبش مقاومت خلق کرد است - میتوان چهره انقلابی و عادلانه جنبش کردستان را همچنان محبوب و مورد پشتیبانی خلقهای آزادیخواهان سراسر ایران و جهان نگاه داشت.

بدین منظور - چنانکه بارها و بخصوص در بیانیه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ربه نسدان) اعلام کرده‌ام - سازمانهای سیاسی در کردستان باید اختلافات خود را از راههای سیاسی و بدون توسل به زور و اسلحه حل کنند. لذا وظیفه خود و همه مردم آزادیخواه و مبارز کردستان میدانم که در هر شرایطی، در مقابل تعرض به دمکراسی مقاومت و مبارزه کرده و از تکرار چنین اعمال ضد انسانی جلوگیری بعمل آورند. یقین دارم که خلق قهرمان و بیباک ساخته کرده‌اند اینگونه وقایع خونین و جانگذا را هرگز نخواهند بخشید.

من به بازماندگان شهدای واقعه ناگوار ۵۹/۱۲/۷ سوکان صمیمانه تسلیت میگویم و از حزب دمکرات کردستان ایران درخواست میکنم که:

- اول - زخمی ها و دستگرددگان واقعه را فوراً آزاد کنند.
- ثانیا - عادلان این واقعه ضد انسانی و ضد دموکراسی را شدیداً مجازات نماید.
- ثالثا - موضع آن حزب و نتیجه اقدامات خود در این زمینه را به اطلاع عموم برساند.
- والسلام علیکم ورحمه الله - سید عزالدین حسینی

### حزب دمکرات همچنان به آزادیهای دموکراتیک مردم کردستان پیورش می برد

۵۹/۱۲/۱۶ - در این روز یکی از هواداران کومله که تعدادی اعلامیه و نشریه به همراه داشت در روستای "کتیکه" توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر و مورد تفتیش قرار گرفت. افراد حزب، زاپرسیدند: اعلامیه‌ها را از کجا آورده‌ای؟ و کتیکه رفیق هوادار در پاسخ گفت که آنها را از مقر کومله در بوکان آورده ام. هوادار کومله هتم، مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفت و او را به روستای "خلیفان" فرستادند.

در آنجا یکی از مسئولین حزب با مشاهده اعلامیه‌های کومله، رفیق هوادار را مورد توهین قرار داده و او را کتک زد. سپس دست و پايش را بسته و زندانی کردند و مجدداً به کتک کاری وحشیانه‌ی او پرداختند. هوادار کومله شب را بدون غذا در یک اتاق گذراند.

فردای آن روز وی را از زندان بیرون آورده و با ردیگر به اذیت و آزار او پرداختند. وقتی آزادی او را موکول به خودداری از بخش اعلامیه کومله نمودند، در پاسخ گفت که، "حتی اگر بخوایم این را اعدام کنید، از هواداری کومله دست برنخواهیم داشت."

هنگامیکه مردم روستای "خلیفان" از دستگیری هوادار کومله آگاه شدند، به نشانه اعتراض به اسارت رفیق هوادار توسط افراد حزب، به مقر آنها رفته و آزادی وی را درخواست کرده و سرانجام با فشاری خود او را آزاد کردند.

در ضمن افراد حزب کلیه اعلامیه‌های رفیقمان را تاش زدند.

در روزهای اواخر بهمن ماه در روستای "قله لاتی موتاوی" واقع در ۶ کیلومتر سری پیرانشهر، افراد مسلح حزب دمکرات یکی از هواداران کومله را که اعلامیه و خبرنامه جهت توزیع همراه داشت، به مقر خود برده و پس از بازجویی وی را مورد اذیت و توهین قرار دادند. هواداران کومله در مقابل آنها مقاومت کرده ولی به علت آنکه تعداد افراد حزب زیاد بود، سرش ریخته و با قنداق تفنگ او را بشدت زخمی نموده و سپس بر دستهایش دستبند زده و زندانش کردند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ - پیشمرگان حزب دمکرات در روستای "ده شتی قوری" از توابیع پیرانشهر، تراکتوری را که در حال حرکت بود، با تیراندازی متوقف و راننده اش را که هوادار کومله است، کتک کاری نموده و در حال بی هوشی او را رها کردند. اهالی روستا بعد از اطلاع این جریان به جلومقر حزب رفته و به آنها اعتراض کردند. افراد حزب جلومقر و بروی مردم سنگر

### دشمن زیر ضربات پیشمرگان کومله

در این روز مزدوران رژیم پیشمرگان کومله (پل شهیدان) را در آبادی تازه آباد محاصره میکنند. بین آن‌ها و پیشمرگان درگیری آغاز میشود که در لحظات اول درگیری چهار تاش نفر از مزدوران به هلاکت میرسد پس از آن پیشمرگان حلقه محاصره شکسته و دشمن را از بیرون روستا مورد حمله قرار میدهند. بعد از آمدن نیروی کمکی دشمن از پایگاه "سی کهره" شدت درگیری به اوج خود میرسد و تعداد تلفات دشمن افزایش می‌یابد. نیروهای دشمن عاقبت در حالیکه که نمیسوا بسدحتی اجساد خود را جمع کنند عقب نشینی میکنند، تعداد تلفات دشمن ۱۸ کشته و عده زیادی زخمی بودند. متأسفانه در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان و زحمتکش کومله س. م. کاک کرم نیک بی (کریم شه علسی) شهید مسود.

ادش گرامی باد (اخبر جنبش ۹-سنندج)

### بقیه از صفحه ۵ حادثه...

زحمتکشان کردستان را با پیشمرگان انقلابی به اشبات رسانند. بعد از آن 'نقجا ر سردم و پیشمرگان آبادیهای اطراف محض الملاح از جریان، همراه پزشک و دارو به کمک ممدومیدین شناخته و تا پاسی از شب به مداوای مجروحین، جمع آوری و سایر، تشییع جنازه و انتقال زخمی - ها و نگهبانی مشغول بودند.

پیشمرگان انقلابی که در این واقعه تا سف‌آور بشهادت رسیدند عبارت بودند از رفقا:

- زحمتکش مبارز، "عبداللہ قادری" اهل - همل "غیاث" مسئول نظامی کامباران
- کارگر مبارز، کاک کمال صلواتی، اهل سنندج
- کارگر مبارز، کاک رضا جلالی، اهل و شترمل
- کارگر مبارز، کاک یعقوب اهل سنندج
- زحمتکشان انقلابی، کاک مهران فخرا لعلمان
- اهل سنندج

زحمتکش مبارز، کاک محمد اهل نجف آباد؛ ماضن گرامیداشت خاطر ه این رفقای شهید به خلق کرد و رفقای کومله تسلیت گفته و بییمان می بندیم که راه پیشمرگان انقلابی شهیدرا که راه‌های خلق کرد از دست و استمارا ست تا آخرین قطره خون ادا مدهیم.

درود بر رفقای شهید، پیشمرگان انقلابی کومله و تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد!

گرفته و تیراندازی‌های هواشی نمودند. چند روز بعد از این وقایع سه نفر دیگر از اهالی روستا را به خاطر اعتراض به این عمل حزب دستگیر کردند. (خبرنامه کومله شماره ۱۱۷)

## پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

### کلاس تقویتی یا کلاس سمپاشی علیه انقلابیون و کمونیستها؟!

رژیم جمهوری اسلامی که خود را ناسوان از سرکوب جنبش مقاوت خلق کرد میبیند، و از سوی دیگر شاهد شرکت دانش آموزان انقلابی در جنبش مقاوت بوده و با حمایت روزافزون جنبش انقلابی دانش آموزان کردستان از نیروهای انقلابی و کمونیست مواجه است، با استفاده از مزدوران خود بطور همه جا نبر علیه انقلابیون و کمونیستها در مدارس به تبلیغ میپردازند. از جمله حدود سه ماه است که یکی از معلمان "مکتبی" مدرسه را همنا می طالقانی در قروه بنا مدارپوش رحیمی، ظاهرا یک کلاس تقویتی برای دانش آموزان راه انداخته است که در امل در تاجا علیه نیروهای انقلابی و کمونیست سمپاشی میکند. اما هدف کتیم که این فرد در زمان رژیم شاه حدود ۴ سال تلفنجی با واک بوده و از طریق سنا واک دبلیلم گرفته و به استخدام آموزش و پرورش درآمده است و درست در شرایطی که جنبش خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه اوج میگرفت، این عنصر خود فروخته در مدرسه طالقانی به سرکوب تظاهرات دانش آموزان و دفاع از رژیم شاه برخاست. حال رژیم جمهوری اسلامی این مزدور را به خدمت گرفته



تا همچنان به اعمال تنگن خود ادامه دهد. اما رژیم زاین طریق همقا در نیست از بیوستن دانش آموزان به جنبش مقاوت خلق کرده و حمایت آنها از پیشمرگان انقلابی و کمونیست جلوگیری

### ناکامی فخرالدین حجازی در ایتالیا

بدنیال سفر هیئت های تبلیغی رژیم به کشورهای امپریالیستی، فخرالدین حجازی چاپلوس رژیم شاه و رژیم کتونی نیز به ایتالیا رفت. اما برنا مه های سخنرانی وی در شهرهای ایتالیا، به همت فعالیتهای افشاگرانه سازمان های کمونیستی و انقلابی دانشجویی ایرانی،

از جمله "اتحادیه جهانی دانشجویان هوادار سا زمان پیکار" بهم خورده و مداح "مکتبی" رژیم شاه و جمهوری اسلامی، بنا که از عدم اجرای سخنرانی به ایران بر میگردد.

### حمله عوامل رژیم به دانشجویان مبارز خارج از کشور

روزشنبه ۵۹/۱۲/۹، عوامل حزب جمهوری اسلامی با برنا مه ای از پیش طرح ریزی شده به بساط فروش نشریه و کتا ب "اتحادیه جهانی دانشجویان" هوادار سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در کوی دانشگاه پارس حمله میکنند که با مقاومت و افشاکری رفقای هوادار سا زمان و سایر نیروهای انقلابی روبرو میشوند. در این درگیری عده ای از روبرویونیتهای خائن تسوده ای و "اکثریت" فعالان در کتا بربران! حزب اللهی خود در حمله به دانشجویان انقلابی شرکت داشته و به همراه آنها ن شاعر "مرگ بر پیکار، مرگ بر کومه" را تکرار میکنند. اما رفقای هوادار ربا پشتیبانی دیگر دانشجویان کمونیست و انقلابی به افشای رژیم جمهوری اسلامی و دیسه های مزدوران آن پرداختند و مرتجمین و مبارزان جدیدشان را افشاکردند.

### در حالیکه سرداران جمهوری اسلامی زحمتکشان را با مساختن با نان و غیرت فویق میکند بنیاد مستضعفان پاداش ۳۶ هزار تومانی میدهد!

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی کارگران مبارز شرکت و احدا را به "جرم" مبارزه برای بدست آوردن بخشی از حقوق خود (پاداش، عیدی، ... ) سرکوب مینماید و با اخراج و زندانی میکند. در شرایطی که کارگران دلاور "گفتش ملی" بخاطر خواسته های بحق شان بدست پاسداران سرما به به گلوله بسته میشوند. در حالیکه شب و روز بلندگوهای تبلیغاتی رژیم زحمتکشان ایران را به "تولید بیشتر و مزد کمتر" و ساختن با زندگی دشوار و... دعوت میکند "بنیاد مستضعفان" که میلیونها تومان دسترنج زحمتکشان را در اختیار دارد فقط با یک "حکم" در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۱ به فرد مرتجمی بنا مبهرام سلطانی تهرانی (با شماره پرسنلی ۱۲۶۷) ۲۶۰۰۰ تومان بعنوان پاداش پرداخت میکند. در رژیمهای ارتجاعی چون رژیم جمهوری اسلامی چنین منطقی حاکم است حقوقهای کلان ۲۲۷۵۰ تومانی برای مرتجمینی چون غرضی

توده ها شیکه ما فربه شرکت در جنگ نیستند اما به میدهند، سندن بر نشان میدهند که "بنیاد مستضعفان" حقوق افراد منقذی خدمت ۵۶ را که حاضر نیستند به "گوشت دم توب" سرما به داران تبدیل شوند قطع کرده است. منطق رژیمهای ارتجاعی نمیتوانند جز این باشد.

استاندار "مکتبی" خوزستان (پیکار ۹۶)، پاداش ۳۶ هزار تومانی از دسترنج زحمتکشان در ازای "خوش رقی" برای جمهوری اسلامی و گلوله و زندان برای کارگران و زحمتکشان که شبوروز در مقابل مزدنا چیزی عرق میوزند!

گوشت دم توب سرمایه داران،  
یا محرومیت از حق نان خوردن!!  
از آغا جنگ ارتجاعی کتونی، رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات گسترده و عوامل فربه ها کوشیده است تا در جهت رسیدن به هدفهای ارتجاعی اش جوانان مین ما را به جبهه ها بفرستد. بنی صدر مرتجم ادعا کرده که با یک فراخوان او بگروه "دهها هزار" تفریب برای اعزام به جبهه "دا و طلب" شدند. اما واقعیت اینست که فرزندان زحمتکشان با کسب آگای وی بی بردن بنا هیئت این جنگ ارتجاعی که هیچ نفی برای زحمتکشان ایران و عراق ندارد، از شرکت در جنگ خودداری کرده و به مورثهای مختلف اعتراض خود را نسبت به این جنگ تعمیلی غیرعا دلانه بیان داشته و میدارند. با گذشت عاها از این جنگ ارتجاعی، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی همچنان به وارد کردن فشا و تفصیقات گوناگون بر علیه

بنیاد مستضعفان  
جمهری اسلامی ایران  
تاریخ: ۵۹/۱۲/۱۲  
شماره: ۸۰۷۵۲۵۴  
پست  
تایل توجه کتبه سرپرستان واحد ها  
احتراما: بهر بهشتانه شماره ۲۶۹۱/۸۰۰ مورخ ۵۹/۷/۵ مبنی بر معرفی افراد منقذی خدمت ۵۶ عوا هستند است مقر فرماید. در اسرع وقت نسبت به معرفی آنها به امور اداری اقدام عاجل عمل آورند. در فرایضورت از پرداخت حقوق به این قبل انفراد خود اداری بعمل خواهد آمد. بقی  
سرپرست امور اداری  
مهم مسئولی حدادی

## دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

### اعتصاب غذای فرزندان مبارز زحمتکشان در زندان

دختر ۱۵ ساله‌ای به‌عنوان «فدترکست» در راهپیمایی «خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و محکومانه رسیدن ساعت در زمان شروع راهپیمایی به ۳ سال زندان محکوم شده است. نمازنده‌ها و ارکان کتب «ما هبترکه دختر جوانی است به‌حسب اند محکوم شده است»

۷ تن از فرزندان زحمتکشان که در روز ۲۱ بهمن در ماه هبترکه به‌عنوان «فدترکست در راهپیمایی» هواداران سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر در ماه هبترکه مناسبت سالگرد فداکاری و شهادت بنده و توسط اراکی حلال (حاکم سرگ ماهر) و مزدوران «سرمیز» و «معدنی» به‌حسب جناسی طولانی مدت محکوم گشتند. همگی چون در زندان احوال در اعتصاب غذا بسر می‌برند.

هفته گذشته در زندان کادامه انقلاب یکی از

این فرزندان زحمتکشان را که دختر ۱۵ ساله‌ای است تنها به‌عنوان «فدترکست در راهپیمایی» و خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و محکومانه رسیدن ساعت در زمان شروع راهپیمایی به ۳ سال زندان محکوم شده است. نمازنده‌ها و ارکان کتب «ما هبترکه دختر جوانی است به‌حسب اند محکوم شده است»

دو سر جوان به‌عنوان «فدترکست در راهپیمایی» و مورد تک‌وطن قرار گرفتن، هر یک به‌سبب سال‌ها محکوم شدند. یکی دیگر از زندانیان مرد به دلیل عدم تحصیلات لازم بلا تکلیف اعلام شد و سال‌ها به‌سبب اعتصاب غذا و اراکان کتب «ما هبترکه دختر جوانی است به‌عنوان «فدترکست در راهپیمایی» و جشن اعلامیه و سخنرانی در اجتماع کارگران به‌حسب اند محکوم گردید.

و اینکه این فرزندان انقلابی خلق در زندان دست به مبارزه زده‌ها و با اعتصاب غذای چهارماتانه خود، زندان را به عرصه دیگری برای مبارزه

بندیل کرده‌اند. آنها می‌خواهند با اعتصاب غذای خود به مردم بگویند که در سبب دگما هبترکه رژیم جمهوری اسلامی حاکم «دالانه‌ای» اما درمی - شود و کسای در زندان به رژیم محسوسند. این زندانیان امروز پرازان انقلابیون شده‌اند که بوعی کوشیده‌اند مردم را به ضد مردمی بودن این رژیم آگاه سازند با بنوعی در مبارزات آنها شرکت کرده‌اند.

البتة رژیم می‌کوشد تا مرفق به‌خون زحمتکشان و کارگران، به‌خون فرزندان دلاور خلق کرده‌ها و انقلابیون و کمونیست‌ها آلوده است جز این انتظار نیست.

زندانی سیاسی انقلابی به‌همت توده‌ها آزاد باید گدرد!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

۱۳۶۵/۱/۱

سخنی از اعلامیه سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر - تشکلات فوژستان

### سرازی شدن کالاهای امپریالیستی به ایران

امپریالیسم آمریکا خریداری نموده است و ورود کالاهای امپریالیستی به ایران در خدمت تشدید وابستگی به امپریالیسم بوده و هوی عوام فریبا نه رژیم مبنی بر «خودکفاشی» و «عدم وابستگی» نقش بر آب می‌شود. این وابستگی و تبعیضات یکبار دیگر نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها خدا امپریالیست نیست، بلکه خدمتگزار امپریالیسم جهانی است. آری رژیمی که کالاهای امپریالیستی را وارد می‌کند قراردادهای اسارت با رجید می‌بندد و توده‌ها را در زحمتکش ایران را سرکوب می‌کند هرگز و هرگز نمی‌تواند خدا امپریالیست باشد.

از گمرک بازرگان (مرکز ترکیه) هم - دورره تعداد بسیاری کامیون حامل کالاهای کشور های امپریالیستی و سرمایه‌داری سوی شهرهای ایران برای برمی‌نویسد. برای آوردن این کامیونها به شهرها و شهرستانها، علاوه بر کارمندان گمرک، از مامورین کارگمرک نیز استفاده می‌نمایند و روزانه ۲۵۰ تومان حق ماموریت به آنها داده می‌شود.

محموله‌های این کامیونها گندم از آمریکا، مواد غذایی از سلوک شرق و شمال، فریزر، لوازم برقی، لوازم خانگی، ماشین آلات صنعتی، لوازم بدکی، لاستیک از آمریکا، ژاپن، آلمان غربی و دیگر کشورهای امپریالیستی می‌باشد. با بدگفت اخیر دولت ایران ۲۰ هزار تن گندم از

### رفیق محسن فاضل آزاد باید گردد!



نزدیک به دو ماه است که رفیق محسن فاضل توسط پاداران حاکم رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شده و بدست کجکادامه فاضل است. اکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت این رفیق انقلابی در دست نیست. تمام کوشش‌هایی که خان‌نواده رفیق جهت اطلاع از محل زندان او و ملاقات با او انجام داده‌اند نتیجه‌سختی نرسیده و بی‌نتیجه است. تقاضای خانواده رفیق محسن با جواب سرسالی مقامات جناح سکا رژیم حاکم مواجه شده است.

رژیم جلاد جمهوری اسلامی که ادا می‌دهد راه رژیم جلادانه می‌سازد و ادخواهان را نشین را ترور می‌کند و با در زندان به شکنجه می‌کشد - برادران و دو خان‌نواده‌های زندانیان سیاسی انقلابی را از دیدار فرزندان نشان محروم می‌نماید. ندان ملاقات به خان‌نواده رفیق محسن یکبار دیگر ما هبترکه فرسکا را نه رژیم و نسلیما - آرا میسی بر اینکه در عید همه زندانیان سیاسی اجازه ملاقات داده شده است را بر ملا می‌سازد.

جان رفیق محسن در خطر است برای آزادی او از جنگال دژخیمان جمهوری اسلامی سبب می‌گردد!

### مصادره انقلابی بانک

### ملی بانه توسط پیشمرگان کومله

ساعت ۹ شبگاه روز ۱۷/۱۲/۵۹ پنج دسته از پیشمرگان کومله وارد شهرها شده و طی یک عملیات دقیق و هماهنگ که ۶ ساعت طول کشید، موفق به مصادره انقلابی موجودی بانک ملی ایران - شعبه‌ها شدند. عملیات اینستا با کنترل بخش وسیعی از شهر توسط ۴ دسته و سپس کارهای مصادره در سطح انجام می‌شد. پیشمرگان تمام حاکمان و کوجه‌هایی را که محل بانک منتهی مستودع‌ها و خزانه‌ها را کنترل کردند و دست‌های پاداران و حاکمان را کنترل کردند و دست‌های رسیدن به محدودی بانک از نزدیک کمین پادار - این و با نگاه دشمن عبور کرده، بدون اینکه آنها

از وجودشان با خبر شوند. پیشمرگانی که در خارج بانک بودند، فقط مسئولیت حفاظت از مسیر عقب نشینی را داشتند و در تمام طول مدت عملیات سعی می‌کردند که با دشمن درگیر نشوند، تا پیشمرگان داخل بانک کار خود را با خیال راحت انجام دهند. بعد از تمام کارها انتقال موحودی بانک پیشمرگان با نظمی قابل تحسین دسته دسته از مرکز شهر عقب نشینی کردند.

پس از انجام موفقیت آمیز این عملیات، یک دسته از پیشمرگان دوباره به شهر برگشته تا منزل یکی از اراشهای مسلح را در محله «بانه کون» محاصره و او را با خود از شهر بیرون ببرند. ولی جانش مرزوقیل از وارد شدن پیشمرگان به خانه‌ها، سوی آنها آتش گشود و یکی از پیشمرگان نام کاک خرواحمدی را زخمی نمود و خود توانست از دست آنها امپریالیست بگریزد.

این رفیق قهرمان با باری رفقا پیش به خارج از شهر آورده‌اند، ولی متأسفانه کوششهای سرکشی موثر نشده و رفیق ما شهیدت رسید. به نقل از خبرنگار کومله



# اخبار مبارزات توده‌ها



## چند نکته درباره مبارزات توده‌ها در لاهیجان

در حاشیه گزارشات مربوط به

پیکارتوده‌ها در لاهیجان

(پیکار ۹۸) مطالب زیر را می‌آوریم:

یکی از شهیدان بورش و حشانه با سداران ارتجاع به توده‌های مردم در روز ۱۴ اسفند دانش آموز ۱۵ ساله است نامش صباغ خوشکار که هوادار مجاهدین بود. با دش گرامی باد!

مقامات مرتجع شهرا ز جمله کریمی دادستان انقلاب اسلامی و فرماندار شهیر کوشند تا چند این مجاهد را بخا نوا ده اش تحویل ندهند و با به عنوان "قمه خورده" او را به خاک سپارند و با خا نوا ده شهید با مقامت جنایت ارتجاع را افشا کردند. مجاهد شهید زنا حیه زیر کلو، کلکوله خورده بود. مردم شهر تشییع جنازه با شکوهی برای او برگزار کردند.

رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده‌ها و بدبین ساختن مردم نسبت به نیروهای انقلابی سازمان ما و نیز سازمان مجاهدین را مورد بدترین تهمت‌ها و لحن پراکنش‌ها قرار داده است. مسئولین دولتی با خواندن اعلامیه جعلی بنام مجاهدین خلق (منجمله در تلویزیون سراسری) سعی میکنند ز قول آنان شایع کنند که در شهر حکومت انقلابی برقرار شده و... ولی مردمی به توطئه‌ها شای که رژیم در سرداشت میبردند دست به افشاکاری میزنند. علاوه بر ارتجاع سعی کرد با خواندن اعلامیه سازمان ما در تلویزیون بمبار ضربه بزنند و اعتماد توده‌ها را سلب نماید اما سنگی که ارتجاع بلند کرد بیرونی با ش افتاد.

با سداران ارتجاع یک لیست ۲۲ نفری در شهر پخش کرده و مدبوحانه مردم را به دستگیری آنان دعوت کرده اند. البته روبرو بنیستهای "اکثریت" و "توده‌ای" کما فی سابق بعنوان مشاور امنیتی سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به "خدمت مشغول هستند. سنگ و نفرت برخاستنیس به خلق!

### خیانت رویونیستها

بندر عباس: در درگیری ای که بدنبال حمله چماقداران رژیم به نمايشگاه نیروهای انقلابی در بندر عباس، بین نیروهای انقلابی و ضد انقلاب رخ داد، "اکثریتی" ها و "توده‌ای‌ها" خائن چماقداران رژیم همکاری می‌کردند و با دادن اعلامیه‌ای به رژیم نشان دادند که در نوکری خود ثابت قدم هستند همگامی اکثریتی با خائن که خجولانه در سپاه سداران بندر عباس به شکار انقلابیون مشغولند نیز نمونه‌ای از خیانت‌های آنهاست. سفل از اعلامیه هواداران سازمان دهرمگان بانداکی تلخیص

## جنایت وحشیانه پاسداران عید مردم بندر عباس را خونین کرد

"زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد با بد کرد" خواستار مجازات عاملین ترور و انقلابیون و آزادی فرزندان دربندان شدند. با سداران سرما به دزدانه جسم مجاهد شهید را دفن کردند. اما حرکات اعتراضی مردم رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش رسوا ساخته است. هواداران سازمان ما طی اعلامیه‌ای این ترور وحشیانه را محکوم کرده و در قسمتی از آن نوشته اند:

"این اولین و با آخرین جنایت آنتهانیست رژیم جمهوری اسلامی که روز بروز پایگاهش را در میان مردم زدست میدهد، تنها چاره خود را در ترور و شکنجه و اعدام انقلابیون و زحمتکشسان میببیند. خون مجاهدی که در با زار دست فروشان بر سنگفرش خیابان نقش بست تنها نمونه‌ای از جنایات رژیم و عا ملاتش میباشد. سنگ و نفرت بر پاسداران، این جلادان رژیم."

در روز ۵۹/۱۲/۲۸ با سداران سرما به دختر مجاهدی را که در حال فروش نثر به بود در مقابل چشمان مردم به رگبار بستند. بدنبال این جنایت، مردم بندر عباس دست به تظاهرات زده و با شعارهای چون "مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه - دار"، "زحمتکشان بدانید نوروز ما عزاشد" خشم خود را نسبت به جنایت رژیم جمهوری اسلامی و پاسدارانش نشان دادند. تظاهرات تا پاسی از شب ادامه داشت. صبح روز ۵۹/۱۲/۲۹ تظاهرات وسیع تری در اعتراض به جنایت پاسداران سرمایه بر راه افتاد. طنین شعار "بنی صدر پیشتی برای سرکوب خلق متحد و سر در" در سطح شهر پیا نگر این امر بود که مردم دستان خون آلود کل هیئت حاکمه را در پشت این جنایت میدیدند که از آنتن سرکوبگران مسلح بدرآمده بود. مردم شهر با شعارهای "قاتل این مجاهدان را ببد کرد" و

## تظاهرات در حمایت از معلمان اخراجی

حمایت از تظاهرات هر کسندگان بر داختند. در با سان قطعنامه‌ای شامل خواسته‌های ذیل قرائت گردید:

- ۱- ذکر موارد اتهام و علل برکناری خود
- ۲- اعلام اسامی هیئت پاکسازی
- ۳- اخراج کلیه ساواکها و رستاخیزها
- ۴- بازگشت یکبار بدون قید و شرط

در روز ۵۹/۱۲/۲۵ نیز معلمان اخراجی در محل آموزش و پرورش تجمع کرده و برخواستهای خویش بای قشر کردند.

بروجرد ۵۹/۱۲/۱۹ بدعوت شورای هماهنگی موقت معلمان اخراجی، اما ده به خدمت و فارغ التحصیلان اخراجی دانشسراهای راهنما شای و مقدماتی بروجرد و ما همگامی کانون مستقل فرهنگیان، یک تظاهرات موضعی جهت اعتراض به اخراج معلمان مترقی و انقلابی و ایضا معلمان ساواکی، برگزار گردید مردم با دادن شعارهای چون "فرهنگی مبارز حمایتت میکنیم، درود بر معلم مبارز" و... به



تظاهرات رفقای  
هوادار سازمان  
در بندر عباس به  
مناسبت سالگرد  
قیام این تظاهرات  
در ۲۵ بهمن  
برگزار گردید.

## به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بش تائیم

### نامه پدر رفیق محمود صمدی

در اسما جاندرج نام پدر رفیق محمود صمدی میردا زیم تا یکما ردیکرما هیت جانست کارانه رژیم جمهوری اسلامی را از زبان زخمیکشان افتا سما شیم رژیمی که سجد! میرا لسیپا و دشمن کارکران و کمونیستها مسا تند رژیم حیلاد جمهوری اسلامی به عت میندا ردکه با کشتار کمونیستها میتوانا رد اسقوط خودو وقوع انقلاب زخمیکشان جنوگیری نما بد اما مگر رژیم حیلاد شاه نوانست اسقوط حتی خودجلوگیری کند؟ خون صمدی ها ونقه بیروزی انقلاب فرداست .

#### شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی

محترما بعرض میرما ندا سجات غلامحسین صمدی کارگری هستم که ۵۷ سال از عمرم را بسا حقوق ناجیزی و با چندین سرعائله که از شرکت نفت دریا فت میگردم و اکنون که بواسطه جنگ تحمیلی از خانه وگاتانها مرانده شدم در ۳۳ سال کارگری توانستم فرزند تالیسته ای سما محمود صمدی که تحصیلات دانشگاهی را تمام کرده تا بتوانا ندبا بیجان و خا نوا ده اش کمک کند و برای حاشمه مشرشمرواقع گرددا ورا ازمن کیرمسند چون این فرزند لایق در رژیم مشغور بیلهوی بواسطه مبارزه اش همیشه تحت تعقیب و مورد مواخذه بود و چندین بار از دانشگاه اخراج شد چون اومدافع حقوق کارگران وکشاورزان بود چون اودر منزل کارگری بدنیامده بود واز رنج و مصیبت آنها کاملا احساس همدردی داشت و هیچوقت از مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر وکشاورزان آخرین لحظات زندگیش آنها را فراموش نکرده و با سرمایه .. داری وواستکان آنها در مبارزه بود تا اینکه آن رژیم ککلی معدوم گردید و انقلاب ندا ویکار نشست و از مبارزه دست نکشید و علیه سرمایه داری وابسته و با دای آنها مبارزه را ادامه داد و میدانست که آنها سینه به سینه کارگران و زخمیکشان میزنند تا اینکه در تاریخ ۵۹/۱۰/۷ با سجات اطلاع رسید که او را بجهت مبارزه اش در راه آرمان طبقه کارگر دستگیر کرده اند تا سجات پس از شنیدن بدادگاه انقلاب ما شهر مرا حقه نمودم که جرم فرزندم چیست گفتند فرزند شما از هوا داران پییکار است و بییکار با رما نی است کسه تمام کارمندان و کارگران شرکت نفت آبادان و ما شهر را آگاه هی بخشیده است و اسجات همین موضوع را در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸ در روزنامه جمهوری اسلامی واطلاعات در مورد فرزندم مطالعه نمودم اسجات در مدت ۵۷ سال که از عمرم میگذرد در رژیم گذشته اگر شخصی با شخص دیگری خصومت داشت او را سما مگر در کسبت اسلامی سما کمونیست معرفی میگردید که خوا داد اس او را سمیدند تا امروز هر همسنگسور است چون امروز بنا همسین کمونیست فرزندان اس فریبومر میگردیدند و اطلاع خا سواده اس با عدام محکوم میکنند چنانکه فرزند اس سجات سب سب از اسگده



اعدام کنند شکجه سزدا ده بودند فدوی تا حقوق کارگری او را به ۲۵ سالگی رسانده بودم با وجود اینکه در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۳ یعنی تقریبا ۳۵ روز پس از زندان بودن او اعدام کردند و پس از آن از دادگاه ما هشت تن قاضی برورسده اش را کزدم تا جرم او را دانم ولی از دادن پرونده اش نیز خودداری ورزیدند در ضمن در رژیم گذشته در دادگاه "فرمانتی" بدرو خا نوا ده اش را اطلاع میدادند و برای او یک وکیل فرماشی میگردند ولی امروز بدون محاکمه اعدام میکنند است معنی عدالت و دادخواهی که کودکان گران آردشوند اما نظام مویا قری و علوی به حبس محکوم میشوند و بعضیها بوسیلده استکان امیرالینها فراری میشوند ولی فرزندان فیرمانی مثل محمود .. هانک اندامها و جرحا سنها و دکتر شریساها با اعدام میگردند چون مدافع حقوق کارگران و زخمیکشان اس مملکتند لذا نا ظلم هست مبارزه هست شکست هست عاقبت بیروزی سرانجام متعلق به خلق است .

مرگ سرامریکا وواستکان داخلی آنها مرگ سرخلدان مزدور محمود و دیگر شهدای خلق . رونویس روزنامه کیهان - رونویس روزنامه جمهوری اسلامی - رونویس روزنامه اطلاعات - رونویس روزنامه انقلاب اسلامی - رونویس روزنامه نما همدن - رونویس دفتر امام - رونویس دفتر آنت الله مستظری - رونویس کابون رگلای ایران پ رونویس کابون خوتداسان اسبران رونویس دادگاه انقلاب ما هتیر - رونویس آقای رشید حنیور - رونویس آقای نجات ورنیور - رونویس به خلق فیرمان ایران .

! معا غلامحسین صمدی

### بیاد آموزگار و رفیق شهیدم محمود صمدی

چند روز بود که یکبار در ۱۳ آبان وا غلامیه ها دست به دست میکنند . حال دیگر همه فهمیده بودند که در قفس محمود سجات رسیده است . هزاران چشمه کیره شست . هزاران گونیست با خون رفیق نحدید عهد کردند و دهیاس از دست سروردگان رفیق محمود ، سلاح مارکسیسم - لنینیسم را کسه او بدستان داده بود ، محکمتر سردند . و مصممتر در راهی که او سناسان داده بود ، کامردند . ارنحاع وقتی فهمید که چه دلآوری را نکا ز کرده ، حش گرفت و بر بوسنیهای خاشا رسوده ای وا کشرینی گرفته تا سه جها سنها ، اس سوکران سرما به داران در اس حش شرکت کردند . آنها با دمی آوردند که رفیق محمود چگونه همانند ما عقه بر سرمان میزد و زردنوده ها افتا سناسان میگردد .

### بزرگداشت چهلم رفیق محمود صمدی

به مناسبت چهلمین روز سجات رفیق محمود صمدی برای بزرگداشت خاطره سرخ رفیق شهید ما ن روز ۲۱ اسفند مراسم بزرگ رفیق در جهت آبادان هوا سرگراوند ویکار دیگر با آرمان انقلابی کارگران نحدید سجات کردند قبل از رفتن به آرامگاه در طلعه داسودی که رفقا و سجات سرتب داده بودند ، سجات در شهرمان محمود با روحه مبارزه جوانهای در مورد فعالیت سجات رفیق محمود صحبت کرد . اس ما در مبارز گفت : " اگر محمود را رسد با دم ولی محمودهای زیاد را رسد آوردم " . و اما فسه کرد : " من اسمان به جدافت کمونیستها دارم و در اس مدت کاملا سوا سم مشهودند که هدف آنها جز زهاشی زخمیکشان حیردیگری نیست . اگر اس را من امروز فهمیده ام ، سجاتی از مردید آرسیده زندگی خوا همد فهمید سجات خوا همدرد کنند محمود هائی که رژیم سنا سوان " سون سجم و تمد انقلاب معرفی میکنند ، جد افتاد! رفیق سجات حاشمه هستند .

سجات سجات

صد و دهمین سالگرد قیام کارگران پاریس ( ۱۸۷۱ - ۱۹۸۱ )

# کمون پاریس جاودانه زنده است: زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!



اونمرده است ،  
اورا کنار دیوار گذاشتند  
و هزاران بارتیربارانس کردند .  
وسپاهکاران عریه ز زنان ؛  
هرچم خود را در کوجه ها گردانیدند ،  
هرچمی که جلاد از میان لجن بیرون کشید ،  
و فریاد زد : اینست کبفر ،  
اما با وجود سرکوب ،  
اونمرده است .  
آری ، کمون جاودانه زنده است .  
از "اژون پوتیه" شاعر انقلابی کمون  
وسراینده "انترناسیونال"

انقلاب پرافتخار کارگری ۱۸ مارس ، حاکمیت بلا منازعی چون وچرای خود را در  
پاریس مستقر ساخت " (مارکس - جنگ داخلی در فرانسه)

نویسنی در تاریخ جنبش های انقلابی طبقه  
کارگر آغا زکشت . لنین در این باره مینویسد :  
" ... در نظری ( کارل مارکس ) این جنبش  
انقلابی بوده ای با آنکه به هدف هم نرسید ،  
یک تجربه تاریخی دارای اهمیت عظیم و  
گامی بود که انقلاب پرولتاری به پیش بر-  
میداشت . " ، "نگانه "اصلاحی" را که مارکس در  
"مانیفست کمونیست" لازم شمرد بر اساس  
تجربه انقلابی کمونارهای پاریس انجام  
گرفت .

کمون پاریس اولین تجربه تاریخی  
پرولتاریا در کسب قدرت سیاسی بود . طبقه  
کارگر قهرمان پاریس نه تنها با تمام قهرآمیز ،  
دولت بورژوازی را دربارس شکست داد ، بلکه  
آنها را با حکومت طبقاتی کارگران جانشین ساخت  
کمون پاریس قبل از آنکه توسط ارتجاع  
درهم شکسته شود ، توانست ۷۲ روز حاکمیت  
انقلابی کارگران را برانی نخستین بار در تاریخ  
شیرت برقرار سازد . اولین قانونی که کمون  
به مرحله "آزاد درآوردن لخلال ارتش و جایگزینی  
آن توسط نوده های مسلح بود . سیستم بوسیله  
پلیس و دادگستری بورژوازی نیز با تشکیلات  
انقلابی جایگزین شد . " شورای کمون " با انحلال  
پارلمان بورژوازی ، سالانرس مرجع تصمیم گیری  
گردید . کمون ، دستگاه بوروکراتیک اداری  
بورژوازی را درهم شکست و بجای آن سیستم  
مسئولیت انتخابی را برپا کرد . حقوق نا غلظ  
دولتی را یکسان کرد و حقوقهای باطنی کاملاً

فرانسه در همان زمان یک "دولت عادی" به  
رباست "تی بر" تشکیل دادند . "تی بر" که به  
گفته مارکس "زندگی اجتماعی او ، تاریخ  
بدیختی و فلاکت فرانسه است" اولین اقدامات  
خود را سرکوب کارگران پاریس قرار داد . در ۱۸  
مارس ۱۸۷۱ لشکریان "تی بر" عزم خلع سلاح  
کارگران پاریس را نمودند ، اما با مقاومت  
نوده های مسلح روبرو شدند . ارتجاع قیام  
مسلحانه زودرسی را بر پرولتاریای پاریس  
تحمیل کرد . طبقه کارگر قهرمان پاریس بدون  
درنگ راه قیام را برگزید و "گارد ملی" ، پاریس  
را به لرزه درآورد و بورژوازی ارتجاعی را  
فراری داد . " ... هنگامیکه در ماه مارس ۱۸۷۱  
قطعی راه کارگران تحمیل کردند آنها هم .  
آنها پذیرفتند ، هنگامیکه قیام ، دیگر عمل انجام  
شده ای گردید ، مارکس انقلاب پرولتاری را ، سا  
آنکه عاقبت خوشی برای آن ننمید ، با وحدت و  
شعب فراوانی استقبال کرد . " (لنین دولت و  
انقلاب ) . آری پرولتاریای پاریس پس از  
سرنگونی حکومت ارتجاعی بورژوازی در پاریس  
حکومت طبقاتی خود : "کمون را برقرار ساخت و در  
۲۶ مارس اعلام انتخابات کرد . در آنروز ۸۶ عضو  
کمون انتخاب شدند که سی نفرشان معاونانتر -  
ناسیونال اول بودند . اکثریت را "بلانکیست"  
ها و اقلیت را طرفداران "برودن" نمایندگسی  
میکردند . روز ۲۸ مارس در میان هلهله و شادی  
نوده های پاریسی در میدان شهرداری اهتزاز  
دووبل برقرار کرد کمون رسماً اعلام شد . با اعلام  
کمون ، اولین حکومت کارگری در جهان تصل

سبباً رصفحه ۱  
نقاط استراتژیک پاریس در سبدا ظهرها امروز  
ارتجاع را به "ورسای" (در غرب و نزدیکی پاریس)  
فراری دادند . پرولتاریای مسلح حاکمیت  
ارتجاعی بورژوازی را در یک قیام مسلحانه  
سرنگون ساخت و با جدا افتادن از درآوردن اولین  
پروچم سرخ ، بیرونی اولین انقلاب کارگری .  
بیرونی "کمون" را اعلام کردند . اعلام کمون  
پاریس در شرایطی صورت گرفت که حکومت فرانسه  
در حال جنگ با امپریالیزی آلمان بود .  
نیسما رک پس از رسیدن به صدراعظمی آلمان در  
سال ۱۸۶۱ ، بر پایه "سیاست آهن و خون" خود که  
یک سوی آن سرکوب و کشتار مردم در داخل کشور و  
سوی دیگرش جنگ با کشورهای دیگر بود ، به  
متحد ساختن دولتهای شمال آلمان بدور پیوست  
و اتحاد تریش و پیوستن برداخت و در این راه  
ضروری میبود که امپریالیزی ناپلئون سوم که  
خطری در برابر وحدت و یکپارچگی امپریالیزی  
آلمان بود از میان برداشته شود .

جنگ آلمان و فرانسه در ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰  
آغا زکشت . اما لوثی بنا بارت تسلیم شد و به  
دنبال این تسلیم کارگران و نوده های زحمتکن  
مسلحانه قیام کردند و با اشغال کاخ سلطنتی و  
حمله به ماکن حکومتی ، الفبا امپریالیزی و بر-  
قراری جمهوری را اعلام نمودند . اما در اثر نا-  
آگاهی کارگران نسبت به ماهیت حزب جمهوری-  
خواه ، بورژوازی حکومت را غصب کرده و فریب-  
کارانه اعلام "دولت دفاع ملی" نمود . علی رغم  
تلاش این دولت برای سازش با آلمان ، جنبش  
ادامه یافت . مارکس در بیانیه دومش راجع به  
جنگ دو حکومت از کارگران آلمان میخواهد که  
با تکیه بر همبستگی بین المللی ، کارگری بر  
علیه جنگ برخاسته و بیسما رک را وادار به صلح  
نمایند . کارگران فرانسه از یکسو میبایست در  
برابر دشمن تجاوزکار که اکنون بر علیه جمهوری  
میجنگید مقاومت نمایند و از طرف دیگر بدون  
نساله روی از بورژوازی و قهرآمیز بودن  
تضادهای طبقاتی شان ، با اوزمین به پیروزی  
آینده طبقه کارگر فرانسه را مهیا سازند . ارتش  
پیوست سرعت خود را به دروازه های پاریس  
نزدیک کرد . پرولتاریای قهرمان پاریس تصمیم  
به دفاع قاطعانه از پاریس گرفته و سرعت خود  
را مسلح کرد . کارگران پاریس یک "گارد ملی"  
مرکب از ۳۰ هزار فرد مسلح ترتیب دادند و به  
دفاع از فرانسه برخاستند . تحت رهبری کمیته  
مرکزی "گارد ملی" در اکتبر ۱۸۷۰ و ژانویه ۱۸۷۱  
دو قیام مسلحانه صورت گرفت که علی رغم سرکوب  
شدن هر دو ، نوده های کارگر دست از سلاح بر-  
نداشتند . دولت ارتجاعی "دفاع ملی" که ادامه  
جنگ را به منزله پایان حاکمیت خود تلقی می-  
کرد . در ۲۸ فوریه ۱۸۷۱ قرارداد صلح با آلمان  
را امضا کرد . سرمایه داران و زمینداران مرجع

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

## ← کمون ...

ترمیم شدند. خدائی کامل کلسیا از دولت اعلام و اموال کلسیا به نفع توده ها ضبط و صادره شد. در زمینه اقتصاد، کمون کارکنان و کارخان - هائی را که صاحبان استثمارگرشان فرار کرده و با آنها را تعطیل کرده بودند در اتحادیه های کارگری مجتمع کرده و اداره آنها را بدستان بزن توان کارگران سپرد. شب کاری، جریمه های نقدی کسر کردن دستمزد... لغوشده و اشیاء رهن شده زمینکشان که در اثر فقر و فلاکت به جنگ بینکاهای کارگشائی و فرادید و جو اقتصاده بودند به آنان برگشت داده شدند.

برقراری کمون، نشاط و طراوت بسایقه ای درباریس بوجود آورده بود. توده های زمینکشان از رهقشری به تلان سرخا سه بودند و با ریس سراسر به شور و حرارت انقلاب، زندگی بخشیده بود. توده ها حاکمیت فریبکارانه و ارجاعی دارو - دسته "تی بر" و دیگروری نشان مرتجع را چشم دیده بودند و بوقول مارکس "باریس سراسر حقیقت وورسای سرا با دروغ!" بود. کمون باریس تجلی "دیکتاتوری پرولناریا" بود. و بیچمن جهت بود که شور و آوازی شکست خورده نمیتوانست آرام بنشیند. پس از امضای قرارداد صلح، دولت آلمان که برقراری کمون، رنگ خطر را برای حاکمیت ارجاعی او نیز میداد آورده بود. صد هزار سرباز امپراطوری فرانسه را که اسیران بودند از اسرا خسته و تحویل حکومت ورسای داد. روز ۲۱ آوریل ارتشیان ورسای به باریس حمله کردند و یک هفته نبرد قهرمانانه طبقه کارگر برای دفاع از حاکمیت انقلابی خویش که سه هفته خونین معروف گشت آغاز شد. توده های انقلابی برای "تجات جمهوری" با فریادهای "زند با دگمون" به سترکندی نبرد اچندون به تن با بورژوازی و ارتشیان حیکمد و دلاورانه در راه آلمان سرخ پرولناریا به شهادت رسیدند ده ها هزار نفر بخاک و خون کشیده شدند. روز ۲۷ ماه مه گروهی از آخربین رزمندگان قهرمان کمون که در کورستان "برلاشز" سترکرفته بودند تا آخرین فننگ و آخربین نفس به نبرد ادامه دادند و سرانجام در کنار دیوار کورستان تیر - باران شدند. در هر بار که دگمون، پرولناریائی باریس با گذاردن دسته کل های سرخ پروری اس دیوار که به "دیوار مارکس" معروفست - ساد تکه همتان قهرمانان جا ویدان طبقه کارگر را با افتخار گرامی میدارند.

روز ۲۸ ماه مه پس از ۷۲ روز حاکمیت انقلابی طبقه کارگر باریس، ارتجاع دوباره حاکمیت صدامتلابی خود را بر باریس تحمیل کرد و خفقان و سرکوب و استعمار مجددا برقرار شد. در روز دوم "هفته خونین" اوژن بو تهناعر انقلابی کمون در میان دریا ئی از خون و آسین شعر "انترناسیونال" را سرود که سرود سرخ و رهائی کارگران سراسر جهان است. دوروز پس از سقوط کمون مارکس نوشت: "باریس کارگر با کمون خود برای همیشه

بعنوان بنابر تدهنده و طلا به دارا معنا نویسن معروف خواهد ماند. خاطره نهدا بن در قلسب بزرگ طبقه کارگر با اجترام و بندیس محفوظ است تاریخ قانلین و با سود کندگان، آنها را دیگر بروی طلاهای جاودان به چهار رمخ کشیده است و تمامی دء های کشیشا بنان نمیتواند آنها را نجات بخشد" (حک داخلی در فرانسه)

کمون پس از سرکونی دستگاه دولتی سی بورژوازی درباریس، دیکتاتوری پرولناریا را برقرار ساخت. اما این قدرت تعمیق نیافته و سبب اشتیاقات و عدم قاطعیت رهبری، سبب سرکونی کامل "دنا انقلاب سنا نجا مند" یکی از ضعیفای اساسی کمون در اسامورد عدم سرکوب قطعی ماشین دولتی بورژوازی بود. در هضم نگوسدن کامل دستگاه کهنه و عدم قبول اعمال دیکتاتوری طبقاتی پرولناریا از جانب "پرودونست" ها باعث نشکست انقلاب به جمع و جو کردن نیروی خود برای پیوستن به ورسای - ها بپردازد. بر اساس جمع بندی از همین ضعف اساسی بود که مارکس و انگلس در سترکفتناری که پس از اعلام کمون بر "مانیفست" نوشتند گفتند "... بویزه کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمی تواند بطور ساده ماشین دولتی حاضر آماده ای را تصرف نماید و آنرا برای مقاصد خویش بکار اندازد. این آموزش مارکسیستی به صراحت تاکید میکند که پرولناریا انقلاب فیهرا میز خود را علیه حاکمیت طبقاتی و دولت بورژوازی بنا به آخربا بداد میدهد و در بنا بود کردن مسلحانه بورژوازی یک لحظه درنگ نکند. لنین اسن جمع بندی مارکس را "که طبقه کارگر با دما شن دولتی حاضر آماده را خورد کند و در هضم کند، نه اینکه به تصرف ساده آن اکتفا ورزد. یکی از "درسهای اساسی و عمده کمون باریس" از زبانی می نماید.

راشتیاهات اساسی دیگر کمون بدست گرفتن امور مالی ملی نکردن بانک فرانسه بود که به ارتجاع ورسای فرصت داد تا با تکیه به امکانات مالی خود، جهت حمله به کمون آماده بود.

یکی دیگر از دلایل اساسی شکست کمون عدم اتحاد کارگران ساده هقان و سبز محدود ماندن کمون به باریس بود. اگر رهبران کمون اتحاد با زمینکشان روسا را که اعلام میکردند عملی میباشند و فعلا سبب انقلابی خود را به باریس محدود ساختند در سینه فرانسه کسرتن میدادند، بورژوازی بن سادگی نمیتوانست حاکمیت کارگران را سرکون سازد.

کمون نمونه ای از دیکراسی کارگری بود. "الغاء" هرگونه پرداختی به عنوان حق سفره و هرگونه مزایای بولی مستخدمین دولت و رساندن جنون همه ما خان مشاغل در کشور به سطح "دستبردگ کارگر". در اینجا سبب که اتفاقا حول - ازم دموکراسی بورژوازی به دموکراسی پرولناریائی، ازم دموکراسی ستمگرا نه سبب دموکراسی طبقات ستمکش، از دولت به معنای

نیروی خاص "برای سرکوب طبقه معس نه سرکوب ستمگران از طرف نیروی همگامی اکثریت مرد م سعی کارگران و دهقانان - با وضوح خرجه سسترمنا هده میشود. لنین - دولت و انقلاب از درسهای بزرگ کمون، انسانا بن حقیقت بود که طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت سیاسی و برقراری دیکتاتوری پرولناریا با بد صلح به حزب آهمن مارکسیستی با شد و بوقول مارکس: "پرولناریا بعنوان طبقه در ما رزه سز علیه نیروهای مشترک طبقات مرفه، نمیتواند نقش فعالی داشته باشد مگر با تشکیل چیزی ب ساسی مشخص و متما بزرگ با تمام اخیارات گذشته که بوسیله طبقات مرفه تشکیل شده، فرو داشته باشد" و یکی از دلایل مهم شکست تجربه کمون، فقدان رهبری حزب انقلابی پرولناریائی بود که بتواند ساسی ورسایه مارکسیستی کارگران که با ریس و زمینکشان فراسه راه دات نماید.

لنین با جمع بندی نظریات مارکس در "تنگ داخله" در فرانسه "در مورد تجربه کمون مینویسد: "کمون - آنجان نکلی است که با سبب انقلاب پرولناریائی آنرا "سرا نجام کشف کرده است" و با وجود آن بزهای اقتصادی کار، نمیتوان جامعه عمل بنیاد.

کمون - نخستین تلان انقلاب پرولناریائی برای خورد کردن ماشین دولتی بورژوازی و آن شکل سیاسی "سرا نجام کشف شده" است که می تواند دوباره حاکمیت شکل خوردنده کرد.

مارکسیسم لنینیسم با دین گیری از تجربه بزرگ کمون باریس، "دیکتاتوری پرولناریا" را بنیابه آن شکل سیاسی کشف شده "سرای کذا را سرمایه داری به کمونیم و برقراری جامعه بی طبقه کمونیستی و استقرار سوسالیم ضروری و لازم میسورد. تجربه برارزی که انقلاب کبیرا کتبر ۱۹۱۷ سنجوارزی آنرا اشیات کرده و نمونه های پیروز مند حسن و آلمانی سبب مجددا بر آن تاکید داشته است.

شکست سوسالیم در شوروی و چین و باز - کشت و استقرار مجددا سرمایه داری در آنها خود موبدهمین نظرات است که برای ادامه مساره طبقاتی در جامعه سوسالیمستی جهت نیل به جامعه کمونیستی جز برقراری و تحکیم دیکتاتوری پرولناریا راه دیگری وجود ندارد.

رویز بونیسم خروشجفی با طرح "دولت تمام خلقی" و... اساسی ترین درسهای کمون باریس (که دستاورد بزرگ انقلاب سوسالیمستی اکثریت نیز میباشد) را سربا گذاشته و با خیانت به طبقه کارگر امکان بازگشت مجددا سرمایه داری را در شوروی عملی ساخت. اگر چه امروزه سوسالیم امپریالیستهای روس گاه از "دیکتاتوری پرولناریا" حرف میزنند، ولی اس فریبی بین نیست. آنها سالیان درازی است که دیکتاتوری پرولناریا را بنا بر خود ساختند و دیکتاتوری سبب بورژوازی خود را در شوروی مستقر نموده اند. بورژوا - رویز بونیسمنهای خاش چینی نیز سبب در صفحه ۲۲



هنگام از اینها بیست و نه است، چون آسودگی سگریس خوا هدیده که برای آنها کار کند و سودهای هنگفت برایشان تولید کند. اما برای اینکه کارگران قدرت کار کردن داشته باشند و نیروی را که در هنگام کار از دست داده اند دوباره بدست بیاورند و بدینا بهر روز مقداری غذا بخورند، لباس بپوشند، جایی برای استراحت کردن داشته باشند و از آن قسمل، پس مزدی که کارگران میگیرند در درجه اول باید این احتیاجات را برآورده کند.

در کارخانه ها، مزارع، معادن و غیره کار میکنند بولی که سرمایه با ریاست خرید نیروی کار کارگر میپردازد، مزد یا دستمزد گفته میشود. پس دستمزد همان قیمت نیروی کار کارگر است. شکل پرداخت

## دستمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن



اذا فه برای مندانم که فشا رکا روختی زندگی کارگران زودبیر میکنند و خیلی از کارگران وقتی هنوز نشان هم زیاد نیست با از کسار میافتند و با میمیرند. البته برای سرمایه دار مهم نیست که بسیاری از کارگران خیلی زود از کار میافتند و با میمیرند. برای سرمایه دار فقط بدست آوردن سود بیشتر مهم است. اما برای اینکه سرمایه دار بتواند همیشه سود ببرد باید همیشه عده ای باشند که جایی کارگران از پس رفتن را بکنند. این عده فقط میتواند بچه های کارگران و زحمتکشان باشند. پس از نظر سرمایه داران برای اینکه همیشه نیروی کار موجود باشد کارگران و زحمتکشان احتیاج به خانواده دارند. خانواده کارگر هم احتیاج به غذا، لباس و مسکن دارد. بنا بر این مزدی که کارگر میگیرد باید به اندازه این احتیاجات هم باشد. مجموعه احتیاجات کارگر و خانواده اش را برای اینکه کارگر قدرت کار کردن داشته باشد و شغلش ادا میباید کند، حداقل معیشت میگویند. بنا بر این حداقل دستمزدی که کارگر میگیرد باید حداقل معیشت یا احتیاجات او و خانواده اش را تامین کند. حداقل معیشت که حداقل دستمزد براساس آن تعیین میشود در کشورهای مختلف و در زمانهای مختلف باهم دیگر تفاوت دارد. این حداقل معیشت در کشورهای تحت سلطه و عقب مانده ای مثل مایلی یا چین است و بنا بر این حداقل دستمزد هم در چین

دستمزده هر صورتی که باشد مثل روز مزد، کار مزد و غیره تغییر در اصل مسئله نمیدهد. بنا بر این سرمایه دارها بطوریکه با سر وسائل لازم برای تولید را قبیل ماشین آلات، مواد خام و غیره را میخرند، همانطور هم نیروی کار کارگر را برای کار کردن با این وسائل میخرند. نتیجه این خرید و فروش برای سرمایه دار اثرات منفی است. زندگی کارمندان و خلاصه زیادتر شدن سرمایه او است. اما آن چیزی که کارگران از فروش نیروی کار خودشان یعنی کار کردن برای سرمایه داران بدست میآورند یا آن چیزی که نصیب سرمایه داران میشود فزونی دارد. اگر چه کارگران بخت اعظمی از ثروت جامعه سرمایه داری را تولید میکنند، اما جز بول کمی بعنوان دستمزد نصیب دیگری از این ثروت ندارند. یعنی نتیجه کار کارگر کارگران به کسی دیگری واکدا میشود که همان سرمایه دار است. اما با وجود همه اینها سرمایه دار همیشه می تواند تا نیروی کار کارگر را هر چه بیشتر بدهد. اینکار سرمایه دار را به دلیل نیست چون هر چه دستمزد کارگران کمتر شود سرمایه دار بیشتر میشود. برای سرمایه دار بهترین حالت اینست که کارگران با دستکار - تا آن دستمزدی بکنند. ولی اگر کارگران مزد کمتری بکنند چیزی برای امرار معاش نخواهند داشت. در چنین صورتی با از کسری خواهند بود و با قدرت کار کردن را از دست خواهند داد.

این روزها همه سرمایه داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دم گرفته اند که "بالا رفتن دستمزدها باعث گرانی شده است". رهبران رژیم جمهوری اسلامی هم از بیت الله خمینی گرفته تا بنی صدر و بهشتی و دیگر دشمنان طبقه کارگر هم صدا با سرمایه داران و برای دفاع از آنها اعلام میکنند: "کارگران با پیدا افزایش دستمزد را بخوانند و با انقلاب را". "همه کسانی که برای افزایش دستمزد و زیاد شدن حقوق دستمزد اعتراض میزنند فدا انقلاب و عوام آمریکا هستند". میبینید چطور سرمایه داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دست به دست هم داده اند تا علت اصلی گرانی را از چشم توده ها پنهان کنند؟ ما این خائنین به طبقه کارگر و زحمتکشان و این دشمنان قسم خورده انقلاب دروغ میگویند. رژیم جمهوری اسلامی با این تبلیغات میخواهد از یک طرف سرمایه داران را نجات دهد و از طرف دیگر بکوبد و کشتار کارگران را توجیه کند. همه کارگران و زحمتکشان دروغهای سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی را با گوشت و پوستشان احساس میکنند. اما برای اینکه عوام مغریبی سرمایه داران و رژیم آنها را از جهت دیگری هم ثابت کنیم، اول از همه ببینیم دستمزد چیست.

### دستمزد چیست و حداقل دستمزد چگونه تعیین میشود؟

در یک جامعه سرمایه داری قسمت عمده ای از وسائل تولید به شکل بول، کارخانه، زمین و غیره در اختیار روتحت کنترل عده کمی از افراد جامعه یعنی سرمایه داران قرار دارد. در مقابل عده زیادی از افراد جامعه چون هیچگونه وسیله تولیدی ندارند که برای خودشان کار کنند برای امرار معاش و زنده ماندن هیچ چاره ای غیر از فروش نیروی کار خودشان ندارند. فروش نیروی کار یعنی چه؟ یعنی اینکه کارگر هر روز ساعت ۱۰ ساعت و با بیشتر از زندگی و عمر خود و قدرت کار کردنش را به سرمایه دار میفروشد. چرا میفروشد؟ برای اینکه با بولی که به این وسیله بدست میآورد زندگی خودش و خانواده اش را بگرداند. سرمایه دار هم که این نیروی کار را خریده است از آن استفاده میکند یعنی از کارگر

# فان، مسکن، آزادی



### دستمزد...

کشورهای کمتر از کشورهای سرمایه‌داری پیش - رفته است. بطور کلی پائین بودن سطح دستمزد کارگران در کشورهای مثل ایران یکی از دلایلی است که امپریالیست‌ها برای صدور سرمایه به این کشورها ویکا گرفتن کارگران آنها سرودست میکنند. اما با وجود اینکه دستمزد کارگران اینقدر کم است، بازم سرمایه داران برای بدست آوردن سود بیشتر سعی میکنند از سروت آن بزنند. یکی از کارهای سرمایه داران تکه تکه کردن دستمزد کارگران است تا در فرصت مناسب قسمتی از آنرا به جیب بزنند. مثلاً در ایران میبینیم که دستمزد کارگران را تکه تکه میکنند و آنرا به اسمی مزد، سود ویژه پاداش، عیدی، حق اولاد، حق مسکن، حق ناهار و غیره به کارگران میدهند. سرمایه داران بسا اینکار را نمود میکنند که گویا به کارگران بیشتر از حقشان میدهند و به آنها لطف میکنند. ضمناً هر موقع هم توانستند با ندادن هر کدام از این تکه ها در حقیقت مزد کارگران را کمتر میکنند اما یکی دیگر از مهمترین وسائلی که سرمایه داران به وسیله آن مرتباً از مزد کارگران کم میکنند، حربه گرانی و تورم است.

### چه عواملی باعث تورم میشوند؟

تورم یعنی چه؟ تورم یعنی کم شدن ارزش پول. تورم با کم شدن ارزش پول، خود را به شکل گرانتر شدن هر روز کالاها و غیره نشان میدهد. در نتیجه تورم برای خرید یک مقدار مسای از یک کالا با کیفیت یکسان با گذشته با دیپول بیشتری بدهیم. مثلاً اگر یک کیلو برنج ایرانی را قبلاً ده تومان میخریدیم حالا در نتیجه تورم، برای خرید همان یک کیلو برنج با بدبست چهار تومان پول بدهیم. چه عواملی باعث تورم میشوند؟

۱- بالا بردن قیمت اجناس توسط سرمایه داران سرمایه داران که فقط بدنبال سود بیشتر هستند. به بهانه های مختلفی مثل بالا رفتن دستمزد کارگران، نگرانی نندن مواد خام و ماشین آلات و مسائلی از این قبیل قیمت اجناس را هر روز بالاتر میبرند. سرمایه داران برای بالاتر بردن قیمت کالاها در صورتی که لازم باشد کارگزاران را انبساط میکنند و به بازاریان میفروشنند. اینکار سرمایه داران باعث میشود که جنس در بازار کم شده و قیمت آن بالاتر رود. سودهای حاصل از اینکار مستقیماً بجیب سرمایه داران میسرود بعضی وقتها سرمایه داران قیمت یک جنس را ظاهراً بالا نمیبرند اما در عوض مقدار آنرا کم میکنند و با کیفیت آنرا پائین میآورند. مثلاً میبینید بودلیا شوشی داخل قوطی ها هر روز کمتر میشود و با مثلاً توشون سگا را هر روز بدتر میشود. درحالیکه قیمت این اجناس بیشتر هم شده است.

یکی دیگر از وسیله های سرمایه داران فروختن همان اجناس قبلی با مارک جدید و قیمت بیشتر است. بالا رفتن هر روز قیمت کالاها وقتی است که برعکس با قیمت اجناس هر روز پائینتر میاید. میدانی که ارزش هر کالایی بوسیله وقتی که بطور متوسط برای تولید آن صرف میشود تعیین میگردد. بنا بر این چون با پیشرفت صنعت و تکنیک هر روز وقت و هزینه کمتری برای تولید اجناس صرف میشود پس کالاها با پائین تر فروخته شوند با وجود این سرمایه داران نه تنها اجناس را از نظر قیمت فروخته اند بلکه روز بروز قیمت آنها را بالاتر میبرند. دولتهای سرمایه داری هم همیشه به شکلهای مختلف از اقدامات سرمایه داران در بالا بردن قیمت ها دفاع میکنند. اما فیه براسن اقدامات رژیمهای سرمایه داری برای مبارزه با گرانی نیز از دو حالت خارج نیست: یا برای فریب دادن زحمتکشان است و یا یک اقدام موقتی که هیچ دردی را درمان نمیکند. بعنوان مثال رژیم جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاه ادعای مبارزه با گرانی را میکنند ولی نه رژیم شاه در این کار موفق بود و نه رژیم جمهوری اسلامی میتوانند موفق شود. رژیم شاه یک عده کاسب جز را جریمه میکرد، رژیم جمهوری اسلامی همان کاسب ها را شلاق میزند و هر دو اسم اینکار را مبارزه با گرانی فروشی میگذارند.

اما فیه بر اینها که گفتیم، سرمایه داران همیشه سعی میکنند در آن رشته ها بی سرمایه گذاری کنند که سود بیشتری برایشان داشته باشد. معلوم است که در چنین حالتی احتیاجات واقعی توده های مردم ملال در نظر گرفته نخواهد شد. در نتیجه آن رشته های بی که احتیاجات اولیه کارگران و زحمتکشان را میتوانند تولید کنند کمتر مورد توجه سرمایه داران قرار میگیرند. یعنی سرمایه داران بخاطر کمتر بودن سود در این رشته ها به نسبت رشته های دیگر خاضعیت در آن آنها سرمایه گذاری کنند. بنا بر این احتیاجات اولیه زحمتکشان کمتر تولید میشود و در نتیجه بخاطر کم بودن این کالاها در بازار قیمت آنها هر روز بالاتر میرود.

### ۲- بالا رفتن میزان تورم بخاطر برنامه ها و

#### اقدامات دولتهای سرمایه داری

میدانیم که دولتهای سرمایه داری هر ساله بودجه و پول هگفتی برای پرداخت حقوق به افسران ارتش، پلیس و سایر کارمندان خود و سایر هزینه های ارتش و ادارات مصرف میکنند. این افراد که عده زیادی از آنها تولید کننده نیستند و فقط مصرف میکنند با در خدمت سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان هستند، مثل ارتش و پلیس و با کارهای دیگر دولت را که در خدمت سرمایه داران است راه میاندازند. بنا بر این پولی که دولت بعنوان بودجه خرج میکند بطور کلی باعث بالا رفتن قیمت آنها میشود چون کارمندان مختلف دولت (نظامی و غیر نظامی) با پولی که میگیرند برای خرید کالاهای مصرفی و خرید کالاهای دیگر چیزی تولید کرده یا شد. در نتیجه بخاطر کم بودن کالا

و پول زیادی که بوسیله کارمندان دولت وارد بازار میشود، قیمت اجناس با زهم گرانتر میشود از طرف دیگر با پول بدون پشتوانه توسط دولتهای سرمایه داری که برای جبران کسری بودجه صورت میگیرد در کم ارزش نمودن پول و بالا بردن قیمتها خیلی موثر است. یعنی دولتهای سرمایه داری برای جبران کسری بودجه مقدار زیادی پول وارد بازار میکنند که در نتیجه ارزش پستو آن پول کاهش پیدا میکند و تقسیم میشود و باعث میشود که ارزش پول کم شود و بنا بر این برای خرید کالا با بدبیشتر از گذشته پول داد.

سرمایه گذارهایی غیر تولیدی دولت هم مثل ساختن تاسیسات نظامی، کارخانه های اسلحه سازی و غیره هم در بالا بردن قیمتها موثرند. در حالیکه خود این سرمایه گذارها در تولید احتیاجات توده های مردم هیچ نقشی ندارند اما با پولی که وارد بازار میکنند و افزایش تقاضا به بالا رفتن قیمتها کمک میکنند.

### ۳- نقش امپریالیست‌ها در بالا رفتن میزان تورم

میدانیم که مقدار زیادی از ماشین آلات مواد خام و نیمه ساخته وقتی مقدار زیادی از مسوود غذایی کشورهای تحت سلطه ای مثل آمریکا، کشورهای امپریالیستی وارد میشود، سرمایه داران کشورهای امپریالیستی که بدنبال حداکثر سود ممکن هستند و قدرت انحصاری دارند، قیمت محصولاتشان را هر روز به مقدار زیادی بالا میبرند در نتیجه قیمت مواد غذایی مورد احتیاج توده ها و محصولات کارخانه های داخلی با زهم گرانتر میشود. البته سرمایه داران داخلی این اضافه قیمت را از جیب خودشان نمیدهند، چون با تمام این اضافه قیمتها با لایحه روی دوش کارگران میافند مستقیماً با سرمایه گذارهای امپریالیستی و با با شراکت آنها درست شده اند همین وضعیت را دارند و بخاطر قدرت انحصاریشان در بالا بردن قیمتها نقش خیلی زیادی دارند.

به این ترتیب میبینید که بالا رفتن قیمتها زیر سرمایه داران و دولت آنهاست و افزایش دستمزد کارگران هیچ نقشی در گرانی کالاها ندارد

### گرانی و تورم چه تغییری بر دستمزد کارگران دارد؟

کم کردن آشکارا از مزد کارگران و پائین دادن قسمتی از مزد آنها مثل سود ویژه، خیلی زود با مقاومت کارگران روبرو میشود. همین دلیل بالا بردن قیمت اجناس مورد احتیاج کارگران، یکی از مهمترین وسائلی است که سرمایه داران برای کم کردن مزد کارگران به آن متوسل میشوند. بالا رفتن قیمتها یعنی کم شدن از مزد کارگران و زیاد شدن سود سرمایه داران. کارگران به علت دستمزد نا بستی که دارند وقتی قیمت کالاها بالاتر



## دستمزدها

میرود مجبور میشوند که اجناس کمتری بخرند و کمتر مصرف کنند. به این ترتیب وضع زندگی کارگران و خانواده‌هاش به علت بالا رفتن قیمت‌ها از همه نظر بدتر میشود و در حقیقت مثل اینست که مزد کارگران را کم کرده باشند. اگر چه کارگران به علت مبارزه‌ای که میکنند و پس از اینکه بارها سرکوب میشوند بالاخره قسمتی از حششان را بصورت افزایش دستمزدها میگیرند، اما با زحم در این میان ضرر میکنند. یعنی سرمایه‌داران همان اندازه که به علت بالا رفتن قیمت‌ها از مزد کارگران کم شده است به دستمزدها آنها اضافه نمیکنند. به این ترتیب روز به روز از مزد کارگران کم میشود و به جیب سرمایه‌داران سرازیر میشود. این جریان تا وقتی سرمایه‌داری وجود

## توطئه اخراج کارکنان مجتمع فولاد

مسئله اخراج و بیکار کردن کارگران فولاد اهواز مدتها بر سر زبانها بود و در همین رابطه هیئت بررسی وضع مجتمع فولاد گزارش داده بود که مشکل مجتمع وجود کارگران اضافی است! احمدزاده سرپرست صنایع فولاد ایران به مجتمع آمد تا این مشکل را از طریق اخراج و بیکار کردن کارگران برطرف نماید! او به همراه سایر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که هدفی جز حفاظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته ندارند، در ادامه سیاستهای ضد کارگری رژیم تصمصیم گرفته اند تا با شروع تعطیلات سال نو کارخانه را بطور موقت بمدت سه ماه تعطیل کنند و هنگام باز شدن مجدد کارخانه تنها تعدادی را بر سر کار بگذراند و بقیه راحتی توطئه خویش را مبنی بر اخراج گروه عظیمی از کارگران عملی سازند. علت این حيله رژیم، ترس و وحشتی است که از اخراج مستقیم کارگران دارد و لذا آنها نند تا می رژیمهای سرمایه‌داری به توطئه متوسل گردیده است. این سیاست ضد کارگری رژیم در ادامه سیاستهای دیگرش مبنی بر بر برداشتن عیدی، ندادن سود ویژه و سرکوب مبارزات کارگران میباشد. کارگران مجتمع فولاد برای خنثی کردن این توطئه رژیم مبارزات با تحکیم وحدت و یکپارچگی خود، بعد از تعطیلات به کارخانه باز گشته و با حضور خود نقشه رژیم را خنثی کردند.

## مقاومت کارگران پارس الکتریک

کارگران این کارخانه که برای دریا بست سود ویژه اعتمای هفت روزه را پشت سر گذاشته اند، به علت ضعف شکل خود و خیانت شورای قلابی نتوانستند به خواست خود برسند. از این پس تشکیل شورای واقعی در شرایط حاضر خواست ضروری کارگران پارس الکتریک میباشد. چرا که آنها به اهمیت نقش رهبری مبارزان نشان پی برده اند. اما مزدوران سرمایه یعنی انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه برای جلوگیری از انتخاب شورای واقعی و سرپا داشتن "شورای" از وابستگی خویش به کارخانه افتادند. از این رو سیه‌پایان طی نامه‌ای بتاريخ ۵۹/۱۲/۶ خطاب به کارکنان، خواستار نظارت وزارت کار بر امر انتخاب شورا شد. یعنی همان کاری که در اغلب کارخانجات انجام گرفت و نتیجه‌ای جز انتخاب مزدوران کارفرما و رژیم به عنوان "نمایندگان کارگران" بهمراه نداشته است. اما هیئت نظارت بر انتخابات که توسط کارگران

بقیه در صفحه ۱۸

دارد وجود خواهد داشت و همیشه باعث فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان خواهد گردید. بنابراین این تنها راه ازسین بردن گران و تورم و بطور کلی فقر و فلاکت توده‌ها نبوده سرمایه‌داری بوسیله انقلابی به رهبری طبقه کارگر و ایجاد جامعه سوسیالیستی است. اما یک نکته را هم نباید فراموش کرد آن هم مبارزه کارگران برای تامین حقوق صنفی و اقتصادی و از جمله مبارزه برای افزایش دستمزدها در کنار مبارزه برای انقلاب است. این مبارزه سرمایه‌داری را ازسین نمیبرد، اما باعث میشود که کارگران بوسیله آن قسمتی از حششان را از سرمایه‌داران و دولت آنها پس بگیرند. پس برای افزایش دستمزدها مبارزه را شدیدتر کنیم و هیچگاه از مبارزه با سرمایه‌داری این مبارزه را بایفقط به عنوان جزئی از مبارزه و در کنار مبارزه اصلی برای انقلاب به رهبری طبقه کارگر و برای خلاص شدن از دست سرمایه‌داری نباشد.

زده را ازاد کنیم. در آن روز اقدامات زیادی در این مورد انجام دادیم ولی نمیدانیم چه کسی سنگ اندازی میکند و جلو ازاد شدن بچه‌ها را میگیرد. آری در راه آزادی نمایندگان کارکنان جنگزده سنگ اندازی میشود و نمایندگان جنگزدگان با بدبختی‌ها و نداشتن وعده‌ها بر سر دست آوردن پست وزارت نفت در زندان باقی بمانند تا در موقعیت مناسب هر کدام از این دو با نند (با نند حاجی برخوردار و با نند انجمن اسلامی) بتوانند برای پیشبرد مقاصد ضد کارگری خود از وجود آنها استفاده نمایند.

و اما درباره پیگیری خواستهای برحق جنگزدگان با بدبختی‌ها هنوز اکثر خواستهای بدون جواب مانده است. البته با وجود این با نند با زیبا و دارو دست‌راه انداخته در شرکت نفت، بیشتر از این نمیتوان انتظار داشت. ولی با نند از قیام مسئولین "کمیته بررسی مشکلات جنگزدگان" سؤال نمائیم که از اوایل شروع کار این کمیته تا بحال کدام مسکن را برای خانواده جنگزدگان اختصاص داده‌اند؟ بدبختی‌ها برای سکونت خود کرده‌اند؟ شما که صحبت از وجود آنهمه خوا روبا رسیده کارکنان شرکت در انبار میزنید، آیا تا بحال کوچکترین اقدامی جهت تحویل حتی چند کیلو خواربار نموده‌اید؟ با بوق و کرنا و سروصدا زیبا در حرف از کارهای میزبندی آری تا بحال چند نفر از کارکنان جنگزده سرکار فرستاده‌اند؟ درباره عیدی هم با بدبختی‌ها که برخلاف تصور ما که فکر میکردیم اقلا به جنگزدگان عیدی تعلق میگیرد و آنها خواهد توانست با استفاده از آن کمی به زندگی خود سروامان دهند، اما متأسفانه مثل اینکه حتی نموی نامه هیئت دولت نیز اجرائگرفته است.

شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبان و خونین شهر

## فکران

بقیه از صفحه ۳  
کارکنان زندانی بدون هیچ انتهای زندانی شده اند و با نند ازاد گردند. مثلا معاون سرپرست امور اداری در نامه‌ای قید میکند که: "اینجانب متأسفانه علیرغم گوشهای فراوان در مورد آزادی دستگیرشدگان توفیق حاصل نکردم" در صورتیکه همین شخص دقیقا در جریان دستگیری نمایندگان دست داشته و آنها پس از بیرون آمدن از اطاق وی دستگیر شده اند.

حال این سؤال مطرح میشود که چرا علیرغم اظهار مسئولین وزارت نفت که بنا به گفته خودشان به دادسرای انقلاب گفته اند: "وزارت نفت هیچگونه شکایتی از زندانیان نداشته و حتی حاضر است برای آزادی آنها تمهید بدهد"، هنوز هم کاران مادر زندان بر میسرند؟ ما در طول این مذاکرات بروشنی دیدیم که گروه‌های در درون وزارت نفت بر سر قبضه کردن کارها با یکدیگر رقابت میکنند و از جنگزدگان به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف خویش استفاده میکنند و دقیقا بدین خاطر است که یک گروه تلاش دارد زندانیان را ازاد نماید تا برای خودش مشروعیت کسب نماید ولی با نند مقابل با جلو گیری از آزادی نمایندگان سعی دارد با نند رقیب را تضعیف کند.

بعنوان مثال در جریان یکی از مذاکرات معاون سرپرست امور اداری در مقابل اصرار ما مبنی بر گرفتن قرار ملاقات با کفیل وزارت نفت میگفت: "باور کنید من جزوا هل بیست نیستم و مرا در مراجع خودشان شرکت نمیدهند." ما از ایشان سؤال میکنیم که این "اهل بیت" چه کسانی هستند؟ ایشان در روز ۵۹/۱۲/۴ در جواب نمایندگان شورای سراسری گفت: "من در روز ۲۱ بهمن به رئیس دفتر وزیر گفتم که الان بهترین موقع برای آزادی بچه‌هاست و ما میتوانیم بعنوان هدیه سالگرد انقلاب نمایندگان جنگ -

### "کار در راه خدا" یا جاسوسی؟!

اخیراً آوارگان جنگ هواداران زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز، طی اعلامیه ای به افشای یکی دیگر از توطئه های رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش آوارگان، پرداختند در زیر قسمتی از این اعلامیه را با اندکی تغییر میاوریم:

"... هم اکنون ایادی رژیم جمهوری اسلامی دست به حمله بسیار کثیف دیگری برای سرکوب ما و دیگر نیروهای انقلابی در درون خوابگاهها زده اند. این حمله که از نوع "آر.بی.ام.ی" و البته "مکتبی" محض است، سوء استفاده از کودکان و نوجوانان خام و ناتوان و احساسات دینی و مذهبی آنان، برای عمل کثیف جاسوسی بین خودمان میباشد تا به حساب خودشان ما را از درون مورد حمله قرار داده و فعلاً لیبتهای ما را خنثی سازند. آنها برای نزدیک شدن و جلب جوانان ما بسوی خودشان، آنان را به کوهپیمایی و دیدن مسابقات ورزشی میبرند و در این برنامه های به اصطلاح تفریحی است که ارتجاع دام خود را برای بلعیدن و بخدمت گرفتن کودکان ناتوان ما پهن میکند... رژیم با استفاده از موج عظیم بیکاری و غلافی و ناتوانی جوانان ۱۶-۱۷ ساله پیشنهاد شغل با اصطلاح شرافتمندانه "جاسوسی در راه خدا" با مزایای عالی را به آنها میکند...

هموطنان جنگ زده، بگوئیم این حمله جدید و کثیف رژیم را متحدانه افشا کرده و از جاسوس و فاسد شدن فرزندان خود جلوگیری کنیم. اسامی کسانی که خود را فروخته اند و با مسیب جاسوس شدن فرزندان ما میشوند را بر دیوار خوابگاهها بنویسیم تا همه آنها را بشناسند و جلوی خیرچینیها و توطئه های آنان گرفته شود.

### پاسداران علیه آوارگان

بروجرد ۲۵/۱۲/۵۹

در این روزها پاسداران سرمایه جهت تخلیه عده ای از آوارگان خوزستانی که در مدرسه راهنمایی سیمین اسکان یافته بودند، به این مدرسه رفته و بر آوارگان فشار وارد میکنند. دانش آموزان در اعتراض به این امر به خیابان ریخته و دست به تظاهرات میزنند و با شعارهایی چون "مدرسه، مسکن آوارگان تا مسکن مناسبت"، "معلم، محفل پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش" به حمایت از آوارگان بر میخیزند و با پشتیبانی جمعی از مردم که شعار میدادند "محفل مسازرز حمایت میکنم - آواره، آواره حمایت میکنیم" مواجه شدند.

### اخبار جنگ

#### علت بازگشایی مدارس در اهواز چیست؟

... هشت حاکم جمهوری اسلامی در هر مدرسه ای که دانش آموزان انقلابی دست به مبارزه سیاسی انقلابی زده اند، با به اخراج دسته جمعی دانش آموزان انقلابی متوسل شده و با اعلام مدرسه مذکور را منحل اعلام کرده است و این حرکت ارتجاعی بخوبی نشانگر این واقعیت است که اگر رژیم مدارس را هم باز نکند، دقیقاً بخاطر عوامفریبی و فریب و تحمق مردم و دانش آموزان میباشد... رژیم سعی مینماید با مطرح کردن بازگشایی مدارس هم واقع را عادی جلوه دهد و هم اینکه مردم را به همسوئی با این جنگ ارتجاعی بکشاند و خیلی وقیحانه تریا دانش آموزان مطرح کرده است که "با بدتمهید هید اگر خمپاره به مدرسه اما بت کرد و آسیب دیدید، هیچگونه ادعائی نسبت به مسئولین آموزش و پرورش ندارید". زهی وقاحت و بشرمی! ... به نقل از اعلامیه سازمان دانشمندان و دانش آموزان بیکار - اهواز با اندکی تلخیص

#### سنگرهای بتونی برای دستگاههای تبلیغاتی رژیم!

رژیم جمهوری اسلامی برای انجام تبلیغات ضد مردمی خود در حیطه های جنگ، عده ای را مامور کرده است که سنگرهای بتونی در جلوی جبهه کنده و بلندگوهای بسیار قوی در آن بگذارند. کسار گذاشتن بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در سنگرهای بتونی، تاکنون به نسبت جان بسیاری از فرزندان زحمتکشان تمام شده است. اما رژیم را از فریبی کردن جان زحمتکشان جهت تحقق اهداف بلند خود چه باک؟ رژیم با تبلیغات خود و امکانات گسترده ای که در این راه کار میسرند میگویند که همچنان فرزندان خلق را فریب داده و آنها را به حمایت از رژیم بر ما به داری ایران به حنک وادار نماید. اما رژیم مطمئن باشد همیشه عوامفریبی خود نمیتواند ادامه دهد و سرانجام این رژیم و جنگی که ادامه دارد ارتجاعی بوده و زحمتکشان هیچ نفعی از این جنگ نمیبرند.

### استثمار زحمتکشان جنگزده

شیراز:  
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که مسبب اصلی فقر و فلاکت و بیکاری زحمتکشان است، به بهانه ایجاد کار، زحمتکشان جنگزده را با مزد بسیار کم و امکانات ناچیز، تحت استثمار قرار میدهد: اخیراً عده ای از جوانان جنگزده برای بافندگی کار به داره کار مراجعه میکنند. عمال رژیم این زحمتکشان را به کار زورن میفرستند تا هر روز صبح به جاده بوشهر رفته و خوب و سنگ جمع کنند. غذای آنها اغلب اوقات نان و حلوا شکر است کارگران خواستار شرایط بهتر، حقوق بیشتر، غذای بهتر و... شده اند، اما بخاطر احتیاج شدید مالی همچنان بسرکار میروند و رژیم جمهوری اسلامی با سوء استفاده از فقر مالی آنها، همچنان به استثمار آنان ادامه میدهد.

### اهواز در زیر موشک های عراقی و...

رژیم ارتجاعی عراق در روزهای آخر سال قبل با چند حمله وحیانه موشکی موجب مرگ عده زیادی از زحمتکشان اهواز و نابودی دهها خانه گردید. پس از این حملات حتی پیکارانه خشم توده های اهواز نسبت به ادامه حنک و بانیان مرتجع آن دور رژیم ضد خلقی اسران و عراق میزونی یافته است. جانی نیست که بروی و شاهدا اعتراضات گسترده مردم بر علیه این جنگ ارتجاعی نباشی. توهم زحمتکشان به نسبت روزهای آغاز جنگ به میزان قابل ملاحظه ای نسبت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ریخته است. آنان با بیسان ساده و فریادهای کوبنده بر دماغان رژیم را در کسوی و خیابان مورد حمله انقلابی قرار داده و اعتراض خود را نسبت به ادامه این جنگ خانمان برانداز اظهار میدارند. این اعتراضات در روزهای اخیر بسیار گسترده تر شده است و در هر گوشه ای از شهر توده های مردم دیده میشوند که با خشم و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی و فلاکت ها و بدبختی های جنگ کنونی صحبت میکنند.  
رژیم جمهوری اسلامی بی شرمانه از تجاوزات و ایستادگی مردم اهواز در برابر حملات رژیم عراق صحبت میکند (کیهان ۲۳/۱۲/۵۹) اما واقعیت اینست که مردم زحمتکش اهواز چون اهالی سایر مناطق جنگ زده ارتکشا و فلاکت ناشی از جنگ به تنگ آمده اند.  
آن گروه از زحمتکشان اهواز که قدرت مالی

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



## اهواز...

کافی برای سرک شهروندی در مناطق دیگر ندا شده و ناگزیر برای ادا ما کاروبار کفایت حقوق ناچیز مجبور به ادا ما فامت در اهواز هستیم. عمر هر روز شهر را ترک کرده و شب را در میان های اطراف شهر میگذرانند تا از آسیب حملات وحشیانه ارتش مرتجع عراق در امان بمانند و دو یا سه روز بعد برای کار روزانه به شهر میگردند.

## سرکوب آوارگان ملک شهر

رفقای تشکیلات اصفهان در مورد سرکوب آوارگان اعلامیه ای تحت عنوان "سرکوب آوارگان ملک شهر عیدی رژیم جمهوری اسلامی، سرکوب آوارگان مبارزان! منتشر شده است که ما در اینجا قسمتی از آن را درج میکنیم:

زحمتکشان مبارزان:

جریانی که در روز ۲۵/۱۲/۵۹ - در ملک شهر اتفاق افتاد اذیتها و آزارهای دیگر رژیم در سرکوب مبارزان زحمتکشان و آوارگان نیست. "شبان" این نماینده مزدورساندار اصفهان در روز ۲۵/۱۲/۵۹ آوارگان ملک شهر را تهدید میکند که اگر به "زمین شهر" (در حدود ۴۵ کیلو - متری اصفهان) نروند، از تمام امکانات غذایی و بهداشتی و سوختی محروم خواهند شد.

رژیم در ادا ما سیاست خود برای ابراز کند کردن آوارگان میخواهد، آوارگانی را که در اصفهان یا حداقل در نزدیکی اصفهان هستند، به نقاط دور افتاده سردرنا یا پرتو شده ها نفرستد که آنها تحت چه فشاری هستند و رژیم جمهوری اسلامی چگونه آنها را سرکوب میکند، همچنین با ابراز کند کردن آنها، از مبارزات سراسری و عمومی آنها جلوگیری کند. آوارگان میسارز ملک شهر که با اتحاد خود از رفتن به "زمین شهر" سر باز زده اند، هم اکنون تحت فشارهای بیرحمانه رژیم قرار دارند، نفت و حیریه غذایی آنها را در تاریخ ۲۶/۱۲/۵۹ قطع کرده اند و تمام امکانات بهداشتی آنها را از درواجا خارج کرده اند.

این واقعیت درستی حرفهای کمونیستها و انقلابیون را ثابت کرده که با آنها گفته اند، عریضه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی درباره کمک به آوارگان، در طول ۶ ماه جنگ ارتجاعی دروغی بیش نبوده است درست در هفته ای که رژیم عوامفرسا به "هفته آوارگان" نام گذاشته و بیش از همیشه به تبلیغات مزدورانه اش پرداخته و با بردن آوارگان به گردش و تفریح!! فکر آنها را از مسائل اساسی منحرف کرده است، آری درست در این هفته به سرکوب جنگ زدگان "ملک شهر" پرداخته است و این خود بهترین مثال است برای شناختن ماهیت واقعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی.

زحمتکشان مبارزان، نیروهای انقلابی و کمونیست! عیدی واقعی به جنگ زدگان ما باید شرکت در مبارزات آنها و حمایت از خواسته های انقلابی آنها باشد. متحدانه دفاع از زحمتکشان جنگ - زده سردار رژیم و جنبه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را علیه جنگ زدگان افشا کنیم.

با نظرات و اجتماعات خود، مدای جن طلبانه خود را به گوش کارگران و زحمتکشان برسانیم و بپوشانیم. آری از خواسته های بحسب خود جلبت ما شمیم. "با تشکیل شورای واقعی، برای تحقق خواسته های خود، مقابل توطئه ها و تفرقه افکنیهای رژیم ایستادگی کنیم. "نا بود با توطئه های سرما به داران و رژیم جمهوری اسلامی حامی آن، علیه جنگ زدگان"

"برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق" قسمتی از اعلامیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات اصفهان

## آوارگان و روستائیان

### زحمتکش بر علیه

### جنایت مزدوران

روستای وین در نزدیکی اهواز قرار دارد. در این روستا حدود ۳ هزار آواره مستقر شده اند که قسمتی از آوارگان در مدرسه وین و بقیه در چادرهای در انتهای ده مسکن گزیده اند. ستاد بسیج هر چند گاه یکبار مقداری مواد غذایی آورده و بین آوارگان توزیع میکند. روزیکشنبه ۲۴ اسفند فراد بسیج وین در محل مدرسه مقداری سبب زمینی مواد دیگر توزیع میگردند، زحمتکشان آواره هم که فقیر و فلاکتکشان در اثر این جنگ ارتجاعی دوجندان شده است و با نظم برای گرفتن حیره غذایی، این حق طبیعی شان که بزور و مبارزاتشان به رژیم تحمیل کرده اند، صفت بسته بودند.

در این بین در اثر عدم توزیع درست مواد غذایی بین آواره ها، صفت بهم میخورد و همین کافیت تا افراد بسیج و کمیته که در خدمت رژیم ستم پیشه و بر علیه زحمتکشان کار میکنند آتش کلوله های خود را روی آوارگان، زحمتکشان بگیرند آنها در آغاز شروع به تیراندازی هوایی میکنند که در اثر آن، بلوغی و از هم پاشیدگی صفت بیشتر میشود، در اثر این شلیک هوایی یک تیرامیک به تیر آهن سقف خورده و کمانه کرده و سه کودک دوساله ای که در بغل مادرش خوابیده است میخورده و او را تیراندازی کرده و از حال می برد.

آواره ها که این صحنه را می بینند به خشم آمده و شعار "مرگ بر پادشاه" و "مرگ بر پهنی" میدهند.

در این هنگام افراد بسیج رذالت خود را آشکارا به نمایش میکشاند و دستگیر میگردند و آوارگان شلیک میکنند. آنها که از آگاه شدن زحمتکشان و رسوایی سردمداران رژیم شلیک بهشتی و امثال او به وحشت افتاده اند نمیخواهند با کشتار و کلوله فریادهای افشاگرانه وحشی طلبانه زحمتکشان آواره را خفه کنند. ما آوارگان با وجود اینکه یک نفرشان زخمی نشده است مصما به تیر به ما زده تا ادا ما میدهند. آنها متحدانه و در حالی که "مرگ بر پهنی" را هر چند محکمتر شعار میدادند به افراد بسیج مستقر در مدرسه حمله کرده و این مزدوران جنایتکار را کتک حسابی میزنند و آنها را فراری میدهند سپس آواره ها از مدرسه بیرون آمده و با تمام خشم و نفرت و با تمام توان خویش به شعار دادن می پردازند.

آنها با این شعارها را هی بهداری شده و سپس به پاسگاه ژاندارمری میروند تا شکارستان ما می بنویسند.

در این بین بیشتر اهالی زحمتکش و جوانان روستای وین به صف را هیما می کنندگان میپیوندند و شعارها را تکرار میکنند. راهیما می کنندگان هنگام بازگشت به مهد کودک وین که مقر ستاد تبلیغاتی بسیج وین است حمله کرده و ما مبارزها و پلکاردهای بسیج را از دیوارها بین کشیده و پا ره میکنند. سپس به باز میروند. در اینجا تعداد دینت ستری از زحمتکشان به آنان میپیوندند و تعداد جمعیت به ۶۰۰ نفر میرسد جمعیت بسوی دفتر حرس جمهوری اسلامی که در بازار مستقر است رفته و تا طلوع آسرایا بین میکنند و خورد میکنند و بعد به طلوع خانه رئیس حزب جمهوری و کمیته وین، آخوند طالب زاده رفته و شعار مرگ بر طالبی و حزب جمهوری میدهند.

در این فاصله مزدوران رژیم که وحشتره تر متونیده سیاه ساداران روستای ملانانی خبر داده و از آنجا ۴ حبسبها وارد مرکز میشوند و شروع به تیراندازی به سوی مردم میکنند دولتی مردم اعتراضاتی نگرده و با خشم بیشتری به شعار دادن خود ادامه میدهند. سیاه حمله خود را تشدید - ترکرده و ۶ نفر از فرزندان زحمتکشان وین را به جرم توهین به رژیم و روحانیت دستگیر کرده و به اهواز میبرد. ما روز بعد با گروهی از مبارزه آوارگان آنها را از ازمینما بد.

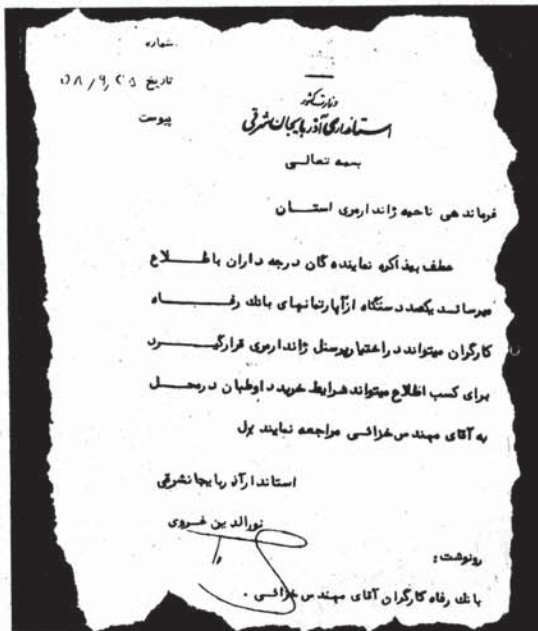
پس از این جریانات چند نفر از اهالی زحمتکش وین، که فرزندان شان در بسیج کار میگردند لباس بسیج را که لباس نظامی است ارتسین فرزندان شان بیرون آورده و زحمتکشان را از دستشان میگردند و با کتک آنها را به خانه می برند و بیست تمام مردم به آنها میگوید: "با این تفکیکها میخواهد مردم را بکشد؟ اگر میخواهد اینکار را بکشد مردم ما ندانند و بگریه خانه میسازند."

مبارزان آوارگان و روستائیان زحمتکش

بقیه در صفحه ۲۵



### بنام رفاه کارگر و بفتح ژاندارمری سرکوبگر



طبق دستور استنادار آذربایجان شرقی، صدستگاه از آبا رتعیهای بانک رفاه کارگران در اختیار برسرسل ژاندارمری قرار گرفته است. خانه‌هایی که از دسترنج کارگران زحمتکش و یا بول آنان توسط "بانک رفاه کارگران" ساخته شده است نه تنها در اختیار آنان قرار نمیگیرد بلکه تحویل افراد ژاندارمری می‌گردد.

کارگران و دهقانان زحمتکش طی سالها تجربه زندگی و کار خودبا رها بچشم خود شاهد بوده - اند که هر زمان برای بدست آوردن حق عادلانه خود دست به مبارزه زده و نابالفا مله افراد ژاندارمری و دیگر سازمانهای سرکوبگر رژیم برای خفه کردن خواسته‌های بحق آنها اعزام شده‌اند. آنها سخوی میدانند

ما هستش نیست که بردارد، بلکه خانه‌هایی را که از بول کارگران ساخته شده و با بددراخسارآستان گذاشته شود، برای سکونت افراد ژاندارمری که در کنار ارتش، با ساداران و شهرهای دستگاه سرکوبگر رژیم را تشکیل میدهند، اختصاص میدهد. آیا هنوز در ما هست صدکارگری رژیم جمهوری اسلامی یا بدشک کرد؟

کم ژاندارمری وارنش برای دفاع از منافع سرما به داران و زمینداران و حفظ رژیم که حامی این چپا ولگران است ایجاد شده اند و این در زندگی خودبا رها امتحان کرده - اند. اما رژیم جمهوری اسلامی که ادعای حمایت از "مستضعفین" را دارد نه تنها کوچکترین قدمی در راه تامین نیازهای کارگران و دهقانان زحمتکش از جمله تامین مسکن برنمیدارد (و در

### مقاومت ۱۵

انتخاب شده بود، طی جلسه‌ای مسئله نظارت وزارت کار را بر امر انتخابات مورد بررسی قرار داده و با اکثریت آراء آنرا رد کرده، بدین ترتیب کارگران مبارزین الکتریک مشقت محکمی برده‌ان نوکران سرما به نواخته و نشان دادند که در جریان مبارزاتشان چگونه آگاهی طبقا نشان افزایش میابد.

### اخراج کارکنان مبارز در ماشین سازی تبریز

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش، برای با سازی و تحکیم سیستم سرما به - داری وابسته به سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی دست زد و در تمام این مدت با توسل به عوا مفریبی و گرفتگی زشتهای "انقلابی" به توجیه حسانتس برداخت: - زمانیکه مبارزات حق طلبانه کارگران را توسط ت - ت بدستانش سرکوب میکرد و فرسا دستکاران را بخون میکشید، نفوذ "مدانقلاب" در میان کارگران و "توطئه" عوامل امپریالیسم را بهانه قسرار میداد!

- زمانیکه خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و... را بوسله ارتش آمریکا شای و با ساداران مزدور قتل عام میکرد، آنها را "عمال امپریالیسم شرق و غرب" خوانده که دست در دست بختا روبا لیبزان میخواد هندیه "انقلاب" اسلامی ضربه بزنند!

- زمانیکه داندنگاها را بست و جنبش انقلابی دانشجویان را بخون کشید، داندنگاها را مرکز "فشار و سوطه"، و دانشجویان انقلابی را "توطئه - گر" و "ساواکی" خواند!

- زمانیکه تمامی آزادیهای دیکراتک را توسط او با تان مسلح خفه نمود و به اعدام و شکنجه کمونیستها و انقلابیون پرداخت، نام آنها را "انقلاب فرهنگی" گذاشت و کمونیستها را "امریکائی" و "ساواکی" خوانده و میخواند!

اما ما هست ضد مردمی رژیم آشکارا رتسار آن بوده که این نعل و ارانه زندهایش مدت زیادی مؤثر نباشد و عملگردهایش خلی رود برده از چهره واقعی اش درید. از جمله عمل اخیر رژیم در کارخانجات ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز در رابطه با بازگرداندن مدیران ساواکی و رستاخیزی بکار، نشان داد که ضد انقلاب و خدمتگاران امپریالیستیا چه کسانی هستند! انتحن است که نوده ها در می ناسند همس تعاف و ماهوی میان اس رژیم و رژیم جناستکار گذشته نیست و هر دو در خدمت با انقلاب و خلق متحدند.

### فیلم چند میلیون تومانی برای "نوده‌های پابرهنه"

رژیم شاه قرارداد میبندد و رژیم جمهوری اسلامی با جرارد رمباورد! علی حاتمی سازنده فیلم سلطان ما حبقران که در آن چهره مرتجع ناصرالدین شاه را بسک کرده بود، قراردادی برای ساختن فیلمی بنام "جاده آسرتسم" با رژیم شاه امضا کرده بود تا هزینه ای چند میلیون تومانی از دسترنج زحمتکشان ایران بدفرت نوده ها سپردارد. اما مبارزات نوفنده نوده ها ندوی اجازه چنین کاری نداد. بسیاری ساختن این فیلم فرا رسد که تیرگی تیریه سیک ایران قدیمیا حقد شود که ما خمان آن در جاده کرج در دست اقدام است. اخیرا این فیلم ساز "انقلابی" شده با دریافت چندین میلیون تومان از طرف رژیم جمهوری اسلامی مجددا ما موراحتن این فیلم بده است و قرارداد جدید از قرارداد قبلی که با رژیم شاه

### ترانس پیک

در ادا مد مبارزه قبلی کارگران ترانس پیک که در آن کارگران جلوی خروج لاسب... را گرفته بودند کارگران اس کارخانه موفق شدند روزانه ۱۲۰ ربال بعنوان اضافه دستمزد دریافت دارند (یعنی تا ۲۰ درصد دستمزد کنونی) هیئت مدیره دولتی سعی میکرد این اضافه دستمزد را تحت عنوان طرح طبقه بندی مشاغل برداخت نماید اما کارگران درخواست خود را پیش بردند و از تقسیم این مبلغ بول بین مهندسین و سرپرستها جلوگیری کردند و تمامی این مبلغ را بین خود تقسیم کردند. درود بر کارگران مبارز ترانس پیک.

امروز این عمل رژیم در شرایط انجام میگردد که موج اخراج کارگران و کارمندان مبارز و انقلابی در اغلب کارخانجات و ادارات همچنان ادامه دارد و حتی همین جندی پیش بود که کارکنان مبارز کارخانجات مذکور را اخراج کردند! آری، اینست مفهوم "ساکاری" موسسات تولیدی و اداری! و اینست مفهوم "ساکار" که آمدن مدیران و کارکنان "مکتبی" و "اسلامی"!



# سال ۱۳۶۰، سال بهره‌گیری از تجارب و تعمیق جنبش مقاومت خلق کرد

بود. و ارتجاع حاکم در جهت تحقق چنین هدفی به‌دفا ترسیر و های انقلابی به‌دانشکا جنبه حمله کرد. سیخ جماعتداران، خائوکشان و پاداران برای سخریدنشکا ه‌دضفا به‌سین خاطر بود که تحت عنوان انقلاب فرهنگی، با بسن دانشگاهها این مراکز فضای جنابات رژیم ارحمله در کردستان و ربا سندهمدای حق طلبانه خلق کرد مکتوبش کارگران و زحمتکشان و خلفهای سراسران، خلق کرد را آرشنوا به تسلیماتی در سراسر ایران محروم سازد. این بوطله که در حقیقت خدمت سرکوب مستقیم خلق کرد برادران است با سها دت دهها دانشجو انقلابی و زحمتی شدن و اسباب ت مدها نغرا آنها همراه بود.



از حمله ساستهای رژیم در این دوره، سلاش در جهت ارمه با شدن "هیئت نما بندگی خلقی کرد" پیمانها تنها نما سنده مورد حمایت تمام خلق کرد، از طریق سازش و مصالحه با جناح سازگار آن - حزب دمکرات - بود. اما افسا کرپها و فشار جناح انقلابی هیئت و سازمانهای کمونیستی سراسر ایران و مخالفت سرخمانه خلق کرد، مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم حزب دمکرات با رژیم در جهت تحقق طرح ۶ ماده‌ای را، غنیمت گذاشته و راه هرگونه سازش و مصالحه جداگانه را مسدود نمود.

علیرغم سخر جوشن برخی از پهره‌های کردستان از حمله نفرو سنج، مبارزات خلقی کرد، همچنان به‌انگال مختلف جریان مساند. مردم پهرمان سنجند ن‌دسال یک آسین سکوآه مند در دو نقطه از پهر، طی اجماع با کوهی. ادامه مقاومت و میانه‌ساله خلق سلاح خلق کرد را اعلام میکنند و دادن شعار، "هر جا ندیسان سکری، خردسنان منسللی، هر فلیمان سازجکی اکر همه گنسه نوسم جلع سلاح نوسوم" روحیه انقلابی و مقاومت جویانه خود را به‌نمایش می‌کند. سوبهای نظامی متعددی در سانس، اطراف میانه‌ساله دوار و میانه سوب سیمرگان جنبش با روما رمیوسند. در نتیجه مردم برای اغراضه دستگیرسها، سه روزا غنصا بعمومی اعلام میکنند حرکت فعال دانش‌آموران در مبارزات سیاسی خلق حکمکرات است. سظا هرات گسترده ویا گسوه دانش‌آموران انقلابی در سنج و پهر سنده نما سانی ارغمنسکی خلق کرد سبدیل منبود. با سوسن سخن اکثریت سازمان جنبشهای فدائی خلقی به اردوی صدا انقلاب، طلف حدسندی سردسنان خلق کرد آفروده می‌کردد. سوده‌های زحمتکشان کردستان سوبزه در میانه‌ساله انکال محلف بقرب خود را از ربا سنیای جنبشهای اکثریت و حزب سوده و عمالسان اعلام میکنند.

در ۱۴ فروردین از اولس کامیای رژیم در جهت بنجتر کردستان پهرمان بود. در اس هکام مردم سنج پهر اده سمرگان با تکسبل سازشکا دانی خود را برای میانه‌ساله سها جموحسا به رژیم آماده میکنند و پهره‌های ستر ویا سنده عزمه سدر خلقی و سدلخ سبدیل می‌بود. تمام سبروهای سرکوب رژیم با کلوله‌سازن و سوب سینی پهرمان سخر، سنج، سانسیدو مرسوان، گسنا زحمتکشان کردستان را آسینار میکنند. سخلت فقیرسشن ستر و سنج زسیراران حسانره و کلوله سوبه و سراسه‌های سبدیل می‌سوند. اما مقاومت و روحه‌های زحمتکشی پهرها حمانه آفرین است. سانشکا افسران و ساجنسان اسناداری در سنج سعلت حسانس نظامی خود، سس از سناط دکر مورد هجوم رسسین و ساندازان واقع می‌کردد. سیمرگان پهر سنان گندرسینی سسمر رژیم برای سخر پهره سیمت گسنا زوسع و اسیدام سیرا در می. سانسد، سبرای خلوکسری ارگسنا راهالی سدفناغ، سسندج را سبرک میکنند. اهالی ستر سیرا در اکثر سنیاجم و حسانه رژیم سیرا سوب و سبور آوارگان در سوبکان اسامت میکنند. و مرکزینل سسسررد سملحانه سیمرگان با رژیم به روسناها و کودهای کردستان مستهل منبود.

بدون سنا سسین سها جموحسانه‌ای نمی‌سوانسب بدون وجود زمینه‌های مناسب برای رژیم امکان پذیر کرد. هجومه آزادسهای دمکراتیک در سراسر ایران سسین در آمد سینه سسین زمینه‌ای

بحرات سسوان گفت که دوسال متا و مسبت حمانه آفرین ستر سترانکه جنبش مقاومت به وسع - ترسین سخن سوده‌های زحمتکشان کردستان و شرکت فعال کمونیستها در آن، خلق کرد را در مفا سسین انقلابی در سراسر ایران و سسین سسین خلقهای جهان و جنبش مقاومت خلق کرد را در رده‌های اول جنبش‌های انقلابی خلقیای تحت سسم بر علیه ارتجاع و امیرالسمجهانی سسرار داده است. سوزکی این جنبش را آن جهت سرحسبه است که سبدا زقیام سشو همنده خلقیای ایران، در متن اعتلا انقلابی و در میان اسوه‌سینی از تضادهای سبجیده و سوه‌ها که عمدتا در خدمت ضد انقلاب قرار دارند، خلق کرد آسها سها انکابه سازمانهای سیاسی - نظامی خود سدون سسرال و اسنادن در دما مفریب جمهوری اسلامی، سبرخواست - های سرحق خودیای سفرده و سبوا زات سرتد و گسرتن جنبشهای سوده‌ای در سراسر ایران، در پرتو حمایت فعال کمونیستها و نیروهای انقلابی و سترقی مبارزات خود را تعمیق داده و سسپسنان سسیماری سسندیم انقلاب خلقیای ایران سسوده است.

سال ۵۹ سال اوچکیری مبارزات پهرمان بود خلق کرد و سیمرگان جنبش مقاومت بود. سالی که سبوزواری تازه بقدرت رسیده بعد از یکسال و اندی اسسصال در سرکوب خلق کرد، آترا سال "امسبت" سمدوسیرای نامین جنبش امنسینی برای سربا به، سصمبه سرکوب انقلاب، گسنا ز کارگران و زحمتکشان و خلفهای تحت سسم سوبزه خلق کرد، گرفنه بود. آنچه که حصمندی احمالی و تابع و حسانات سال گذشته در کردستان را ضروری میسازد، سناخت دسوق اوماعی است که از سال سسین ساکسون سبرکردستان جاگسبوده و سبراسان آن، حصمندی مجموعا ویا سنی است که سبر جنبش مقاومت و سبوا آن در سراسر کمونیستها قرار داده است.

بدنسال مقاومت سناکوه خلق کرد و سسار قدرت مسلح خلقی و آسین سس حندما هه در کردستان در سبوز ۱۳۵۹، ستر سنا کردستان سمناسسه منطقه آزاد سده‌ای سوده که خلق کرد سناکاه سسه ارتکابیای مسلح سوده‌ای خود، آورا اداره می‌کرد. در آن متفخ سز سدی سوده که تحت سسینی رژیم به منظور دست سسندن از کردستان سسکه سسبجه نکست قما حبا سرباطمی - سیاسی او بود که رژیم را به سبصول آسین سس و سسند سبوا سسرای حمله‌ای گسرتده و اداره سبوه بود. از او اسسبل فروردین ۵۹، جمهوری اسلامی، سابل و اسسفالاب نظامی در کردستان به سبیا سحک با سترای، سسه سبوت سبروهای سرکوب سبدر کردستان انجام نمود. محاصره نظامی کردستان، سسین سسنام زحمتکشان روسای ته‌لانا در ۶ فروردین و حرکت حاشیا و پاداران و ارتش سبطرف سسندج



← سال ...

زیر ضربات دشمن قرار دارند. کردستان قهرمان تحت محاصره جدید افتادی قرار میگیرد و مزدوران رژیم برای درهم کشتن مقاومت اسن خلق ستم‌دیده، اراکینال کمترین مواد غذایی و ما محتاج زندگی به شهرهای موجود در دست پیشمرگان و روستاهای اطراف آنها جلوگیری میکنند.

با کشتن جنگ ارتجاعی ایران و عراق در اواخر شهریور، نتیجتاً انحراف توجه‌توده‌ها از جنبش خلق کرد، و نزلتات روستاییستی بخشی از جنبش کمونیستی در قبال جنگ و هتایت حاکمه حرکت سرکوبگرانه رژیم در کردستان شدت بیشتری میگیرد و حنا با ت رژیم در کردستان تحت الشعاع تبلیغات حول جنگ، ابعاد گسترده‌تری بخود میگیرد. شهرها به ساد ۱۱ روز تمام در قبال حمله و حشانه ارتجاع حاکم قهرمانا نه مقاومت میکنند و بی از ۵۰۰ نفر یک هفته بعد از جنگ بصورت ویرانه‌ای به تسخیر رژیم جمهوری اسلامی در میاید. قتل عام و حشانه قارنسا و فیلانان بار دیگر، در روستاهای ایندرفساش، صوفیان، یوسف کندوسه و روگانی تکرار میگردد و دهها روستا توسط مزدوران رژیم به توب و خرابا ره بسته شده و ویران میشوند. انجا چنبن حنا با ت نشانه‌دهنده سیاست جدیدی است که رژیم از طریق آن میخواهد با کشتار روستا ثیان سیدفاع و نطع حمايت آنها از پیشمرگان، با سنگترا کردن حلقه محاصره نظامی - اقصمصادی شهرهای موجود در دست خلق، ضربه نهائی خود را بر جنبش مقاومت وارد سازد. اما این حنا با ت با عت توقف مبارزات مسلحانه که در روستا ثیان نمیکردد و اهالی روستاهای ایندرفساش، سیدآباد، لاجین و چندین روستای دیگر با مقاومت مسلحانه و عقب راندن مزدوران رژیم، آمادگی خود بر ندانم مبارزه و حمايت از پیشمرگان را اعلام میکنند. حضور پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت در شهرها بویژه در مها با در روز دوم بهمن سالروز برپائی جمهوری کردستان خود مختار؛ ضربات گسترده پیشمرگان بر نیروهای دشمن و استعمال بی نظیر مردم از آنها، همبستگی و پیوند هر چه مستحکمتر خلق کرد با پیشمرگان را نشان میدهد.

سعی و دستگیری و خلق سلاح گسترده مزدوران ستم زکرای بویژه توسط پیشمرگان انقلابی کومله در سال ۵۹ مهرا شدیدگ. سری بر حنا ستم و اعا لت مردمی جنبش مقاومت خلق کرد بود که بروسی بر روی هر کوبه تبلیغات دروغس رژیم و سوکران روستاییستی در جهت انتساب جنبش خلق کرده عراق و و استکی آن به رژیم ستم خط بطلان کند.

گذشته از بیلایز بنده نیروهای ضد انقلابی نظیر جریکهای فدائی اکثریت، سال ۵۹، سال گسترش اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات و افتادن هر چه بیشتر این حزب در بین توده‌های زحمتکش کرد و متقابلا گسترش پایه ستم‌دیده‌ای کمونیستها بود. حزب دمکرات بنا به ما هیست طبقاتی و ضد انقلابی خود نمیتوانست و نمیتواند رشد و گسترش نیروهای انقلابی در کردستان را تا هدا شد. این حزب علاوه بر ستمگریهای فراوانی که در حنا با ت از ما لکن و فتودا لیا، برده قانان زحمتکش روا میدارد، ما منسه اقدامات خود را گسترش داده و به حمله مستقیم به سازمانهای انقلابی خلق کرد تبدیل نموده است. از حمله قلدر منشا نه حزب به احتما عسات نیروهای انقلابی از جمله کومله گرفته تا حمله و آزار و خلق سلاح افراد مسلح "راه کار گسر" و پیشمرگان انقلابی کومله و بیکار، تا ما سبیا نگر دشمنی این حزب با کمونیستها در جهت تحقق اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود بود. حمله و حشانه عمال حنا بیکار این حزب به مفر سازمان ما در بوکان به تاریخ ۵۹/۱۲/۷ و شهادت سه تن از رفقای ما و زخمی شدن دستگیری دهها نفر از آنها توسط مزدوران حزب، از جمله آخرین اقدامات حنا بیکارانه حزب دمکرات در اواخر سال ۵۹ بود که نفرت عمیق نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش کردستان و سراسران را برانگیخت.

از جمله تا کینکهای سرکوبگرانه رژیم در اواخر سال ۵۹ تبلیغاتی بود که حول توبه و تسلیم و تحویل اسلحه پیشمرگان و گرفتن امان - تا ما بر انا خسته و کماکان به آن ادامه میدهد مسئله توبه و امانا ما در حقیقت نوعی جنگ روانی و ایجاد تشویش در صفوف مستحکم خلق کرد میا شد و تنها خائبنی مثل جریکهای اکثریت با تحویل دادن اسلحه به رژیم توبه کردن و گرفتن امانا ما، خوراک تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی در جهت ایجاد جنبش جنگ روانی را فرا میبکند.

\*\*\*

بیکار رد لیا نه خلق کرد در مقابل ما انواع توطئه‌های ضد خلقی رژیم و سوکران روستاییستی در سال ۵۹ و محدود و قابع و تحولات سیاسی ایران و رشد جنبشهای توده‌ای بویژه سعد از گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق بطور عام و رشد و تعمیق هر چه بیشتر جنبش مقاومت در بین افنا روستایی از زحمتکشان کردستان و روستایرو - های انقلابی و بویژه کمونیستها در کردستان بطور خاص تا سال ۶۰ و ظایف خطیری را در پیش روی کمونیستها قرار داده است. ما بهره - گیری از تحارب دوا لده جنبش مقاومت، حرکت فعال و سریع کمونیستها در جهت استقبال از ستم - آمد جنبش توده‌ای و انقلابی در کردستان و ضرورت توسعه و تکمیل بنیاد خلق کرد با خلفهای سراسران از جمله برنا مه‌های عاجلی است که کمونیستها ملزم به اجرای آن هستند. تسلط و

### جاشها و پاسداران در کمین پیشمرگان انقلابی پیکار

عصر روز ۲۱/۱۲/۵۹ عده‌ای از پیشمرگان سازمان بیکار (پهل شهید کریم) در حاد ده سنج - کامباران بین دو با بگا دشمن (با بگا ههای گز نه و فرودگاه) در ۱۵ کیلومتری سنج به کمین نیروهای دشمن نشستند. در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر یک ذیل ارتشی حامل نیروهای سرکوبگر رژیم به کمین پیشمرگان افتاد. پیشمرگان قهرمان با قلمی آکنده از کینه طبعی، دشمن را زیر ضربات حنا نه خود قرار دادند. ما شین پس از طی مسافتی و از گون کردید و اکثر سر نشینان آن کشته و زخمی شدند و حمله پیشمرگان چنان برق - آما بود که دشمن تا یک ربع ساعت بعد از در گیری قادر به عکس العمل نبود. همچنین عده‌ای از حاشها که مذبو حنا به برای پیشمرگان کمین گذاشته بودند، کمین آنها توسط پیشمرگان خشی شد و هنگامیکه جاشها از کمین خارج شدند مورد حمله پیشمرگان قرار گرفتند در این حمله قهرمانانه حداقل ۷ تن از نیروهای دشمن بهلاکت رسیدند و عده‌ای نیز زخمی شدند بعد از این درگیری پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند و مورد استقبال پر شور روستا ثیان مسرفرا رکرفتند. لازم به یاد آوری است که در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ نیز در همین محل پیشمرگان (پهل شهید کریم) امر به دستگیری نیروهای دشمن وارد کردند که ما عت کشته شدن ۱۲ نفر و زخمی شدن تعداد زیادی گردید. طبق اطلاع موثق یکی از زخمی شدنان از زندان شان اکثریت بوده است. (اخبار جنبش ۹ - سازمان بیکار - سنج)

### یک خبر

۵۹/۱۲/۱۶ - بدنال خمیاره باران روستاهای اطراف میا ندوآب، ساعت ۱۱ صبح ۱۱ صبح این روز روستای "خان کندی" را در بیکر هدف آتش نیرو - های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله خمیاره به یک خانه یک زن شهید و ۲ نفر زخمی شدند این چندمین بار است که روستای "خان کندی" خمیاره باران میشود و جندی بیس نیز کفر در کاراهالی آخا بر اثر اصابت گلوله خمیاره شهید شد. تعمیق فعالیت در کردستان، تلاش مسلحانم و بیکار نه در جهت جلب حمايت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان سراسران از خلق کرد، افتای حنا با ت رژیم در کردستان، افتای توطئه‌های ضد خلقی روستاییستی در جهت ستم سازش کنندن جنبش خلق کرد، مها رزه با هر کوبه ستم بلات تجزیه طلبانه حنا مل ضد انقلابی و و اسسه بضرر رکاری، انسانی اهداف جنابیکارانه رژیم از جمله های نظیر توبه و امانا ما و با لآخره نسا ستمدن ما هیست ضد انقلابی حزب دمکرات، ساست، اهداف و برنا مه‌های اس حرب در جران عملکردهای روز مره آن در کردستان از جمله وظایفی است که کمونیستها باید بر روی آنها با ت فزوده و بدان پاسخ دهند.

### تشدید رقابت‌های امپریالیستی در منطقه و سیاست طبقه کارگر

"یکی از مشخصات اصلی امپریالیسم، رقابت مابین چند قدرت بزرگ برای بدست آوردن هژمونی است". آنها همیشه سعی دارند که "دشمن را تضعیف نموده در هژمونی اش خدشه وارد آورند". (لنین امپریالیسم با لائوسن مرحله سرمایه داری) اگرچه امروز جهان کنونی

میان قدرتهای امپریالیستی تقسیم شده است، اما از آنجا که قانون رشدنا موزون قانون دانسی امپریالیسم بشمار می‌آید، به این لحاظ تناسب قوا در در دو گساره امپریالیسم مدام تغییر یافته و قدرتهای کماز ظرفیت بیشتری برخوردار میشوند میکوشند تا در تقسیم سرزمین ها تجدید نظر نمایند و بنا

توانا به نفع خود تغییر دهند. در حقیقت - تحت ائتلافها و سازش های امپریالیستی در زمان صلح، "مقدمات جنگ" شما ر میآیند و این اتحاد ها - چیزی جز "تنفسهای" بین جنگ نخواهند بود" (همانجا) در زمان صلح هر یک از امپریا - لیستها میکوشند تا بر قدرت نظامی - اقتصادی خود بیا فزاید و ائتلافهای جدیدی بنا فریبند تا بتوانند به هدف خود که هدانا کسب هژمونی جهانی است نائل آید. در حقیقت در مناسبات میان قدرتهای امپریالیستی سازش موقت است و رقابت اصل میباشد و به همین خاطر آنها مدام میکوشند تا ظرفیتهای نظامی خود را افزایش دهند تا در لحظه معین، یعنی در زمان جنگ بتوانند بر رقیبان خود پیروز گردند. آنها میدانند که پیروزی قطعی بر رقیبان از طریق زور میسر است و به همین جهت تا میتوانند خود را مسلح میکنند و ظرفیت جنگی خود را افزایش میدهند. بقول استالین "دولتهای بورژوازی دیوانه وار مسلح و با زهم مسلح میشوند، برای چه؟ نه برای صحت های دوستانه، البته برای جنگ". (گزارش سیاسی به کنگره ۱۶)، جنگی که برپا نه یک سیاست توسعه طلبانه و با هدف غارت و جپاول با زهم بیشتر ندارد ک دیده میشود.

در شرایط حاضر قدرتهای امپریالیستی به رقابت بیسابقه ای دست زده اند. امروز اگرچه میان امپریالیستهای ژاپنی و اروپایی و آمریکایی بمنظور سهم ببری بینار غارت جپان و رقابت شخصی وجود دارد، اما این امپریالیست ها در مجموع قطب واحدی را در برابر تقسیم امپریالیسم شوروی تشکیل میدهند، به این لحاظ رقابت میان این دو قطب، جدی است و رقابت در جهان امپریالیستی را مشخص میسازد اما از آنجا که هر یک از این دو قطب تحت هژمونی امپریالیسم آمریکا و یا سوسیال امپریالیسم



شوروی قرار دارند، رقابت میان این دو قدرت بزرگ امپریالیستی جایگاه برجسته ای را در کل حرکت رقابت جویا نه امپریالیستی بخود اختصاص داده است. اگرچه این امپریالیستها در سرکوب انقلابات و جنبش های راستین مشترک المنافع بوده و برای خفه کردن آنها به سازش دست میزنند، اما در راه منافع توسعه طلبانه خود در اکثر مناطق جهان به رقابت حاد ی برداخته اند. منطقه خلیج فارس، خاور میانه و اقیانوس هند یکی از آن مناطقی میباشد که شدیدترین رقابت های امپریالیستی در آن جاری



است. این منطقه، منطقه دریای نفت است و نفت در اقتصاد کشورهای امپریالیستی نقش حیاتی دارد. این منطقه از نقطه نظر استراتژیک یکی از کانونهای بر اهمیت جهان میباشد. کنترل این منطقه و بخصوص نفت خلیج، نقش تعیین کننده ای در جنگ احتمالی آتی میان امپریالیست ها خواهد داشت. چرا که در دست داشتن چاه های نفت، به معنای کنترل قطعی اقتصاد اروپا و ژاپن میباشد، اقتصادی که به ترتیب ۶۰ الی ۷۰ درصد از مواد نفتی و انرژی خود را از این منطقه از جپان تا من میسازد. در حقیقت یکی از عوامل اساسی سروری در جنگ آینده کنترل همین منطقه و اعمال هژمونی در آنست. این کنترل و اعمال هژمونی نقش موثری در اعمال هژمونی در سایر جهان دارد. علاوه بر اهمیت اقتصادی و استراتژیک این منطقه در دوران انقلابات و جنبش های آزادیبخش، موجودی منافع امپریالیسم جهانی را شدیداً می نمایند. به عنوان

نمونه قیام دلورا نه خلق ایران ضربات سختی به امپریالیسم و بخصوص آمریکا وارد ساخت. این قیام باعث گردید تا موقعیت امپریالیسم آمریکا در ایران بشدت تضعیف و متزلزل گردد. اگر چه بعد از قیام رژیم مرتجع جمهوری اسلامی اقدامات متعددی در جهت بازسازی مناسبات میان امپریالیستها انجام دادند، ولی هنوز که هنوز است به دلیل ادامه اعتدالی انقلابی در جامعه و رشد روز افزون آگاهی ها، امپریالیست ها نتوانسته است موقعیت گذشته خود را بدست آورد. بنا بر این توسعه جنبش توده ها در سراسر منطقه "خواهش های پلانی" امپریالیستها را آشفته ساخته و آنها را واداشته تا برای مقابله با این جنبشها به تدارکات گسترده تری دست زنند.

بدین ترتیب با توجه به متافخ اقتصادی و استراتژیک در این منطقه و خطری که رشد انقلاب منافع امپریالیستها را تهدید میکند، قدرتهای امپریالیستی و بخصوص دو قدرت بزرگ امپریالیستی یعنی آمریکا و شوروی را به رقابت های شدیدی واداشته است. این منطقه اگرچه سالیان درازی است که میان امپریالیستها تقسیم گشته است، اما تبدیل شوروی به یک قدرت امپریالیستی و وارد شدن آن به صحنه رقابت های امپریالیستی و تغییر در تناسب قوا منجر به آن شده تا هر یک از امپریا - لیستها بکوشند تقویت موقعیت خود را با تضعیف رقیب تحق بخشد و تمامی تدارکات تجاری و کارانه را برای جنگ آینده انجام دهد. در حال حاضر این تدارکات رقابت جویا نه در عرصه های زیر برجستگی یافته است.

از نقطه نظر اینجا دو تقویست با یگا های نظامی همانطور که میدانیم سوسیال امپریالیسم شوروی در "آسیا"، "آسیا و "آسیا آسیا" (آسیوی)، "در عدن" و جزیره "سقطره" (یمن جنوبی) در "ام القطر" (عراق)، در "لاذقیه" (سوریه)، در "تمیش"، "مدرس"، "کنشین" و "شکا پانتا" (هند) در "دیگر سوارز" (چاد) و "سکار" (اوردرین) در "ناکالا"، "بشرا" و "ماپوتو" (مجمع الجزایر) سیشل و جزیره مورس) دارای با یگا های نظامی بوده و با اذحق توقف گشتی های جنگی برخوردار است. علاوه بر این موارد با یگا های نظامی فعال در افغانستان توسط روسها و تبدیل آن به یک با یگا عظیمی است. در مقابل امپریالیسم آمریکا نیز دارای با یگا های نظامی در مصر، سیک با یگا عظیم در بندر "بربره" در سومالی، سیک با یگا در "مومباسا" در کنیا و چند با یگا در عمان و بخصوص جزیره "مصره" مساعد، به علاوه اسرائیل و عربستان سعودی از ابرامهای صلح امپریالیسم آمریکا در منطقه بوده و این قدرت جپانخوا را با یگا عظیمی در جزیره

تشدید...

"دیگوگاریسا" میسازد. امیریا لیسما آمریکا در سوده نظامی سال ۱۹۸۱ در نظر گرفته شده با یکا های خود در منطقه را نوسازی نموده و آنها را تقویت و گسترده نماید. در حال حاضر آمریکا به توسعه تاسسات خود در بنگا هیبای عمان و کینا و سومالی دست زده تا بنوا ستد بنیانی لحسنکی از نا وگان خود در اقیانوس هند را آسانتر نماید. توسعه و تقویت آسان بنیانی با نگاه ها و با وگانهای امیریا لیسما نکی در خلیج فارس و اقیانوس هند را از نقطه نظری و تجهیزات نظامی شدید تقویت خواهد کرد. همانطور که میدانیم از سال گذشته دو نوسا و هوا سمار "آیزنهاور" و "نی میتز" در منطقه خلیج فارس مستقر شده اند. بقراری ارتسا ط این ناوها و سایر کشتی های جنگی آمریکا با مرکزیا یکا هی "دیگوگاریسا" از سهولت لازمه برخوردار نیست و به همین جهت تقویت با یکا های اطراف خلیج فارس و کناره شمالی و شمال غربی اقیانوس هند نقش حساسی برای آمریکا دارد. به همین منظور بتنا گون از کنگره خوا ستار بشر از ۷۰۰ میلیون دلار برای نوسازی با یکا های نظامی در عمان و سوئز در "مصره" گردیده است بخلاوه امیریا لیسما نکی را آمریکا تا کنون با ۵۵ میلیون دلار و امپط می به عمان تواقف کرده و در سوده سال جدید ۲۴ میلیون دلار برای نوسازی بندر "بریره" ۲۶۰ میلیون دلار برای گسترش "موماسا" در نظر گرفته است. در ضمن آمریکا برای توسعه تاسسات "دیگوگاریسا" مبلغ ۲۳۷۷۰۰۰۰۰ دلار اختصاص داده است.

تقویت رژیمهای سر بریده و واسنه در طی سال ۱۹۸۱ و جد دیگری از کوشش آمریکا جهت تحکیم موقعیت خود در منطقه را نشان میدهد اختصاص ۲ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به دولت نجار زکر اسرائیل و امپک میلارد و نهم میلیون دلاری به مصر و او ۲۴ میلیون دلاری به اردن و او ۲۰۰ میلیون دلاری به لبنان و او ۲۶ میلیون دلاری به یمن شمالی و او ۱۰۰ میلیون دلاری به پاکستان، بنا بر تدد اقداسات آمریکا تجار و زکرا در جهت تدد رقابت با شوروی امیریا لیستی و تقویت تدارکات جهت سرکوب خلقها میسازد امیریا لیسما آمریکا اخیرا یک ماهواره نظامی در منطقه برنا ک کرده که بر هر حرکت نظامی در این منطقه نظارت خواهد داشت بخلاوه آمریکا در نظر دارد علاوه بر هواپیما های غول پیکر و اکس، هوا سما های ماسوق مدرن الکترونیکی به عربستان تحول دهد. در سراسر این حرکات سوسال امیریا لیسما شوروی نیز علیرغم تمام عوام فریبی هایش بتی بر استقرار "ملج" در منطقه همچنان بدانسان رفات حویا نه خود ادا میداده و منظور صمصر نا وگانها و زیر دریایی هائی خود در اقیانوس هند را تقویت کرده و رژیمهای وابسته خود از قبیل افغانستان، یمن جنوبی، انبوی ... را

سین ارتش مسلح میسازد اخیرا در طی مهنا دیربایدی اسلحه و تجهیزات به رژیم ارتشا عربی حیدر حویا داده اند.

ریاستن ما با ما را خاوارد زمین سساید...  
سوروی در تاسی! مهربا لیسما آمریکا اخیرا گفته است: "سارتیک دوم میباشی، ما هرگز در سراسر جیمن قدرت دستا می و آرا سیس نظامی سر بریده در دیواری قرار نگیرد هفت بود که "سارتیک طرف مصلح امیریا لیسما یکا رددیکرا اسانانند" مات می... سا بقه آنها در جهت حیک آسیده و سرکوب انقلاب را روتنتر میسازد. امیریا لیستیها و سوسال امیریا لیستیها اگر چه در "ملج" رسیج زدانائی حسرتی میزنند اما آنها در خیل یک لحظه از کسب سرت اقدامات حیک افروزانه و سرکوبگرانه تا غافل نیستند. آنها در همان زمان که از "ملج" سخن بر میدهند، دیوا نه و از خود را مسلح و با هم مسلح میکنند. روزیونیستیها برای حواب کردن طبقه کارگر و خلقها همیشه اسنجنین تبلیغ میکنند که با مذاکره میتوان جلوی جنگ و گسترش تدارکات جنگی را گرفت. اما این فریبی بس نیست. امیریا لیستیها بنا به ماسهت خود یک لحظه از اهداف تجار و زکرانه خود غافل نمی شوند، با هم متحد میشوند تا انقلابات را درهم کوبند و با همه رقابت و جدال سر مخیز نندا سیم بیشتر از غارت جهان را بخود اختصاص دهند.

بر واضح است بنظر ما آنچه که روزیونیست... های خائن به جهانی بصورت "جنگ قریب الوقوع جهانی سوم" طرح کرده و سازش طبقه های کارگران و زحمتکشان را با ارتش و امیریا لیستیهای غارتگر آمریکا و "جهان دوم" بر علیه سوسال امیریا لیسما روس موعده میکنند یک سراسر ارتشا عربی بوده و با واقعیت روتنرو بندهای جهانی که حینه غالب آن را رتدا نقلاب و منازقات انقلابی کارگران و بنوده های تحت سده تشکیل میدهد. تطبیق نمی نماید. زحمتکشان جهان در صورت وقوع جنگ احتمالی امیریا لیستی با مقاومت انقلابی علیه آن سیا خاسنه و آرتانه هرمی در جهت رتدا نقلاب و پیروزی سوسال لیسما ملسد خواهند کرد.

سایب طبقه کارگر در مقابل اقداسات تجار و زکرانه امیریا لیستی سیاست مبارزه و ادا مده انقلاب میسازد. اس امری روشن است که نزدیکی سادوری امیریا لیستی به یکدیگر برای طبقه کارگر و خلقها هیچ تفاوتی نمی کند، چرا که آن نزدیکی در جهت سرکوب انقلاب و اسن دوری در جهت سیمبری سسترا رجا اول جهان و در نتیجه با هم سرکوب و اسنما ر خلقها میسازد. بنا بر این تا وان دوری و نزدیکی امیریا لیسما لیستیها را خلقها میسازد. بنا بر این سس کمونیسما و طبقه کارگر در خیل روزیونیستیها و ملج طلبان بورژوا، هیچ حوصا مددی بد دوری و نزدیکی امیریا لیستیها ندارد. آنها سساید د نارمانی که اسرت با هم در جیمن تاسی اسن جنگ و سجا و زکرانه ریکون س در وجود حواب هداست و آنها سساید که رده های در جمع سوسال سساید

کمون...

آموزش و آردیکنا سوزی بیولنا ریا حرف سی...  
رسنه... ساسا در کردار و طبقه های خود با رها نایت کرده اند که خاش با دیکتا سوزی بیولنا ریا بوده و با سدا رددیکنا سوزی ارتشا عربی سوزوار ی سساید و کرا سوزی سوزی از روس و سوسا سساید...  
حراسی کسیدا بطور تریان دیکتا سوزی بیولنا ریا رتشی کسیدا سس امر هرگز به معنای آن نسبت که آن در کردار روبروا سس طبقه تسی سس دیکتا سوزی بیولنا ریا بطور مستمر و هم سسگی حجاب سوزی رتده اند.

روزیونیست های اروپایی با آرتا شه سرت ارتشا عربی "اروکو سس" (کمونیسما اروپائی!) و لفلونیسیم وحف "دیکتا سوزی بیولنا ریا" نشان داده اند که با ریریبا گذاشتن اصلی ترین دستا ورد "کمون پارسی" دشمنان قسم خورده طبقه کارگر بوده و سرکوبان کشف سوزوار ی امیریا لیستی میسازند.

اما در سهای کمون، ستاره سرخ راه نمایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جهان در مبارزه شان بر علیه ستم و استسما ر طبقه های، در راه انقلاب و سروز سوسال سس میسازند و هرگز این در سهای در خشان با خاست روزیونیستیها مدفون نخواهند گشت. تجربه ۲۲ روزه کمون، برای بیولنا ریا ی جهان، آسجان اصولی را بجای گذاشته که انقلابات سوسال لیستی اکثر، انقلاب جیمن، آلبانی و ... مهربا سس بر آنها زده و سا طبقات از جهان ریخت نرنسند. ستاره های کارگران و زحمتکشان جهان برای آزادی از ستم و استسما ر خواهد بود.

مارکس در سخنرانی "در باره کمون پارسی" اظهار داشت:

"اصول کمون ادبیت و میسایدنا زسین

برود. این اصول تا زمانیکه طبقه کارگر آزادی خود را بدست نیا ورده، همچنان بقوت خود باقی

است"

در سوده سال گذشته، طبقه کارگر و شیفتگان رها نی کار از ریوغ سرمایه، سرودا نترنا سسونا ل اثرشا عربی انقلابی کمون او وزن بیوا تبه را سسر سدهند که:

"انترناسیونال است راه نجات انسانها"

و امروز ما سسرخا طره کمون، دلاوریهای طبقه کارگر قهرمان پارسی، قهرمانهای کارگران و زحمتکشان جهان را زنده نگاه میداریم و قریبا د

سزینم:

آری! کمون پارسی خا ودا نه زنده است!

آری! زنده باد دیکتا سوزی بیولنا ریا!

جد مکترا ران اهداف جنا سسکارانه امیریا لیستی -

ها میسازد و به همین خاطر ساسات کمونیسما و طبقه کارگر، ساسات انقلاب جهت ناب سسودی

ارتش و امیریا لیسما و سوزوار ی سوسال لیسما میسازد. زسرا سسبا سوسال لیسما است که مصلح واقعی را برای خلقهای جهان سار مغان سس آورد.

# هدف حزب جمهوری اسلامی از "احیاء" کاشانی چیست؟

حضرت آیت الله کاشانی امروز بخیرگامی و گوسلای گفتند  
در ایران احتیاجی بتقسیم املاک نیست  
اما اگر مالکی میل خود میبایدت باینکار کند البته ایرادی ندارد  
آز جانی شوری خطری متوجه ایران نیست  
و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم دولت باید اقدام کند



دردگرا و روح خردگرا روزنامه  
آرژانتین به سخن ایجاد نموده و حاصل  
بین دو پیکار چاپ بوکلاوی امروز  
میل از نظر با حضرت آیت الله کاشانی  
مجلسی ای دل آورد که غلامه آن  
ذبح الاطر خوانده کانگنر  
م - طبعه حضرت آیت الله  
ج - روسا در جریان ملی هفتم

خفقان رضاشاهی اوجان  
رفتار "مقولی" داشت که  
رضاشاه در تعریف او خطاب به  
آیت الله بهبهانی و دیگر  
روحانیون درباری گفته  
بود: "تمام شما ها دروغ می -  
گویید. تنها فردی که از روی  
عقیده و ایمان و صراحت  
لهجه بدیانت پایبند است  
سیدکاشانی است"  
(مجله خواندنیها مورخه  
اول شهریور ۱۳۳۱)  
میگویند: پس از شهریور  
۲۰ و اشغال ایران بدست  
نیروهای متروقی جا همه ما آنرا طرد کرده  
اللله کاشانی به زنده شدن  
انگلیس ها افتاد و چه روضه -  
ها و رجزها که در این باره به  
گوش مردم نمینخاوندند.  
ولسی نمیگویند: که اتهام  
اساسی او همکاری با

و با آنها جهت نبل به "مقدم واحد همکاری  
ممنوعه است.  
میگویند: آیت الله کاشانی از ملی شدن نفت  
حمایت کرد و با افراطی تر گذارده رهبری این  
جنبش را (که سوز و آزی ملی ایران برهبری  
مصدق در دست داشت) از آن کاشانی میثما رند.  
از ترور رژیم آری بدست خلیل طهماسبی که یکی از  
میردان کاشانی بود سخن بمان موارند و  
پیروزی نهضت ملی مردم ایران در خلع پادشاه  
شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را "شرکت  
وجود آیت الله کاشانی" قلمداد میکنند.  
ولسی نمیگویند: که کاشانی چگونه با مرتجعترین  
نیروها و مزدوران سیاستهای امپریالیستی  
نظیر دکتر مظفری قاشی کرمانی، حسین مکی و  
سپهدارای همدست شد و پس از قتل ۳۰ شهرا ۱۳۳۱  
بطور مداوم سعی در واژگونی دولت مصدق نمود.  
حزب جمهوری اسلامی که قصد دارد با احیاء  
سیاسی کاشانی او را از خاستگاهش به جنبش ملی  
ایران تطهیر نماید و او را بعنوان "قهرمان ضد  
استعماری و ضد استبدادی" معرفی کند، هرگز  
نمیگوید که کاشانی همواره از رژیم سلطنتی و  
مالکیت فئودالی رمن حمایت نمود (به سند  
شماره ۱ سوخته کنند)  
رژیم جمهوری اسلامی هرگز نمیگوید که  
آیت الله کاشانی از در افتادن نامصدق  
کارکنی های ریادی علمه او در هندستی سا  
در باره رود که عمل انگلیس از خود نشان میداد

آلمان نازی بود. آری نمیگویند آیت الله سید  
ابوالقاسم کاشانی همراهِ با حبیب الله نویخت  
و محمدحسین حسام وزیری و احمدنا مدار (نامینده  
سر لشکرزاهدی) چگونه با جاسوس های شناخته شده  
آلمانی مثل مایر و بریتولد شولتسه همکاری ریهائی  
داشته اند. رژیم جمهوری اسلامی که از زندانی بودن  
آیت الله کاشانی در زندان انگلیس ها سخن  
میگوید هرگز از این اعتراف آیت الله سخن  
بمان نمیاورد که در رابطه با همین همکاری با  
آلمانها، او با رشد عالی گیلانی (یکی از وزرای  
عراق که با حمایت آلمانها دست بیک کودتای  
نا فرجام در عراق زد) و نیز با مفتی فلسطین (۳)  
(که با آلمانها تماس داشت) مکاتبه مینموده است  
\* مفتی فلسطین (حاج امین الحسینی) مجتهد  
وفتو دال بزرگ فلسطین که در راس جنبش ضد  
استعماری فلسطینیها قرار داشت و گفته یکی از  
انقلابیون عرب علت مخالفت او با صهیونیستها  
غضب اراضی وسیع متعلق به خود او بود. از سوی  
دیگر او با اصطلاح برای مبارزه با یهودیان با  
آلمان نازی تماس گرفت و به آنان قول همکاری  
داد. حاج امین الحسینی که سرانجام با رهبران  
مرتجع عرب به مازن رسید پس از اشغال فلسطین  
صورت بنا نموده سیاسی در لیمان زندگی میکرد  
و با رژیم شاه هم روابط حسدای داشت و در همان  
- های سفر با ایران هم شرکت مینمود. او که در  
۲۰ سال آخر عمر در آنزولائی شبه انزولائی کاشانی  
مزیست حدود ۵ سال بست در لیمان درگذشت.

رژیم جمهوری اسلامی که ماهیتش سرما به داری  
و سناگزیر ارتعاعی میباشد، برای تحکیم قدرت  
سیاسی خود به انواع وسائل متوسل میگردد. از  
سرکوب کارگران و زمینکنان و نیروهای کمونیستی  
و انقلابی گرفته تا دامن زدن هر چه بیشتر به جهل  
و نا آگاهی ها و فریبکاریها. رژیم میگوید برای  
ظرف خویش و همسایگان آن، نارنج افکار آرزومند  
آمریکازد. این است که در نارنج به جنجاسو  
میسردارد، آنرا تحریف میکند و حقایق را از چشم  
نوده های پنهان میدارد. تا از آن میان، چه سره  
تصنی و ساخته و پرداخته ای را بعنوان "قهرمان"  
تحویل نموده ها دهد. طبیعی است که رژیم با  
ماهیت ارتعاعی و عقب مانده اش امثال شیخ  
فضل الله نوری و آیت الله کاشانی را بعنوان  
سبیل و قهرمان مورد نظر خویش ارائه میدهد اینها  
کسانی بودند که سیر مبارزه طبقاتی در جامعه ما  
آنان را مدتها پیش از مرگشان به گور سپرده بود  
اینها کسانی بودند که کارگران و زمینکنان و  
نیروهای متروقی جا همه ما آنرا طرد کرده  
بعنوان خاشاکین به جنبش خلق به زباله دان  
تاریخ انداخته بودند. اما رژیم جمهوری اسلامی  
با استفاده از نا آگاهیها و نیز با توجه به درد دست  
داشتن انواع وسائل تبلیغاتی، "کاشانی" ها  
و "شیخ فضل الله نوری" ها را دوستدار توده ها و  
"قهرمان استقلال و مبارزه با استعمار امپریالیسم  
حاضریند و برایشان "ویژه نامه" و پوستره های رنگی  
چاپ میکند و برنامه های مفصل را دیو تلویزیونی  
- همه از جنب زمینکنان - براه میاندازد.

**میگویند:** آیت الله کاشانی همزمان با  
جنگ جهانی اول که در نجف بود نقش فعالی در  
مبارزات ضد انگلیسی در عراق داشت.  
**ولسی نمیگویند:** که مخالفت او و دیگر  
روحانیون همانند او با انگلیسها تا جه انداز  
تحت تاثیر حمایتشان از "خلافت عثمانی"  
و بدور از خواستهای واقعی انقلاب دمکراتیک  
مردم عراق بوده است. رژیم نمیگوید مجتهدی که  
رهبری مبارزات آن سالهای مردم عراق را بدست  
داشت یعنی آیت الله محمد تقی شرازی چگونه  
نامه ها و خطابه به سفیر آمریکا و انگلیس مینوخت  
و آنها را به حمایت از "اسلام" فرا میخواند (رجوع  
کننده متن این اسناد در پیکار ۸۳ مورخه ۱۰  
آبان ۵۹)  
**میگویند:** آیت الله کاشانی پس از جنگ جهانی  
اول از دست انگلیسها فرار کرد و از عراق به  
ایران پناهنده شد.  
**ولسی نمیگویند:** که چگونه با سکوت و تاخیر رژیم  
رضاشاهی آسوده به تدریس علوم دینی مشغول شد  
چگونه آیت الله کاشانی در مجلس موسساتی که  
رضاشاه برای تفسیر سلطنت ارفا حار به پهلوی  
توسیس داد بعنوان نماینده ای طرفدار رضاشاه  
شرکت داشت.  
**میگویند:** کاشانی با استعمار روس و چکها  
مبارزه میکرد.  
**ولسی نمیگویند:** که طی ۲۰ سال دوره سلطنت

هدف ...

مدعی بعنوان نماینده بورژوازی ملی ایران در آن زمان میتوانست نقش مترقیانه ای داشته باشد و یکی از انحرافات بزرگ حزب بوده هم نامیام ۳۰۳۱ عدم درک همین موضع و نقش مدعی نبود مدعی هر چند بلحاظ مشی رفرمیستی خود نتوانست مبارزه قاطعانه ای را علیه رژیم سلطنتی و نظام فئودالی به پیش برد ولی کوششها محدود کردند اختیارات شاه و نیز محدود کردن اختیارات فئودالیها قدمهای اصلاح طلبانه بردارد. برای مثال مدعی در کنار برخی تصویب قوانین که تا حدودی بنفع دهقانان بود طی وصیتنامه ای که به کاشانی سپرده بود منجمله گفت که هر زمینی زراعتی که متعلق به اوست به زراعتی که روی آن زمینها کار میکنند داده شود (نقش از مجله خوانندگیا ۲۱ مرداد ۱۳۳۱) ولی همانطور که در سند شماره ۱ میبینید کاشانی در برابر برهنگونه اطلاعات ارضی میایستاد.

کاشانی در حمایت از شاه نیز شرکت کردهای فراوانی بکار برد که یکی از آنها واقعه ۹ اسفند ۱۳۳۱ بود. کاشانی و آیت الله بهبهانی (که در سرپرستی به دربار شاه معروف همگان بود) طی یک محنه سازی، جمعیت زیادی را به دربار فرستادند تا شاه را که با اصلاح میخواست از ایران قهر کند از مسافرت مانع شوند. بدین ترتیب زمینه تبلیغات وسیعی بنفع شاه و سلطنت و علیه مدعی در این روزها فراهم آمد، که البته با توجه به روند مبارزه طبقاتی درون جامعه، تنها گرانندگان محنه را رسوا ساخت.

حزب جمهوری اسلامی که فرزندان خلف کاشانی و بقاشی امثال دکتر آریست را در درون کمیته مرکزی خود دارد، البته حاضر نیست از خیانتات اسلاف سیاسی خود سخن بگوید. حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه همکاری ها و وحدتیی با حسین مکی (دلال دربار) و دکتر بقاشی (خائن به ملت) همکاران خود تا جمان ۲۸ مرداد دوشنبه در قتل افشار طوسی داشت.

حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه رابطه ای با سرلشکر زاهدی داشت و چرا وقتی زاهدی تحت تعقیب دادستانی ارتش قرار گرفت کاشانی با استفاده از اختیاراتی که بعنوان رئیس مجلس شورای ملی داشت، به او و پناه داد و از او استقبال کرد و از "مراحمتهای که برای او فراهم شده" اظهار تأسف نمود و از "خدمات" او به نهضت ملی ستایش کرد! (۸)

کاشانی با موضعگیریهای شدید اندکومنیسی - اش و وحشی که از قدرت گرفتن کمونیستها



روزهای پس از کودتا، شمس قنات آبادی (با عمامه سیاه) که مدیر مجله آتش و فردی بسیار نزدیک با کاشانی بود با کرباسیجان مدبر بنسرد ملت (اول از سمت راست) و عده ای دیگر در باشگاه افشاران در حضور سپیدزاده هدی نخست - وزیر کودتا دیده میشوند.

عکس از "نبرد ملت" که خود را ارگان فدا شیان اسلام معرفی میکند و هنوز هم منتشر میشود و رسالتی برای خود جز مبارزه با کمونیسم فاشل نیست. عکس فوق را در روزهای پس از کودتا بعنوان یک "افتخار" در سرد ملت چاپ کرده اند.

داشت با ارتحای ترین نیروها که عمال سیاست های استعماری خارجی بودند همدست میشد.

"کاشانی در مجلس شورای ملی با راهی، بقاشی حاشی زاده، میراشرفی (۸)، جمال امامی و

سایر نوکران استعمار برای طرح و اجرای فتنه - های جدید در مجلس جمع میشدند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد

- کاشانی با زنگنه شاه را تبریک گفت  
- کاشانی ۳ روز پس از کودتا (شهریور ۱۳۳۲) به ملاقات سپیدزاده هدی (نخست وزیر کودتا) شتافت (روزنامه شاه ۱۷ شهریور ۱۳۳۲)  
- کاشانی با سپیدزاده هدی ملاقات و رئیس ستاد دولت کودتای ۲۸ مرداد، بقاشی، میراشرفی، و جانش معروف شمس قنات آبادی (که پس از کودتا همراه با میراشرفی حمله بسیار رنگین و مستذل "ت" را برانداختند و زفا سدرترین نشریات ۲۸ مرداد بود) همکاران نزدیک داشت. (سند شماره ۲). سپیدزاده هدی بنا به نقلی طی محاکمه ای که اخیرا انجام شد روابط کاشانی را خوب با کاشانی را افشا کرد که مورد تکذیب رژیم هم قرار نگرفت.



دوایام عاشوراء در منزل شیخان چبری و خانج در شبه دهمه ماهه مجلس مرداداری برقرار بود که غالب شبها بسیاری از رجال و مسترین حضور می یافتند. برورد نیز حالت در گذشت شراهر مغری مجلس خشی برپا بود که بسیاری از رجال دو آن شرکت داشتند

**آیتاله کاشانی در مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز گفت:**  
**تا وقتی که دکتر مصدق، صدر کار است و موجبی برای تغییر کابینه نیست**

ایران سایان دراز حاجت بملطنت دارد و وجود شاه جهت جامعی برای جمع آوری کلیه طبقات مردم است  
ملت ایران نه صد میلیون او را از شرکت سابق طالبگارت و تمام موسسات هت را از آن خود میداند

**بارفعل محاصره اقتصادی ملت ایران دنبال کمونیسم که بادی اسلام مباحثت دارد نخواهد بود**  
**رأی مجلس معقدمات که ۳ زارش هیئت هشت قری قابل مارج در مجلس لست**

روزنامه «دنی» ممبر روزنامه نیویورک تایمز که روزانه صبح در پنجاه و چهار صفحه در نیویورک منتشر میشود و نیز آن قریه یک میلیون میباشد و همچنین «تاریخ» ممبر روزنامه وطن پاره در صفحه ۳

این شماره ۱۲ صفحه و قیمت همان ۲ ریال است

کاشانی آنچنان بیش مردم رسوا و بی آبرو بود که علامه و در سال ۱۳۳۳ دائر سر مخالفت با دادن امتیازات نفت به انگلیس نتوانست نظر مردم را نسبت به او مسامحه سازد.

کاشانی تا سال ۴۰ که زنده بود در آنزوای عبرت انگیزی بسربرد. با وجود این رژیم شاه

میراشرفی پس از قیام مبین بحرم خیانت - های گذشته و همکاران پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد ولی به واسطه همدستیش که در حزب جمهوری اسلامی هستند آزادگشت برای سار دوم که دستگیر شد باز بواسطه نزدیکی بود که نجاش دهدولی دادگاه انقلاب اسلامی امقهان تحسنت قضا مردم او را محکوم به اعدام نمود.

همسنگا شاره میکنیم که سرلشکر زاهدی علاوه بر حمایت کاشانی از حمایت آیت الله بنی صدر (بدر ابوالحسن بنی صدر) که از علمای معروف همدان و صاحب زمینهای وسیع بودند نیز برخوردار بود. زاهدی که خود همدانی بود وقتی توانست از تحمیل در مجلس فرا رکن مدتی در خانه آیت الله بنی صدر مخفی بود تا زمان کودتا فرار کرد.



هدف...

"خدمات" اورا فراموش نمیکرد. خوبش و نسدان نزدیک و سرخی از پسرانش به مقامات عالی دولتی رسیدند. شاه از احوال - برسی میکرد. کاشانی هم تا به آخر به طبقه خود و نمایندگان سیاسی آن رفا دارما ندمتجمله به مجلس بزرگداشتی باید اشاره کنیم که از بی از فوت سلطان محمد پنجم پادشاه مراکش (پدر ملک حسن یکی از سبیل های برجسته فتوادالیم در شمال افریقا) در مسجد

ارگ تهران برگزار کرد (سال ۱۳۴۰) ما بهمین اشارات اکتفا میکنیم (\*) و در بابان چند سندی را در معرض خوانندگان نا خود ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و حزب حاکم (\*\*) آن را از طریق شخصیت های مرده زنده ای که بیای آنها سینه میزنند نیز بیشتا سند .

(\*) - در تهیه این افشاگری کوتاه از کتابهای

بقیه از صفحه ۱۰ بزنگداشت...

حاضر شدند. مزار رفیق با شعارهای "برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق"، "گرامی باد خا طره بیکا رگ شهید محمود صدی" و... و ستاره سرخی از گلهای آتشین زینت یافته بود. بلاک رده سرخی که بر بالای مزار رفیق نصب شده بود، نظر جمعیت حاضر در گورستان را جلب میکرد و گروههایی از مردم با پای برهنه با اینگونه کمونیستها مراسم دارند بسوی مزار رفیق آمدند. ابتدا حاضرین با مشتهای گره کرده یک دقیقه سکوت کردند. سپس پیام زمان خوانده شد. آنگاه ما در رفیق درصیت کوتاهی گفت: "محمود یک کمونیست بود من به او افتخار میکنم" پس از افشاگریهای خانواده رفیق سرود "سرود ایستاده" خوانده شد. و شعارهایی چون: "محمود صدی قسم به خون پاکت راهت ادامه دارد" "خلق بیای میخیزد، جلد خون می ریزد"، "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" و... در گورستان طنین افکند. یکی از بستگان رفیق صن افشای رژیم جمهوری اسلامی گفت "مرتجعین میگویند محمود چه یک فتوادال بود" وی ضمن اشاره به پدر کارگر رفیق محمود اضا فیه کرد: "این فتوادال است" "او، او فرزندی که کارگر زحمتکش بوده که آرمان سرح کارگران و فوادارماند".

پس از فرات پیمای رفقای فدائی (! قلبیست) مراسم جهلم رفیق با شعارهای انقلابی پایان گرفت. در این مراسم تعدادی پادار مزدور سرما به لجن پراکنی هائی کردند ولی بغا طرترس از جوحاکم بر گورستان و بر خوردهای هوشیارانه رفا ستوانستند در بزرگداشت رفیق احلال ایجاد کنند

آنها کاشانی در مصاحبه با خبرنگار یوفخاری: اگر کمکی از خارج برسد دولت زاهدی موفق به حل مشکلات و جلوگیری از کمونیزم خواهد شد  
من راضی نبودم مردم خانه دکتر مصدق را خراب و باو توهین کنند  
با شروع انتخابات ۷۰ نقطه کثرت اکثریت برای تشکیل جلسات مجلس ۱۷ ساحل خراب شد

و آنوقت مجلس تشکیل نمیدادگان نمایندگان را تهریزی اهد کرد  
پس از فرار ادم، دکتر مصدق موفقت دست خود شد و دستش را زد



عصر در روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۶۰ در تهران. نمایندگان آسوفیه و س و د...: میر، ادهی و نقزل بروکسینک گوت و باطرت آیدان کاندلر و صادم کرده و میر و... و کسبا پروکسینک پروتازین شاپور داری شوره پنکس پروتازین پروتازین آیدان کاندلر ۱۰ فروردین ۶۰

"گذشته چراغ راه آینده"، "جا بگاه مبارزات روحانیون ایران" دوره مجله خوانندیشها ۱۳۳۱ و سرخی شماره های روزنا مه شاه و آسبای جوان و دیگر جرایدان سالها استفاده شده است.

(\*\*) - منظور ما از حزب حاکم، بر خور داری این حزب از موقعیت برتر در قدرت سیاسی است.

بقیه از صفحه ۱۰ بیاد...

به مقاومت در مقابل ارتجاع دعوت میکرد. ما هرگز فراموش نخواهیم کرد که چگونه رفیق محمود ما هیت ارتجاعی جنگ ورژیم را نزدیک کرده ها افشا کرده و آنرا تا آنگاه مینمود.

رفیق را بیش ازیکما در بر بند زندان جمهوری اسلامی شکنجه کردند ما ارتجاع آنجا نیز شکست خود را به چشم دید و رفیق را به جو خه اعدا مسپرد. و ستاره درخشان دیگری بر آسمان جنبش کمونیستی ایران و جهان نشست.

رفیق محمود! ما با خون تو جدید عهد میکنیم. ما ایمان داریم که با به خاک افتادن یک کمونیست صدها کمونیست دیگر سلاج اورا بر میگیرند و براه او میروند. ما ایمان داریم که کمونیستها هیچگاه نهمیم بر بند و با دشان در قلب زحمتکشان همیشه زنده است.

رفیق محمود! ما تا گردان دست برورده توسا ر دیگر عهد میکنیم که تا بر قرار ی جمهوری دمکراتیک خلق و تا بر قرار ی سوسیالیسم و کمونسم یک دم از مبارزه با زنا یستم.

شاگرد رفیق محمود  
ارتجاع و وحشت زده از آگاه شدن توده ها نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی از بلندگیوی اصلی گورستان مرتباً اعلام میکرد که: "بطرف قبر آخری نروید، کافر هستند!"  
خون سرخ کمونیستها و انقلابیون با آنها و راه آنها را زنده نگه میدارد. ولدا موجب وحشت ارتجاع است.  
خاطره سرخ رفیق شهید محمود صدی گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱۷ آوارگان...

و پس نشان دهنده ختم روز افزون توده ها از ظلم و ستم رژیم و روحیه تعرضی آنها نسبت به جمهوری اسلامی است اما حرایات این مبارزه از طرف دیگر نشان دهنده است که هنوز آتش خشم آنها تنها سمت و سوی بحثی از رژیم یعنی جناح حزبیه دار دولسیرا لنها هنوز آتش خشم توده ها نسبتاً ممن مانده اند.

وظیفه کمونیستها و انقلابیون پیگیر است که با شرکت در مبارزات توده ها و افشای هر دو جناح ارتجاعی رژیم وجهت دادن مبارزات توده ها به سمت کل رژیم، مبارزات زحمتکشان را ارتقاد و بنا بودی کلیه ارتجاعیون و جنایتکاران خلق را نزدیکتر سازند.

۵۹/۱۲/۲۴

بقیه از صفحه ۱۸ فیلم...

بسته بود "چرب تراست". رژیم جمهوری اسلامی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و پرداخت حتی قسمتی از دستمزد زحمتکشان بودجه ندارد اما برای ادامه برنا مه های غارتگرانه رژیم شاه و ساختن فیلم و شهرکهای مصنوعی چند میلیون تومان بودجه دارد! خوب! تبلیغ فرهنگ ارتجاعی و تحمیق توده ها هم خرج دارد دیگر!!

مبارزه انقلابیون در بند ادامه دارد!

از اولین روزهای سال نوا انقلابیون در بند در زندان اصفهان در اعتراض به فشار شکنجه و تهدیدهای رایج در زندان و نیز جهت مقاومت و اعتراض به "همبند بودن با ساواکی ها و مزدوران سرسپرده رژیم شاه ابتدا یک شب را در راه روزندان بسر بردند ما با یورش پاداران سرما به روبرو شده و دو نفر از مبارزین به سلول انفرادی منتقل شدند. زندانیان انقلابی تسلیم فتا رها، تهدید و اربا پاداران ارتجاع شده دست از مقاومت برنداشتند. انقلابیون در بند جهت اعتراض به این شیوه های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زدند. شکنجه و آزار روز افزون انقلابیون در بند در شرایطی صورت میگردد که عده ای از مسز دوران مرتجع نظیر حسن کلیمیان (سرما به دار بزرگ)، استوارزاده زرسیردگان رژیم شاه، نیسل - فروشان رئیس کلانتری هما یونشهر که متهم به ۱۱ فقره قتل میباشد، بیگدلی از عوامل کودتای سال گذشته و... از زندان اصفهان آزاد شده اند. نوظئه ارتجاع غلبه انقلابیون افشا باید گردد! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید گردد!

مختصر شده از اعلامیه تشکلات اصفهان

۱۳۶۰/۱/۲

نقشه از صفحه ۲  
سر مقاله ...

دولت را از مفهوم استراتژیک آن تهی سازند. استراتژی انقلاب، وظیفه متحقق کردن اهداف برنامهای انقلاب را برعهده دارد که البته از نظر کمونیت ها این اهداف، برنامها حداقل - در صورت لزوم - برنامها حداقلی بیرون را شامل میشود) و وظیفه اساسی استراتژی تعیین آن جهت اصلی است که نهضت طبقه کارگر با بدریغ بگیرد و جهتی که در آن بیرون را میتوان در صورت اصلی را به منظور تحقق بخشیدن به هدفها یعنی که در برنامها منظور شده است، بنا تا تیر هرحه بیشتر برداشتن وارد آورد. (۳). تعیین سیاست در برابر یک دولت معین، در واقع به معنای تعیین این است که در طول یک مرحله معین از انقلاب، چه طبقه یا طبقاتی می باید است سرنگون شوند، چه طبقه یا طبقاتی می باید است متحد و با سرنگونی نیروی طبقاتی فوق، قدرت خویش را مستقرا سازند. تعیین سیاست در برابر دولت، به مفهوم تعیین سیاست در برابر طبقه یا طبقاتی است که دولت منافعی آن را نمایندگی می کنند. از جانب دیگر آنجا که یک نیروی انقلابی، مبارزه با یک دولت معین را به منظور جایگزینی دولت و قدرت سیاسی مورد نظر خویش، با ضرورتی میبشمارد، بنا بر این، مسئله دولت و سیاست نیروهای انقلابی در برابر آن قبل از هر چیز یک مفهوم و معنای استراتژیک پیدا میکند. که در شرایط متعارف حرکت انقلاب این سیاست بهیچ وجه نمیتواند ندرستی با سیاست تجزیه گردد. مسئله سرنگونی یک دولت، بیسک مسئله برنامهای و نیز استراتژیک است و نه یک مسئله تاکتیکی. چرا که معنا و مفهوم آن دقیقاً از درون ارزیابی از مناسبات اساسی طبقاتی و آرایش نیروهای جامعه و خلعت انقلاب در مرحله مورد بحث نکل میگردد. اشتباه و انحسار فحاصه هین در این است که مقوله دولت را به یک مقوله تاکتیکی تنزل میدهند و بنا بر این برای خود جایز می شمارند که بدون توجه به اهداف برنامهای انقلاب در مرحله کنونی، بدون توجه به اینکه در برنامها آنها، جهت دلتی می باید است سرنگون و جهت دلتی جایگزین آن گردد. (۴) این جایگزینی چگونه صورت میگردد (و این هدف برنامهای چه انعکاسی در سیاست عملی آنها در برابر رژیم معنی دارد، مبارزه با یک جناح از هیئت حاکمه را جایگزین مبارزه با دولت به مفهوم طبقاتی آن می نمایند. و با ایجاد مراحل کاذب برای انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی حاضر، بهمان شیوه ای که روبرویونیست های کهنه کاری چون حزب توده در آن شبح درازند، تئوری اپورتونیستی مراحل راننده میگردد اند در یک استراتژی انقلابی، مقوله دولت، تجزیه - پذیر نیست که سرنگونی دولت و جایگزین دولت نوین انقلابی نیز بدست تئوری مراحل سپرده شود و گام به گام و مرحله به مرحله صورت گیرد. چرا که متحدین و دشمنان انقلاب، در طول مرحله ای که دولت مزبور به عبارت وسیعتر سلطه سیاسی

طبقه معین برقرار است، تغییر اساسی بخود نمی پذیرد و ذخایر اصلی انقلاب ثابت و لایتنفر هستند. مگر آنکه درکی زرفرمیستی از مقوله انقلاب، دولت و سرنگونی داشته باشد و با اینکه بطرز اپورتونیستی و روبرویونیستی مرزهای جبهه انقلاب را تا درون قدرت سیاسی حاکم گسترش داده و جناحها و جریانها را از نیروهای حاکم را در صفوف انقلاب قرار دهیم. مجاهدین با چنین انحرافی دریا به حرکت خویش، به تحلیل از اوضاع و تعیین سیاست در برابر دولت می پردازند. مختصات اساسی این سیاست را در سه محور میتوان بیان نمود، که مجموعاً میتوانست بروشنی درک لیبرال - رفرمیستی مجاهدین را از مسئله دولت نشان دهد.

۱- "مانع اصلی کدام است؟" مجاهدین بدرستی میگویند که "برای دگرگون کردن شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب باید در درجه اول عوامل و به خصوص علت اصلی بوجود آورنده آن را بشناسیم و مانع اصلی را که پیشرفت و بهبود امور را سد کرده است، تشخیص دهیم و تمام توان و کوشش خود را در جهت رفع و دفع آن سمت دهیم." (۴) اما مسئله این است که اولاً چه درکی از مفهوم "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" و مسئله "دگرگون کردن آن" داریم و با به عبارت دیگر چه درکی از مفهوم "انقلاب" داریم و ثانیاً، "مانع اصلی" موجود بر سر راه "انقلاب"، به مفهوم انقلابی آن را، در چه چیز میدانیم. از نظر ما شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب، از زاویه بسک درک انقلابی، چیزی جز محرومیت و رنج و ستمی که در همه عرصه ها بر طبقات محروم و تحت ستم جامعه، از جانب نظام سیاسی - اقتصادی حاکم اعمال میشود، نمیباشد. شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب از دیدگاه انقلابی، نه فشار است که از طرف یک جناح از طبقه مسلط بر جناح دیگر، یا یک نیروی ارتجاعی حاکم بر علیه نیروی ارتجاعی حاکم دیگر، بلکه ستمی است که از سوی طبقه یا طبقات مسلط بر توده های تحت ستم و انقلابی مردم، وارد میشود. لیبرالها همدر شرایط کنونی از "و خامت اوضاع" و "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" سخن میگویند، همچنان که در دوره رژیم شاه نیز سخن میگفتند، اما میان درک آنها از این مقولات با درک انقلابی تفاوت ماهوی وجود دارد و وظیفه انقلابیون درست در این است که میان این دودرک مرزدقیق بکشند و از مخدوش شدن این مرزها جلوگیری کنند، کاری که مجاهدین انجام نمیدهند! بر این اساس مفهوم انقلاب نیز چیزی جز از میان بردن رنج و ستم طبقاتی بر طبقات محروم جامعه، معنای مفهوم دیگری نمیتواند داشته باشد. بنا بر این دربارت زشنای علت اصلی اوضاع نابسان در یک جامعه طبقاتی همچون جامعه ایران، چیزی جز شناخت علت اصلی فلات و تیره - روزی توده های تحت ستم مردم، نمیباشد. همان علتی که به مثابه "مانع و رادع اصلی" در برابر انقلاب و تکامل آن، یعنی در برابر هرگونه اقدام انقلابی در جهت بهبودی، وضعیت زحمتکشان جامعه

عرض اندام میکند. بدین قرار با بد سوال کرد که "مانع اصلی" در برابر انقلاب ایران کدام است و علت اصلی اوضاع ناگوار و نا مطلوب موجود به زیان زحمتکشان، در کجا نهفته است. مجاهدین به این سوال اساسی است که پاسخ انحرافی و رفرمیستی میدهند. هیچ کس نمیتواند، حداقل در حرف، این نکته را مورد تردید قرار دهد که در مرحله فعلی انقلاب، امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به مثابه یک نظام ارتجاعی علت اصلی تیره روزی و فلات طبقات انقلابی و محروم جامعه میباشد. بنا بر این، برای دگرگون کردن اوضاع ناگوار و نا مطلوب کنونی به نفع زحمتکشان جامعه، هیچ راهی جز نابودی سلطه امپریالیسم در همه عرصه ها و سرمایه داری وابسته، وجود ندارد. به لحاظ سیاسی، آن قدرتی که به پای ساری از این نظام مشغول است و به نامین زمینها و شرایط تولید و با تولید این نظام ارتجاعی میپردازد و لاجرم در این راه، به سرکوب انقلاب میپردازد عامل اصلی اوضاع "ناگوار" و "خیم" فعلی، در عرصه سیاسی میباشد. اگر در دوره گذشته، رژیم شاه، به مثابه یک دولت بورژواکامپرادور و کارگر - گزار امپریالیسم، به چنین وظیفه ای مشغول بود، اینک و پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی، در مکتب خویش چنین "مسئولیتی" را برعهده گرفته است. تغییر در ترکیب قدرت سیاسی، بعد از قیام به هیچوجه، تغییری اساسی در عملکردهای اساسی دولت به مفهوم طبقاتی آن، یعنی از یک سوتامین شرایط تولید و با تولید این نظام ارتجاعی موجود و از سوی دیگر سرکوب انقلاب و مبارزات توده ها بر علیه این نظام، بوجود نیاورده است و درست در همین عملکردهای اساسی است که دو جناح رژیم جمهوری اسلامی و در یک کلام کل هیات حاکمه با یکدیگر توافق و وحدت عمل دارند.

تجربه دوسالها کمیت رژیم کنونی، نشان داده است که هیچ یک از دو جناح، دربارت زسازای سیستم موجود - سرمایه داری وابسته - هر چند به اشکال جدید و متفاوت از گذشته و سرکوب مبارزات توده ها در این جهت تردیدی بخود راه نداده است توده های مردم در هر گامی از مبارزه خود، بر علیه نظام مستقر، ناگزیر در برابر دولت و ارگانهای سرکوب آن قرار گرفته اند. در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی، بروی توده های مردم، لیبرالها و جناح حزبی به اصطلاح "انحصار طلب" فرق چندانی نداشته اند. اینکه یک جناح، به دلایل تمرکز بیشتر قوای دولتی در دست خویش، نقش بیشتری در سرکوب داشته است، هیچ تغییر اساسی در مسئله فوق نمیدهد. طبقه کارگر در مبارزه خویش با سرمایه داری و دولت سرمایه دار، به همان میزان خویش را روبروی جناح لیبرال حکومت دیده است که با جناح "حزب" خلق کرد، در مبارزه با ظر خواستهای عادلانه اش، هر دو جناح را یکی در برابر خود دیده است. خلق ما از خاطرنبرده است که دوره نخست وزیری با زرگان، چه جنایتهای و خیانتها، بر انقلاب و خلقها توسط همین دولت



وارگان آن رواداشته شد.

بنا بر این، زدیدگاه انقلابی، مانع و رادع اصلی در برابر تکامل انقلاب ایران، نه این جناح با آن جناح بلکه کل قدرت سیاسی حاکم همه جناحها در چارچوب دولت بورژوازی حاکم، میباشد. و این همان چیزی است که مجاهدین آنرا به دست "فرا موشی" میسپارند. آنها بر آنند که مانع و رادع اصلی انقلاب، یک جناح از رژیم حاکم یعنی "انحصار طلبان" و علت اصلی "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" فعلی در "حاکمیت انحصار طلبان" میباشد. این درک عملا زهد درک لیبرالها از مانع و رادع اصلی اوضاع فعلی، فراتر نمیروود. چرا که این مانع را نه از زاویه منافع انقلاب، و این شرایط نا مطلوب رانه در رابطه با شرایط و اوضاع نابسا مان توده های محروم جامعه، بلکه از زاویه لیبرالها، یعنی از زاویه حرص و ولع "انحصار طلبان" در جهت قبضه کردن قدرت سیاسی در دست خود، مورد نظر قرار میدهد. نیت مجاهدین هر چند هم که خیر باشد و قلب آنها هر چند برای توده های زحمتکش بطیبه مضمون خط مشی سیاسی آنها، هیچ معنایی جز مفهومیوم فوق ندارد.

مجاهدین میگویند: "در بررسی علت اصلی اوضاع کنونی با توجه به موقعیتی که چه به لحاظ آما دگی و عزم توده های مردم و چه به لحاظ زمینه ها و امکانات مادی گفته شده بدون شک با بدریسه مشکلات را در حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب جستجو کنیم؛ ما در موارد متعددی این حقیقت را بیه تفصیل توضیح و نشان داده ایم که اوضاع کنونی چیزی جز نتیجه عملکردهای جریان انحصار طلب حاکم پس از انقلاب زمان ما موردا در دست گرفته و بتدریج تمام مواضع کلیدی حاکمیت و قدرت را در قبضه ای انحصاری خود در آورده است، نمیباشد." (۵) مجاهدین از "حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب سخن میگویند و علت اصلی اوضاع کنونی را در این حاکمیت میداند. اما لیبرالها از این حاکمیت بناگهان حذف میشوند و "انصار طلبان" به جای کل حاکمیت سیاسی می نشینند و بدین ترتیب عملا لیبرالها، بمنابهای از عوامل سد کننده راه انقلاب ایران، در کنار "برادران حزبی" خویش، در چارچوب کل دولت بورژوازی از دایره تعرض توده ها خارج میگرددند و نقش آنها در شکل دادن به اوضاع کنونی پوشیده میماند. برپایه این تحلیل، معلوم نیست که با لاف و آداب دولت با زرگان در برابر انقلاب قرار گرفته بود یا نه؟ و آیا "عملکردهای" آن، در پی وجود آوردن شرایط و اوضاع نامسا مان توده ها، بی نقش بوده است یا نه؟ ما همدین به این سوالات پاسخ نمیدهند هر چند که با تحلیل فوق عملا به آن پاسخ منفی گفته اند.

۲- مجاهدین مسئله سرکوب انقلاب: از یک دیدگاه انقلابی (و نه صرفا فاما رکیستی)، سرکوب را باید به مثابه مهمترین عملکرد طبقات ارتجاعی حاکم، در جهت تامین شرایط زیست و باز تولید

نظام طبقاتی حاکم، بشمار آورد. بدین معنا که بورژوازی برای برپا نگهداشتن استثمار سرمایه داری بطور کلی و سرما به داری وابسته بطور مشخص در جامعه ما، نیازمند مقابله با هر گام از مبارزه توده ای و هر قدمی از جانب آنها که بخواد به دایره نظام حاکم تعرض نماید، میباشد. بورژوازی برای تامین این امر، از همه وسایل و طرق و شیوه ها سود میجوید. بنا بر این امر سرکوب از طرف بورژوازی تنها محدود به بکارگیری ابزارهای قهر بورژوازی و دستگا ه نظامی - اداری آن نمیشود، بلکه همچنین ابزارهای ایدئولوژیک را نیز در این مسیر بکار میبندد. بورژوازی نه تنها بشکل قهری و از طریق ارگانهای سرکوب نظامی، بلکه از طریق فرمهای و ادانتیبات محدود، و نیز از طریق نهاد های ایدئولوژیک خود بشکل تحمیق توده ها و القای ایدئولوژیک و تفکرات ارتجاعی و بازدارنده انقلاب، دست به سرکوب انقلاب و توده ها میزند. از سوی دیگر ما نظریه دربار لگنیم، سرکوب را با بد از زاویه منافع انقلاب و توده ها، مورد نظر قرار داد. و تنها از این دیدگاه است که میتوان مظاهر واقعی هر گونه سرکوبی را در مقیاس وسیع در همه عرصه های زندگی و مبارزه توده های تحت ستم بدرستی تشخیص داد و سیاست صحیح را در برابر آن اتخاذ کرد. بر این اساس میتوان دهافت که در طول دو سال اخیر آنچه چیزی که اتفاقا جنبه وحدت همه جناحهای رژیم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میداده و میدهد، همانا سرکوب انقلاب و تامین الزامات زیست و بقای نظام حاکم است. شما هیچ موردی را نمیتوانید بیابید که در جناح بر سر نفس "سرکوب" اعتمادات و مبارزات کارگران در کارخانه ها، اقدامات مستقل و انقلابی دهقانان در روستا ها، جنبش های خلقها در مناطق ملی، مبارزات توده ها در جهت تامین آزادیهای واقعا دمکراتیک... و با لاف و سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست اختلاف داشته باشند. کارخانه دولت با زرگان، در طول ۸ ماهه سابق، به اندازه کافی گویای این امر است. بر این اساس وقتی لیبرالها با شیوه های خشن و عربان جناح حزبی در سرکوب، شیوه "چما قدری" مخالفت میکنند، این مخالفت، اولاً جز مخالفت با بکار افتادن این چماق بر سر خود لیبرالها، برای زدن آنها از قدرت سیاسی نیست، ثانیاً، جز مخالفت با شیوه ای که اساس نظام سیاسی را، در شرایط اعتدالی آگاهی توده ها، به زیر سوال میکشاند (که اینک هم اکنون جناح حزبی را حدوداً به زیر سوال کشانده است) نمیباشد.

مجاهدین، از سرکوب عملا چنین درکی را ارائه میدهند، زمانیکه، "چما قدری" را نه بعنوان وجهی از سرکوب توده ها توسط بورژوازی (جناحی از آن)، بلکه صرفا به عنوان عملکرد یک جناح تبلیغ و ترویجی میکنند. مجاهدین، با جدا کردن "چما قدری" از مجموعه عملکردهای سرکوبگرانه رژیم بورژوازی، و با محدود کردن دامنه دید و تحلیل خود از سرکوب، به همین وجه از عملکرد

جناحی از رژیم، آن را از مضمون طبقاتی خود تهی مینماید و مضمونی به آن میبخشد که باب طبع لیبرالهاست. بی جهت نیست که در تمام تبلیغات و نشریات مجاهدین، هیچ نشانی جز "هوا ردهی معدود و آنهم بطور مبهم و گنگ و گساده انحرافی - از افشای رژیم در سرکوب خلق کرد و کشتارهای بی حساب و وحشیانه این خلق تحت ستم، بیافت نمیشود. و این در حالی است که زخمی شدن یک هوادار مجاهدین بدست چماق - داران رژیم جمهوری اسلامی، بطور وسیعی صفحات نشریه آنها را بخود اختصاص میدهد (روشن است که منظور عدم افشای بر علیه این تعرفات ضد انقلابی رژیم نیست) و با تعرض به فلان و بهمان شخصیت سیاسی اپوزیسیون رژیم، دمکرات یا لیبرال، از جانب دارو دسته های حزب جمهوری اسلامی، بطور وسیعی در صفحات و تبلیغات این نشریه انعکاس میابد. آیا این سوال برانگیز نیست که مجاهدین به عنوان مثال در برابر ترور و اعدام بسیاری از هواداران نیروهای کمونیستی بویژه سا زمان ما، مهر سگوت بر لب زدند و افشای آن هیچ جاشی برای خود در نشریات مجاهدین پیدا نکرد؟ در فرهنگ سیاسی مجاهدین، حمله به لاهوتی و یا حمله به فلان میتینگ لیبرالها بوسیله چما قدران، معنای "سرکوب" را دارنده کشتار خلق کرد و یا کشتار روتورا انقلابیون کمونیست و فرستادن پاسداران برای سرکوب کارگران کارخانه ها، با این درک محدود از سرکوب و "چما قدری"، طبیعی هم هست که مجاهدین "وامت اوضاع" را تنها از عملکرد جناح انحصار طلب حزب جمهوری اسلامی، ببینند. و تنها این جناح را ما نخب "پیشبرداران انقلاب" قلمداد میکنند. در این فرهنگ و پیشش، لیبرالها از چما قدری مترواز مجموعه دستگا ه سرکوبگری رژیم مجزا میگرددند و مخالفت آنها نسبت به چما قدری، عملا همان مخالفت توده ها با این پدیده به مثابه جلوه ای از سرکوب بورژوازی جلوه گر میشود. مجاهدین با بدیدانند که خلق کرد، قبل از اینکه با پدیده ای به نام چما قدری روبرو باشد، با دستگا ه سرکوب رژیم ارتش لیبرالها، پاسداران حزب جمهوری... روبروست و کل رژیم را در برابر خود ایستاده میبینند. مجاهدین هر چه فریاد برآورند که حساب لیبرالها از ما جداست و همسویی ما "تاکتیکی" است، سیاست آنها، فراتر از نیت آنها، مضمونی جز این بدست نمیدهد که دایره پیشش و استنباط مجاهدین از مسئله سرکوب و چما قدری، از دایره پیشش و تفکر لیبرالها از این مقوله، فراتر نمیروود. در غیر این صورت مجاهدین هرگز به خود اجازت نمیدادند که متحدین به اصطلاح تاکتیکی از میان لیبرالها، حول مقوله ای به نام سرکوب از ادبهای دمکراتیک برگزینند، مگر آنکه مخالفت خویش را با این سرکوب از ادبها تا حد خواست تما یل و مخالفت لیبرالها، به عقب بکشانند.

۳- "خلع بد" از یک جناح رژیم، یک شعار فرمیستی

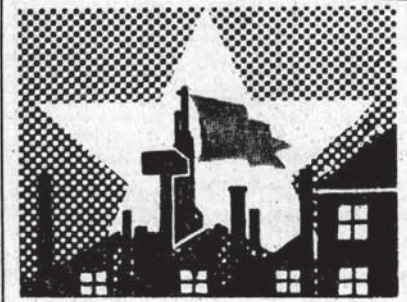


### مأموریت جدید صادق طباطبایی

طبق اخباری که رفقای هوادار در خارج از کشور بدست آورده اند، صادق طباطبائی سخنگوی مرتجع "دولت بازرگان" برای مذاکره با مقامات امپریالیسم بلژیک در هفته های آخر سال ۵۹، به بروکسل مسافرت کرده است. رفقای ما در صدد تحقیق بیشتر در مورد اهداف سفر این خائن میباشند اما اطلاعات اولیه حاکی از این است که وی در جهت خرید سلاح از امپریالیستهای بلژیکی مذاکراتی انجام داده است. این سفرهای مخفیانه و خریدهای اسلحه در شرایطی مسورت منگبرده رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک و کوههای خوددم از عدم خرید سلاح از خارج... میزنند. سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی که ادعا دارند دنیا بد چینی را از مردم پنهان کرده، بسا ملاقاتهای مخفی به زود بدین امپریالیستها و دیگر مرتجعین مشغولند.

### یادی از... ۳۲

بفیه از صفحه ۳۲  
نشدر برای سرکوب خلق قهرمان کرده گردستان برود و در مقابل به تبلیغ حقانیت مبارزه دلاور - نه خلق کرد در میان ارتشیان جوان میبرد اذت در هنگام کشتار خلق عرب بدست ژنرال مدنی جلاذ رفیق نا سرکه در آن زمان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق بود با استفاده از امکانات ارتش یکدم از تبلیغ و فعالیت انقلابی بازمی ایستاد بین از در غلطیدن بخش بزرگی از سازمان چریکهای فدائی خلق بطور کامل بدامان رویز یونسم رفیق ناصر با آشنائی و تمایس با منشی و سیاستهای سازمان. ما به صف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگریست. رفیق ناصر منکوشید با زبان ساده اعلامیه ها و مقالات سازمان را برای سازمان و همکاران جوانش توضیح دهد و آنان را در بیستن به صفوف انقلاب ترغیب نماید. پس از آغاز جنگ ارتشائی ایران و عراق رفیق ناصر قهرمانی با شناخت و آگاهی به ماهیت جنگ در جهت انجام وظایف تشکیلاتی و تبلیغ در بین سازمان به جبهه های جنگ رقیست و در راه افشای رژیم جمهوری اسلامی دفاع از آرمان سرخ طبقه کارگر گانش را نیز فدا کرد. بادش را کرامی میداریم و راه سرخ اورا تسنا بیروزی انقلاب برقرار می جمهوری دمکراتیک خلق و هنرا زیر جومسوسا لیسیم بر فرار از ایران همچنان ادامه میدهم!



رفرمیستی خلق بد، جا بگترین شیوه انقلابی و قهری سرنگونی میگردد. همچنین زمانی که یک جناح از مجموعه یک رژیم ارتشائی مجراگر دیده و بطور محزنازل نظام سیاسی مورد هدف قرار گیرد، روشن است که دیگر شعا سرنگونی این جناح، شعاری بوج ویی معناست و یگا ریسردن شهرا انقلابی در این رابطه امری خنده آور و مضحک جلوه گر میبود. تحقق این شعار رفرمیستی تنها از طریق شیوه های رفرمیستی امکان بدیسر خواهد بود. "خلق بد" همان نامی است که معاهدین بر شعا خود نهادند، بخوبی این مضمون رفرمیستی را به نمایش میگذارد. بنا بر این روشن است که تحقق این شعار نه از طریق انقلاب، بلکه از طریق بندوبست هائی با جناح لیسرا لیا صورت گیرد، و یا حداقل کوششهای مردم، نه حول تخاص "پاشین" و "بالا"، بلکه حول تضاد میان دو جناح ارتزیم بسج گردند.

شعار رفرمیستی "خلق بد" از یک جناح اذهان توده ها را نسبت به علت واقعی و خامت اوضاع در جامعه و شرایط نامطلوب به زندگی زحمتکشان منحرف میسازد، درک طبقاتی از مفهیم سرکوب را از آنها میگردیدک درک محدود لیسرا لیا را جا بگزین آن میسازد، آنها را از سنگبری در جهت کل نظام سیاسی حاکم، منحرف میسازد، و به سمت یک جناح معطوف میسازد، جا بجائی در قدرت در جها رجوب نظام سیاسی حاکم را "راه نجات جلوه میدهد و در چنین چهار چوبی، بهبودی اساسی در اوضاع و احوال را نوسید میدد، شیوه های انقلابی مبارزه را از آنها بلت میکند، ایده سرنگونی قهرآمیز را از ذهن آنها میزاید و شیوه های مسالمت آمیز و غیر انقلابی را در میان آنها تبلیغ میکند و شکل مسالمت آمیز انتقال قدرت را جا نشین آن می نماید. شعار "خلق بد" معاهدین، در واقع بسا ده کردن برنا به لیسرا لیا در جهت کسب سهم بیشتر و بنا قدرت و اتحاد انتظامی و یکبارگی در نظام سیاسی موجود است، چیزی که بیروزی برای غلبه بر بحران فعلی بشدت به آن نیاز دارد. در صورت تحقق چنین شعاری، بر بنده اصلی نه توده ها و نه معاهدین، بلکه لیسرا لیا بطور خاص و بیروزی از حاکم بطور کلی خواهد بود. معاهدین در این مسرتنها آتن نیاز سرکه خواهند بود، و لیسرا لیا، این رباکاران عرصه سیاست، در فریاد تحقق (فرضی) چنین شعاری معاهدین را، در صورتی که نخواهند به امثال و فادار بمانند، با نوک چکه زنا الهیستای "آزادخواه" خود، یکناری خواهند زد.

\*\*\*\*\*

- (۱) - رجوع کنید به آخرین شماره ما حبه مسعود رجوی، در مورد سازمان ما، مجله شماره ۱۰۴
- (۲) - نقل مولنیا در داخل کومه ار مقاله مزور است
- (۳) - استالین - درباره استراژی و تاکتیک
- (۴) - سرفانه "معاهد" شماره ۱۱۲ (با کداز ماست)
- (۵) - همانجا - (با کداز ماست)

ندین ترتیب زمانی که معاهدین نه کل قدرت سیاسی بلکه جناحی از آن، جناح "انحصار طلبان" را مسئول اوضاع فعلی و علت اصلی وضعیت "ناسا مان" کینونی معرفی میکنند، زمانیکه یک درک محدود لیسرا لیا از سرکوب را جا بگزین درک شبقائی و انقلابی از آن منما بند و آن را صرفا محدود به عملکرد یک جناح یعنی حزب جمهوری اسلامی میکنند. بنا بر این در راه طریق رهائی زراد نجات بسز میسازد "دفع شر همین جناح را در سر لوجه سیاست خود ضار دهند و شعاری گونی بیروزی از حاکم را به مثابه نیروی اصلی انقلاب و علت اصلی فلاکت و سرده خئی سوده های تحت - متم، به دفع شعاری رفرمیستی "خلق بد" از یک جناح ارتزیم، سرکوبند، هر چند که این سرکوبش را تحت پوشش "تاکتیک مرحلستای" ترتیب میسازند. معاهدین میسوزند: "تا وقتی این دربان/ حاکمیت انحصاری خود را بر علیه شئونات مملکت حفظ کند، هیچ بهبودی سیاسی در اوضاع و احوال بدین نخواهد شد و چشم انداز روز بروز تیره - برخواهد شد. بنا بر این برای بیرون آمدن از اوضاع وحشی گونی، و تضمین آینده انقلاب پیش از هر چیزی باید این مانع اصلی را از سر بیسترت مملکت و انقلاب بسپودا موروا و جامع بر طرف نموده به عبارت بسا بدیسرا از هر چیز بدست اسس جریان و ایادی و عوامل آسرا از سر - سر دم و مملکت کوتاه کرد. "... بسا بر این خلق بند از حزب حاکم و عوامل و ایادی انحصار طلب آن در کلبه نوا و شیوه های کشور طرح نخستین اصلاح امور و تدوین انقلاب و اولین قدم اساسی در راه نجات است. این صورت مرحله ای انقلاب است و بدون تحقق آن راهی بروی خروج از اوضاع وخیم کینونی و غلبه بر خطرات و تهدید هائی که نتوچه انقلاب شده است نخواهد بود. " (همانجا)

خلق بد از جناح انحصار طلب، و قطع دستهای آن از شئونات مملکت، همان شعاری است که رورما مع انقلاب اسلامی، ارگان رئیس جمهوری، بسوژه در روزهای اخیر صراحت آن را مطرح کرده و میکنند. شعاری که بر اساس آن، یک جا بگشتی قدرت در جا رجوب نظام سیاسی و رژیم حاکم، میان دو جناح، بسوید لیسرا لیا و به زبان جناح "حزبی" صورت منگبرده، معاهدین در حقیقت شمسار برنا مدای خود را عملا نحد شعاریها و خواسته های برنا مدای لیسرا لیا در عرصه سیاسی، به یاسر کشیده اند. معاهدین "راه نجات" انقلاب را در "خلق بد" از حزب و لاجرم حفظ و بقای لیسرا لیا در قدرت مسا بند و لیسرا لیا سر بقای انقلاب" سخوان بنای سیم حاکم را، در محدود کردن دامنه قدرت جناح حزبی و یا حداقل حذف آن از قدرت منسازد. راه نجات "معاهدین" یا "راه نجات" لیسرا لیا در اینجا بسا کد گرتلانی میکند و سر هم منطبق بشود.

روشن است زمانی که سرنگونی دولت است بیروزی از برنا مدخف کرد و بسو حذف شد. جناح محدود گردید، در کینونی این امر نیز بشو



### "اعتراف" جمهوری اسلامی

بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی روز شب داد میزند که کمبود ما بحتا مردم مناطق جنگ زده دروغی است که "فدائیانقلاب" (سخوان نیروهای کمونیست و انقلابی) "شایع کرده اند!" و ما ما ز فراوانی مواد غذایی و... دم میزنند و البته در این مورد "شاهد" هم دارند و گویا برای اثبات "ادعای خود" برادران یا سداو احمیا نارتنی مصالحه های تلویزیونی برآمی اندازند اما واقعیت چیست؟ سندیر صحت گفته های کمونیست را تا شید می کنند (گرچه ما را به تا شید ارتجاع نیازی نیست و واقعیت ها بهترین گواه بر صدق گفتار و عمل ما است).

ارتجاع در مکاتبات داخلی اش برای مقابله با "تاریخ عمومی" که در رخدود ما از روزگار رژیم جمهوری اسلامی در خواهد آورد - وضع بد ارتجاع در خوزستان اعتراف میکند.

دیگر لیبرالهای خیانت پیشه به سر دستگاری بنی صدر، ما به سر خود زدن و به اصطلاح افشای مکتبی ها داد و فغان راه می اندازند که "بیت - المال" داره به تاراج میرود، اما کیست که نداند که تمامی این قراردادها از طریق بانک مرکزی انجام میگردد که رئیس آن "علیرضا نویری" از نورچشمی های بنی صدر میباشد. توده های آگاه بخوبی میدانند که هر دو جناح رژیم جمعه - صوری اسلامی با بستن این قراردادها از یک قطب - صرف و سرکوب مبارزات توده ها از طرف دیگر، بسرعت بندهای فزیده خورده و وابستگی را ترمیم کرده و نقش خود را در خدمت به امپریالیستها به بهترین صورت اجرا میکنند. اما جنبش توده ها اجازت نخواهد داد تا رژیم ارتجاعی حاکم همچنان به خیانتهای خود ادامه دهد. آری انقلاب زحمتکشان به این خیانتها و حیات رژیم حاکم پایان خواهد داد.

\*\*\*

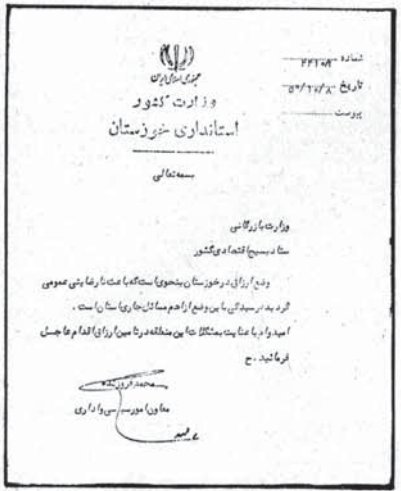
طبق اخبار رسیده حدود چند ماه پیش "تربیتی" رئیس سازمان قند و شکر ایران با نظارت رجائی و بهزاد نسیمی و با واسطگی یکی از دلالتان بین - المللی اقدام به خرید ۲۰۰ هزار تن شکر مینماید جالب اینکه این قرارداد هنگامی بسته میشود که قیمت شکر در بازارهای امپریالیستی بالا بوده و کارشناسان پیش بینی می نمودند که قیمت شکر بزودی پائین میاید. اما "تربیتی" مکتبی، با گرفتن رشوه از طرف معامله با بستن این قرارداد یک جا ۴۰ میلیون دلار به جیب فروشنده سرازیر میکند.

این معاملات پر سود با امپریالیستهای داخلی انجام میگردد که رژیم در خواست سود ویژه و عیدی از طرف کارگران و مبارزان و با داشتن از طرف کارمندان را خیانت به "انقلاب" و اسلام قلمداد میکنند و سرکوب آنها را "واجب شرعی" میدانند. از طرف

### زندانی سیاسی و شکنجه

زند، در کنار سرکوب نیروهای انقلابی نه تنها هیچگونه "مزا محتمی" برای سرمایه داران، خوانین فئودالها، مولوهای مرتجع و ساواکیها بوجود نیاموردند، بلکه به همکاری و حمایت از آنها نیز پرداختند. وعده قلیلی را نیز که بعلت خشم و نفرت عمیق مردم از آنها دستگیر کرده بودند، مخفیانه آزاد کردند و جز این هم از این رژیم انتظار نمی رود آنها بیشتر ما نه به خانه های مردم میریزند و با تیراندازی، محاصره و ضرب و شتم، جوانان انقلابی را دستگیر میکنند، ما شین هارا در جاده ها نگهداشته و به تفتیش و بازرسی می - بردارند. انجمن های اسلامی را که در حقیقت، انجمن های جاسوسی رژیم هستند، در مدرسه، کارخانه و ادارات به راه می اندازند. آنها گاه حتی از دستگیری پدران، مادران و میهمانان و کودکان نیز با شئی ندارند.

در اینجا قسمتی از سرفا له نبرد بلوچ شماره ۵ تحت عنوان "زندانی سیاسی و شکنجه" را درج میکنیم: درست از فردای قیام بندریج که رژیم زبیری خود را محکم میگردد، مردم نیز شاهد برآه افشادن زندانها، ساوا ماها، گشتیهای مخفی و... بودند سا ختمای نهی ساواک توسط کمیته ها و سپاه پاسداران اشغال گردید. خانه گردی ها شروع شد کتابها و نشریات انقلابی ممنوعه گردیدند با ندهای فالانژ و تروریست به ترور، سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی پرداختند و جوخه های اعدام دوباره در میدانهای تیربیز شدند. ساواکیها که توسط مردم دستگیر شده و زندانها سپرده شده بودند نیز با کبریم و احترام و عذر خواهی بدریج آزاد شدند زندانها مجدداً از کمونیستها و انقلابیون مملو شدند و فرزندان انقلابی خلق مجدداً خود را در غل و زنجیر اسیر میدیدند. انواع و اقسام شکنجه های روحی و جسمی بکار افتاد. تحت عنوان "حشری" کابلها و شلاقهای سیمی مهرنگین ارتجاع را بر پیکر استوار و پولادین انقلابیون میکوبیدند و با زهم میکوبند.....



### دختران مبارز در زندانهای رژیم

۱۳۵۹/۱۰/۲۴ - در این روز ۱۸ تن از زندانیان سیاسی انقلابی بوسیله هواپیما از تهران به سندانج منتقل گردیدند. این مبارزان که همه دختران جوان کمتر از ۱۶ سال بودند در حالی که دستهایشان در دست بند بود با بدنی ضعیف و رنجور و رنگ پریده که حاکی از شکنجه و شرایط طاقت فرسای ساواکیها و جمهوری اسلامی بود به زندان شهربانی منتقل گردیدند. با مشاهده وضعیت این دختران قهرمان که با مینی بوس از فرودگاه به زندان برده میشدند، چند نفر دست به اعتراض زدند که با سداران در جواب القابی که زبینه همان "دختران زینب" میباشند تا راین مبارزین نمودند و ادعا میکردند که هر کدام آنها چندی سدا را کشته اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزین و انقلابیون کرد همچون دیگر نقاط ایران از هیچ جنایتی فرو - گذازمیکنند. اما این رژیم نیز سرنوشتی بهتر از رژیم شاه جلاد نخواهد داشت.

(بنتل: زینبکا رگردستان شماره ۶)

در طول ۶ ماه گذشته زندان ساواک با سداران زاهدان (ساواک سابق) یکدم از نیروهای انقلابی خالی نبوده است، دستگیری کارگران و کارکنان آگاه بافت بلوچ، دستگیریهای متعدد دانش آموزان و دانشجویان انقلابی، دستگیری تعدادی از زحمتکشان مبارز ساواک و... ما هیت فریب - کارانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان منطقه آشکارو عیان نموده است توهین و ضرب و شتم دستگیرندگان که گاه پس از آزاد شدن نیز آزار و کبودی در صورتشان پیداست، بکار گرفتن انواع تهدیدها و شکنجه های روحی از جمله اعدامهای ممانعی، پراکنده نمودن زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف، قراردادن آنها در سلولهای معنادین، جاقو - کشها و منحرفین جنسی همراه با ایجا دتضییقات و فشارهای گوناگون برای خانواده زندانیان مبارز و بازرسی های متعدد در هنگام ملاقاتها، از دیگر جنایات مزدوران رژیم در قبال زندانیان انقلابی است

●●●

اعدامهای نمایی، شنیع ترین اعمال منافعی عفت با دستگیرشدگان و... حنا یا نسی است که توسط رژیم با اصطلاح انقلابی و ضد امپریالیست جمهوری اسلامی انجام میگردد. در بلوچستان نیز همراه با گسترش فعالیت نیروهای انقلابی، رشد آگاهی توده ها و او جگ - سیری مبارزات آنها، موج وسیع دستگیریها و بگیر و ببندهای شیانها آغاز گردید و با وسیعی بخود گرفت. ترورهای متعدد، حمله به تظاهرات و راهپیمائی های نیروهای انقلابی، دستگیری دانش آموزان و دانشجویان مبارز جناحی است که بارها توسط نیروهای انقلابی افشا شده و زحمتکشان منطقه در طول ۲ سال گذشته خود شاهدان بوده اند.

جالب اینجاست که مزدوران رژیم که در منطقه عوامفربیا نه دم از مبارزه با خوانین می -

یادی از دورفیق شهید اسفندماه



به یاد رفیق  
محمود ابلانجیان

در روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۱ مراسمی به  
مناسبت کرامت مدافعت با دیسکا و کمرشیدر فمسی  
محمود را ابلانجان در زادگاه رفیق برگزار گردید  
در این مراسم اسفندماه با زمان بیکار در راه  
آزادی طبقه کارگر - سروجرد خوانده تندیس  
شعری زیبا که با دورفیق رضا (کمال) سروده شده  
بود و با زمان دانشجویان و دانش آموزان  
بیکار - سروجرد قرائت کردند. تعدادی اعلامیه  
با زمان سزودر راه با اقدام حنا بیکار را نه حزب  
دمکراتیک شد. قسمتی از بیبا با زمان در رابطه  
با شهادت رفیق رضا ابلانجان بدست حزب ضد  
انقلابی دمکرات در سوکان جشن بود:

"... با زمان و همزمانش مرده اند؟ نه، آنها در  
قلب تک تک کمونیستها، در قلب توده های زحمتکش  
و خلقهای ستمدیده ایران زنده اند. خون کاسک  
کمال در قلب هزاران بچه گردستانی، که از هم  
اکتون فنون رزم و علم راهی از ستم و استثمار را  
میا یوزند، جاری خواهد بود. ما به همراه ما سیر  
انقلابیون و کمونیستها، به همراه طبقه کارگر و  
خلقهای قهرمان ایران، مشتاق خونین و انقلابی  
خود را با خون کاسک کمال، تجدید میکنیم و سوگند  
با دمیکسیم که تا آخرین قطره خون خود جز به  
آزادی طبقه کارگر و خلق قهرمان گردنیانند بنیم  
السلحه افتاده از دوش کاسک کمالها را بسردوئ  
خواهیم گرفت و با تمام نواهاشان را ادامه خواهیم داد  
کرامی با دبا در فقای شهید رضا ابلانجان - ظاهر  
ابراهیمان - ساقی خاظمی

هر چه رسوا تر با دوطبقه های خائنانه حزب دمکرات  
بر علیه زحمتکش و سیر و هوای انقلابی و کمونیست  
بر توان، تر با دجنش مفاومت خلقی کرد  
بر قرا را دمجمهوری دمکراتیک خلق  
با زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - سروجرد  
۵۹/۱۲/۲۱

رفیق احد جلالی گوار  
■ دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تبریز  
■ مارکسیست لنینیست  
■ عضو بخش منشعب از سازمان محاهدین خلق  
■ فعالیت انقلابی در بخش کارگری سازمان  
■ دستگیری در زمستان ۵۵ هنگام اجرای یک  
قرار تشکیلاتی  
■ شهادت در اسفند ۵۵ در زیر شکنجه جلادان ساواک  
یادش گرامی و راه سرخ بسروز بسا داد!

با زیم، با آلمان سرخ او را بدو اقمیت بسدل  
تکنیم بکدم آرا م نخواهیم نشست.

تنگ و نعت بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی!  
بیزروز بسا در راه سرخ شهیدان کمونیست!  
بر قرا را دمجمهوری دمکراتیک خلق!  
۱۳۵۹/۱۲/۲۴  
با زمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار  
خورسسان

به ارمان سرخ کمونیست جوان رفیق شهید  
"حجت الله خوش کفا" وفاداریم!

۲۵ اسفندماه، سالگرد شهادت بیکار و کسر  
جوان رفیق حجت الله خوش کفا، این رهرو جوان  
راه رهاشی کارگران و زحمتکشان است.  
سال گذشته در چنین روزی رژیم جنایت پیشه  
جمهوری اسلامی چون همیشه به ترکوت نظام هرات  
کارگران بیکار را ندیمشک که برای کسب ابتدائی  
- ترین حقوق انسانی یعنی کار با جماع کرده  
بود ندیدد اخت و آنها را وحشانه به مسلسل  
بست. در این میان بیکار و کرجوان رفیق  
حجت الله خوش کفا بشهادت رسید.

رفیق که از دانش آموزان مبارز و انقلابی بود  
فرصت پیدا نکرد تا مدتی طولانی در راه رهاشی  
کارگران و زحمتکشان بیکار و کندولی آلمان  
سرخ و اودا نه بفرز راه مبارزین انقلابی  
خواهد درخشید.  
به خون پاکش قسم میخوریم تا تمامی جلادان  
خلق را تا بودن تکسیم، تا سرمایه داری را ریشه کن

جاسوسی  
روزیونیستهای خان!

اطاق افراد مبارز و آگاه کوش ایستاده اند.  
عوامل سیاه نرزیبها بست در اطاقها، بخصوص  
اطاقهایی که چراغمان روشن است، می ایستند  
و "استراق سمع" میکنند.  
ضمناً این روزها عوامل حزب جمهوری (که  
اداره خوابگاهها بدست دارند) مرتباً عکسهای  
کشته شدگان خودشان را به در و دیوار می جاسا بند

مدتی است که "توده ایها" مرتب علیه سازمان  
بیکار شعاری نویسدند. ما در یکی از توده ایها،  
تحت تاثیر پیرش نشریه "ندای آواره" را که در  
اطاقش انداخته بودند، به سبابتی (مسئول  
خوابگاه) داده است.

هواداران سازمان جریبها (اکثریت) نیز  
دست در دست توده ایها و عوامل حزب جمهوری  
علیه انقلابیون جاسوسی میکنند. آنها پشت در  
اطاق افراد مبارز می ایستند تا از حرفهای آنها  
سوردرسیا ورنند. یک زن اکثریتی به تفصیلی  
دخترش، اکنون چند بار دیده شده اند که پشت در

آنها خصوص کسانی را که در گردستان کشته شده -  
اند، سببتر تبلیغ میکنند و قصد دارند یک جوفد  
خلق کرد در خوابگاه موجود بسا ورنند، ما واقعا  
کور خوانده اند. امروز بسا از زحمتکشان  
ما بی به خیالات رژیم در گردستان بوده اند.  
گردستان قلب سرخ انقلاب است، و مسانرات  
عادلانه و بحق کردها منت محکمی است که بردها  
غاریگران و خائشین به خلق کوبیده شده است.  
بشغل از ندای آواره با کمی تغییر  
نشریه با زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر -  
تشکیلات! صفهان شماره ۹

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

# ”بیانیه مهم“ خمینی، داروی مسکنی بیش نیست!

# یادداشت‌های سیاسی هفت‌شنبه

## یادی از تکاور کمونیست، رفیق شهید ناصر فراهانی



با ناسازگاری با اطلاع حاصل کردم که رفیق ناصر فراهانی افسر انقلابی و تکاور کمونیست در اواخر مهرماه ۵۹ در اثر اصابت ترکش خمپازه‌های ارتش ارتجاعی عراق در مرز شلمچه شهید شد رسیده است. رفیق ناصر در سال ۱۳۳۲ در خوی بدین آمد و در همانجا به مدرسه رفت. او پس از مرگ پدرش که معلم بود برای تامین زندگی خود و خانواده‌اش در یکی از روستاهای نزدیک خوی به نگهداری گندوی عمل پرداخت و او از نزدیک با دردورنخ روستاشان در زمکش آشنا شد. ناصر در سال ۵۲ وارد دانشکده افسری شد و دوره حذر-بازی و تکاوری را در ایران و انگلیس گذراند و پس از قیام بیستم ۵۷ به ایران برگشت. با وجود تبلیغات ارتجاعی و شستشوی مغزی رایج در ارتش شاه، بودند سربازان و کادربان جوان ارتش که با شناخت ما همت یوسیده و ارتجاعی رژیم شاه و ارتش تا بدین املحلت، دل در عشق زحمکشان گذاشتند و حاضر نشدند که ما که تفنگشان را برای کشتار رنوده‌های زحمتکش بجای نندورفین شهیدان امریکی از آنان سود رفیق ناصر از طریق آشنائی با شخصیت و مبارزه فدائی شهید رفیق علیرضا نابدل به ما رگبیم لتیمیم گراش پیدا کرده و در صد دشتنا خست سازمانهای انقلابی ایران برآمد. او هرگز حاضر نشدند به ”اطاعت کورکورانه“ داده و در سرکوب زحمکشان و خلقهای ایران شرکت نمایند او در کتار تبلیغ انقلاب و شناختن ما هبیت ارتش ارتجاعی به سربازان و افسران جوان آنها راه میارزده علمه رژیم جمهوری اسلامی از طریق شکل مخفی دردورن ارتش و یوسوسه به سازمانهای کمونیستی دعوت میگرد. رفیق ناصر علیرغم فشار و اخنبا چاکم بر ارتش جمهوری اسلامی حاضر نشد در صفحه ۲۸

قدرت عمل میگرد. با آنجا که هر لحظه امکان حوادث سیاسی سدهای را میداند انتظار داشت. در چنین شرایطی موضعگیری شخص خمینی منسواست یعنی تعیین کننده‌ای داشته باشد و در همین رابطه حزبها انتظار داشتند که با حمایت و پشتیبانی خمینی از آنها خریستف را وادار به عقب‌نشینی کنند، اما ار همان ابتدا مشخص شد که خمینی علیرغم تمایل و کرایش عمومی اش نسبت به حزب ورهبری آن، در شرایط کنونی که کشور درگیر بحران عمیق اقتصادی و سیاسی و درگیر جنگی تمام عیار با رژیم عراق است و مهمترین آزان ضرورت سرکوب جنبش توده‌ای که هر روز با عملا بیشتری می با بدوینا زمینند و حدت هر چه بیشتر خا جهای هیئت حاکمه است، قادر نخواهد بود از جناح حزب در قبال بنی صدر و لیبرالها دفاع کند و همانا نظور که انتظار صرفت، با لایحه پس از فریب دوهفته سکوت و در واقع پس از مشورت‌های پشت پرده و آنکارها رسا جناحهای درگیر، با ناسه مهم خود را شامل ۱۰ بند در روز ۲۶ ابقندا انتشار داد.

این نمانه ضمن تأکید بر ضرورت با بینندی به اصول قانون اساسی و برهبرها از اختلافات روی سکا-ت اساسی زیرکیمه میکند:

- با ناکندروی سمت فرماندهی کل فوانوسط شخص بنی صدر، موقعیت وی را در برابر جریفان حزبی که حاضر نبوده و نیستند بنا بح مترتب این سمت را بدیرا سوند تقویت نمود و این خود دست بنی صدر را در شورای عالی دفاع که ریاست آنرا سربر میبدهد ارد و همچنین در ارتش و سلسله مراتب آن با زیر میبند و این همان چیزی است که سه حزبینا از آن خرسند نیستند و در واقع میتوان گفت که این سند از ما ناسه نفع آنها نبوده است.

- تعیین هیات مرکب از نماینده حزب، نماینده بنی صدر و نماینده ما م که وظیفه دارد موارد اختلاف دو جناح را مورد بررسی قرار داده و تصمیم نهائی را اتخاذ کند. هر چند تا کنون نماینده ما م در شورای ۳ نفره تعیین نشده و، اگر چه ما جمال قوی کوس میبند و این نماینده از زمان صحبت‌های مورد قبول طرفین، اصحاب بود، معیندا میتوان از هم اکنون بنی بنی نمود که گرایش فرد مورد انتخاب با احتمال قوی منما بل به حزب جمهوری اسلامی خواهد بود و هم خواهد بود که ما سوجه به نقش تعیین کننده -

نفسه در صفحه ۲۹

بدینال حادثه روز شنبه ۱۴ ابقند در داستا که خود سلفه عظمی در ریدما دهای درونی رژیم و تنها جم لبرالها به حزب جمهوری اسلامی بنما رصرفت. جناح رصفت سربسکا رسما بدوینا اسفا ده ارتجاعی اندر تدرت و انکاسات سلسله‌ای خود مد حمله و سعی را آغاز میبند. بنی صدر در ریدمد حزب و ریش دیوان عالی کشور، رصنحای با رغا ریشی و ریش مجلس شورای اسلامی و رجانئ نحت وزیر، هر سبک سبوه خود حمله کسرتده‌ای را علیه بنی صدر و لبرالها آغاز کرد و بنا آنجا بن رصند که آسکا را سخ ارما که بنی صدر منما آمد و موسوی اردبیلی، دادسان کل کشور که در ابتدا نخط عدم موضعگیری قاطع علیه بنی صدر از سوی رئیس مجلس آسکا را مورد اسفا ده را رگرفه بود کوسد طی سربا ما ریش تعیین سده‌ای که متخما حزب جمهوری اسلامی از راطراحی کرده بود، زمینه محکومت بنی صدر و طرفداران و برافراهم نماید.

در همین رابطه را دیو و تلوسریون سربعنوان ارکان سلسله‌ای حزب از ریش جمهور و ارکانها و سبادهائی که بنی صدر در ربحرانی خود آنها را مورد اسفام قرار داده و ”خمینت“ سیاسی آنها را لکه دار کرده است، دعوت نمود تا در یک مناظره تلوسریونی جهت روص بن آنها مساب و ارده ترک کنند. حزب در نظر داشت با رور در رقرار دادن ارکانها و سبادهائی که خود رهبری آنها را در اسفا ده راد، در برابر بنی صدر و از نظر بنی مهم با حسن بنی صدر به دستمینی با ارکانهای انقلاب، ربربای بنی صدر را حالی نموده و سه ضعیف هر چه بیشتر و بدیگر لبرالها در صحنه تدرت سیاسی سبردارد.

منفا لا شخص بنی صدر با اعلام آمادگی خود جهت مناظره تلوسریونی با نحت و سربو محصبت - های اول حزب یعنی بنی صدر و رصنحای، حزب را در محظورست سندی قرار داده با آنجا که رصنحائی با کتسرا از ما سخ منست بنا سبب در حواس بدوین در حالی بود که بنی صدر ای حفظ آسوی حزب، با سخ بنی صدر دعوت را موکول بدروین سدن سبب ما سربنی ارتعی صدر ریازده حادثه ۱۴ ابقند نمود.

سیر حال بنی آمد های حادثه ۱۴ ابقند همچون خود بنی صدر در جهت سبب هر چه بیسر سار عات دو جناح رژیم و، تن هر یک جهت حذف دیگری از

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست